

## فهرست مطالب

پیش‌گفتار ..... ۹

مقدمه ..... ۱۱

### عقاید

خدای یکتا/ حسین علی عرب انصاری ..... ۱۵

راهنمایان/ عرب انصاری ..... ۲۵

رهبران الهی/ عرب انصاری ..... ۳۷

تا ستاره، تا خدا/ عبدالله عمادی ..... ۴۹

پلیس قیامت/ عبدالله عمادی ..... ۵۹

### قرآن

برترین نعمت/ مرتضی درزی رکاوندی ..... ۷۱

پرنده باهوش/ محمد رضا میرزایی ..... ۸۱

مور دانه‌کش/ همایون عابدینی و محمد رضا میرزایی ..... ۹۳

نخل سرسبز/ مرتضی درزی رکاوندی ..... ۱۰۱

کشتی بیابان/ نعمت الله عبدالی ..... ۱۰۹

## اخلاق

- آینه/ نعمت الله عبدالی ..... ۱۲۱
- تشکر/ همایون عابدینی و محمد رضا میرزایی ..... ۱۳۱
- یار مهربان/ نعمت الله عبدالی ..... ۱۳۹

## احکام

- پاکیزه باش/ نعمت الله عبدالی ..... ۱۵۰
- رمز پاکی/ غلامعلی غلامی ..... ۱۶۰
- دست و خاک/ غلامعلی غلامی ..... ۱۷۰
- نماز/ محمود لطفیان ..... ۱۷۸
- صدق/ نعمت الله عبدالی ..... ۱۸۶

## اجتماعی

- پهلوانان/ حسین حقیقت ..... ۱۹۶
- گل و پروانه/ حسین حقیقت ..... ۲۰۶
- راه درست/ علی اکبر نژادصفری ..... ۲۱۶
- برترین هدیه/ مسعود شهیدی ..... ۲۲۶

# عقاید





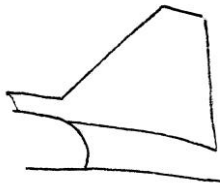


### خدای یکتا

به نام خدای بزرگ      که پروانه را آفرید  
به روی دو تا بال او      خط و خال زیبا کشید

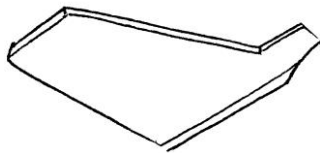
بچه‌ها سلام! حال شما خوب است؟ امیدوارم سالم باشید. آیا آماده هستید تا درس امروز را برایتان اجرا نمایم؟ حواس‌ها جمع است یا تفریق؟ برای این که بدانم حواس‌ها جمع است، یا تفریق، سؤالی می‌پرسم.

این چه شکلی است<sup>۱</sup>؟



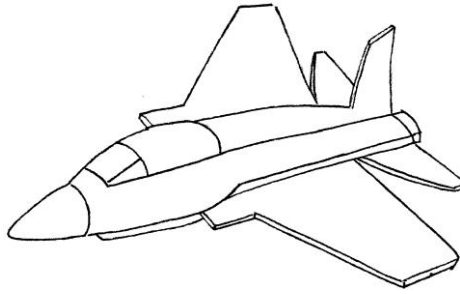
آیا قسمتی از یک موشک است؟

اگر این قسمت را اضافه کنید چی می‌شود؟



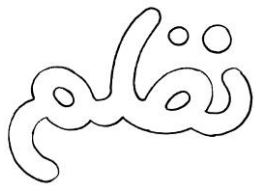
حالا این دو قسمت را هم به شکل اضافه کنید. چه چیزی درست شد؟

۱. مرتبی می‌تواند چهار قسمت هواپیما را روی چهار برگه بکشد و یا روی تخته وایت‌برد نصب کند. بعد تصویر هواپیما را روی کارت دیگری به صورت کامل بکشد.



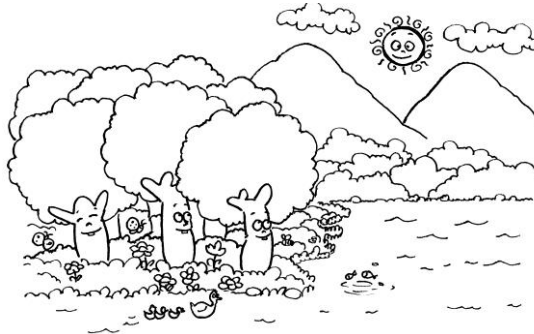
آفرین بر شما؟ همان‌طور که بعضی از شما درست حدس زدید، شکل مورد نظر ما هواپیما است. همان‌طور که مشاهده کردید وقتی چند قسمت از یک تصویر را جدا جدا کنار هم قرار دهیم، به سختی می‌توان حدس زد چه شکلی

است، اما وقتی مجموعه آن‌ها را کنار هم قرار دهیم شکل مورد نظر درست می‌شود. حالا از شما می‌پرسم یک هواپیما چه موقع می‌تواند حرکت کند و به پرواز درآید؟ وقتی که تمام قطعه‌های آن کنار هم قرار بگیرند، چطور؟<sup>۱</sup>



حالا شما بگویید از نظم و ترتیبی که در مجموعهٔ هواپیما است چه چیزی را می‌فهمیم؟ آری! می‌فهمیم که آن را فرد عادی نساخته است. بلکه فردی متخصص آن را به این صورت طراحی نموده است.

حالا اگر ما به دقت به اطرافمان نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که آسمان و زمین، کوه و دشت، دریا و خورشید و ستارگان با نظم خاصی اداره می‌شوند.<sup>۲</sup>



۱. مرتبی کلمه «نظم» را که روی کارت از قبل آماده نموده است. بالا ببرد تا هم ببینند یا روی تخته با خط درشت آن را بنویسد.

۲. مرتبی می‌تواند در حد امکان درس را تصویری ادامه دهد و اگر بشود و بتواند تصاویر خورشید و درخت و کوه را بکشد.

از این نظم به چه چیزی می‌رسیم؟

بله، قدرتی توانا آن‌ها را آفریده است که به صورت منظم آن‌ها را اداره می‌کند. آیا می‌دانید این قدرت توانا چه کسی است؟ بله، خدا.

حالا یک شعر می‌خوانم، شما هم تکرار کنید:

از آب و بادِ صحرا	از آسمان زیبا
از کوه و دشت زیبا	از باغ‌های زیبا
از آن کبوتری که	نشسته بر بام ما
پرسیدم و شنیدم	راز وجود آن‌ها
این قصه را می‌گفتند	امانه با زبان‌ها
نیافریده ما را	به جز خدای یکتا

بله بچه‌ها! اگر شما به نقاشی من نگاه کنید، می‌فهمید کسی آن را کشیده است. آیا کسی هست که فکر کند این شکل خودش درست شده است؟ نه، مگر امکان دارد که جهان به این بزرگی خودبه‌خود پیدا شده باشد؟ حالا به یک داستان گوش کنید.

در زمان‌های گذشته پادشاهی بود. او می‌گفت که جهان خودبه‌خود به وجود آمده است. بعضی از مردم ساده‌لوح و زودباور حرفش را قبول کردند. در کنار شاه، شخصی بود که شاه در بعضی از کارها با او مشورت می‌کرد. او که فردی آگاه و عاقل بود، می‌دانست که شاه اشتباه می‌کند، ولی جرأت آن را نداشت تا حرفی بزند و اعتراض کند. روزها در این فکر بود که چه کند تا شاه را به اشتباهاتش آگاه کند. نقشه‌ای به ذهنش رسید. او مخفیانه به مأموران کاخ دستور داد تا کاخی زیبا در مسیر شکار و تفریح شاه بسازند. بعد از کامل شدن کاخ، روزی شاه به بهانه، شکار از آن جا عبور کرد. با تعجب به اطراف نگاه کرد و گفت: «از این جا بارها عبور کرده‌ام، اما چنین جایی را برای اولین بار می‌بینم. چه کسی آن را ساخته است؟»

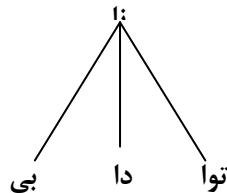


وزیر آگاه که منتظر چنین فرصتی بود، با بی‌اعتنایی دست‌هایش را تکانی داد و گفت: «ای شاه! کسی این جا را نساخته است. این مکان چون نزدیک کوه قرار دارد، باران و سیل، سنگ و گل‌ها را کنار هم قرار داد تا این کاخ به این صورت درست شده است. چوب درختان هم به وسیله آب به این جا آمده است و در این ساختمان قرار گرفتند.



شاه خنده‌ای کرد و وزیر را مسخره کرد. وزیر عاقل گفت: «چرا مسخره می‌کنی! از این که گفتم ساختمان خودبه‌خود به وجود آمده است، تعجب می‌کنید؟ اما شما چگونه بر این باورید که این جهان پهناور با همه زیبایی‌هایش خودبه‌خود و از روی تصادف به وجود آمده است؟» شاه قدری فکر کرد و به این زیرکی وزیرش آفرین گفت و به خدای بزرگ ایمان آورد.<sup>۱</sup>

بله بچه‌ها! ما خدا را بزرگ و قادر می‌دانیم. اوست که همه ما را آفریده است. من سه کلمه از ویژگی‌های خداوند را برای شما می‌نویسم. آخر هر سه کلمه «نا» است.<sup>۲</sup>



۱. موسی خسروی، پندنامه، اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش، ج ۱۲، ج ۱، ص ۷.

۲. مرتبی روی تخته بنویسد و یا به طور شفاهی سؤال کند تا سه کلمه مشخص شود.

همان‌طور که شما حدس زدید، سه کلمه مورد نظر، «توانا - دانا - بینا» هستند. برای این که معنای این سه کلمه‌ها بیش‌تر معلوم شود، سه آیه از قرآن می‌خوانم. در هر آیه کلمه‌ای را نمی‌گوییم. شما باید جای خالی یکی از کلمه‌های بالا را بگویید. آماده‌اید؟<sup>۱</sup>

۱. حکومت آسمان و زمین از آن خداست و خدا بر همه چیز ..... است. <sup>۲</sup> (توانا)

۲. خدا نسبت به رفتار و کردار شما ..... است. <sup>۳</sup> (بینا)

۳. خداوند همه چیز را آفریده و او به همه چیز ..... است. <sup>۴</sup> (دانا)

بله بچه‌ها! افرادی بودند که خدای توانا، بینا و دانا را رها کردند و سنگ می‌تراشیدند و با چوب شکل‌های مختلف درست می‌کردند و آن‌ها را می‌پرستیدند. عده‌ای هم به ماه و خورشید سجده می‌کردند و به خاک می‌افتادند. آیا می‌دانید به این کار چه می‌گویند؟ بت‌پرستی.

همه پیامبران خدا با بت‌پرستی مقابله می‌کردند. کدام پیامبر خدا به «بت‌شکن» معروف گردید؟

«حضرت ابراهیم»



این پیامبر خدا در محیطی زندگی می‌کرد که مردم بت می‌پرستیدند. شخص ستمگری در آن سرزمین زندگی می‌کرد که اسم او چه بود؟ بله، نمرود. روزی حضرت ابراهیم گروهی را دید که

۱. مرتبی ترجمه آیه را بنویسد و یا به طور شفاهی بخواند. وقتی به جای خالی رسید، اندکی مکث کند تا بچه‌ها جواب را بگویند.

۲. آل عمران، ۱۸۹.

۳. همان، ۱۵۶.

۴. انعام، ۱۰۱.

در برابر درخشندگی ستارگان از خود بی خود شده‌اند و به خاک افتاده‌اند و آن‌ها را پرستش می‌کنند. از آن‌جا دور شد. چشمش به افراد دیگری افتاد که در برابر سنگ و چوب‌هایی که با دست خود تراشیده بودند به خاک افتاده بودند و آن‌ها را سجده می‌کردند. در سرزمین بابل بت‌های فراوانی پیدا می‌شد. این پیامبر الهی نزد مردم نادان می‌رفت و آن‌ها را آگاه می‌ساخت و می‌فرمود که دست از این کارها بردارید و خدای یکتا را بپرستید، اما گوش شنوایی پیدا نمی‌شد.

تصمیم گرفت نزد ستاره‌پرستان برود و آن‌ها را آگاه سازد. وقتی نزد آن‌ها رفت، دید در برابر ستاره‌ها به خاک افتاده‌اند. حضرت ابراهیم گفت: «این پروردگار من است! آن‌ها خوشحال شدند که ابراهیم هم با آن‌ها هم عقیده شده است، اما پس از مدتی ستاره‌ها پنهان شدند و غروب کردند. به آن‌ها گفت: «من خدایی که غروب کند، نمی‌خواهم» و از آن‌جا رفت.

بعد نگاهی به ماه‌پرستان کرد و گفت: «ماه خدای من است!» اما بعد از مدتی که ماه پنهان شد، گفت: «چنین خدایی نمی‌خواهم.»

این پیامبر بت‌شکن با بالا آمدن خورشید و شروع روز جدید، نزد خورشیدپرستان رفت. برای این‌که آن‌ها را هم متوجه اشتباهشان کند، ابتدا گفت: «خورشید پروردگار من است!» اما وقتی خورشید غروب کرد، گفت: «من از خدایی که غروب کند، بیزارم.»<sup>۱</sup>

حضرت ابراهیم (علیه السلام) با این رفتار زیبای خود چه چیزی را می‌خواست بفهماند؟ دعوت به پرستش خدای یگانه. آفرین به شما بچه‌های خوب که به درس ما گوش کردید. حالا که صحبت از ماه و ستاره و خورشید شد، آماده‌اید تصویر آن‌ها را بکشید. دفترها را باز کنید و آماده باشید.<sup>۲</sup>

۱. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۹۰ - ۹۴.

۲. مرتبی روی تخته این اشکال را بکشد و از بچه‌ها بخواهد آن‌ها هم بکشند و رنگ‌آمیزی کنند.



ماه و ستاره و خورشید از آفریده‌های خدا هستند. آری، خدای یگانه آن‌ها را آفریده و با نظم هدایت می‌کند. ما نیز با دیدن آن‌ها به یگانگی خدا پی می‌بریم. حالا شما هم این شکل‌ها را کشیدید آن‌ها را از شماره یک تا چهارده شماره‌گذاری کنید. چرا؟ چون می‌خواهم یک مسابقه اجرا کنم. چه کسی می‌خواهد در این مسابقه شرکت کند؟ همه! بله، مسابقه امروز ما بین همه شما اجرا می‌گردد، اما همه که نمی‌شود. بنابراین ۱۴ سؤال می‌پرسم. هر کس مایل است جواب بدهد دستش را بالا بگیرد.<sup>۱</sup> آماده هستید؟ همه با هم یک مرتبه بلند بگویید: «الله».

#### پرسش‌ها:

۱. به ایمان آورنده به خدا چه می‌گویند؟ مؤمن
۲. به مساوی و برابر چه می‌گویند؟ یکسان
۳. کدام سوره در قرآن به معنای ستاره است؟ نجم
۴. پدر گرامی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) چه نام داشت؟ عبدالله
۵. کدام فرشته بر پیامبر وحی نازل می‌کرد؟ جبرئیل
۶. در عربی به «دست» چه می‌گویند؟ ید

۱. مرتبی می‌تواند افرادی را به انتخاب خود برای مسابقه انتخاب نماید. او می‌تواند همه را در این کار شرکت دهد تا فعالیت کلاس بیش‌تر شود، اما باید کلاس را کنترل کند.

۲۲ ..... ره‌توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

۷. کدام مبارز اسلامی بود که در زیر شکنجه‌های دشمنان اسلام «أحد أحد» می‌گفت و خدا را به یگانگی توصیف می‌کرد؟  
بلال

۸. تکمیل کنید: ..... سرخ سر سبز می‌دهد بر باد.  
زبان

۹. کدام لقب امام چهارم است که به واسطه زیاد سجده نمودن به ایشان نسبت داده می‌شود؟  
سجاد

۱۰. به کاری که به جا آوردن آن در اسلام لازم و ترک آن حرام است، چه می‌گویند؟  
واجب

۱۱. ضرب‌المثلی است: ..... اگر دوتا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.

آشپز

۱۲. کدام سوره است که به یگانگی خداوند اشاره می‌کند؟  
توحید

۱۳. کدام پیامبر الهی است که دارای کتاب زبور می‌باشد؟  
داوود

۱۴. به کسی که در رأس یک وزارتخانه است، چه می‌گویند؟  
وزیر

حالا حروف اول جواب‌ها را از داخل شکل‌ها بنویسید.<sup>۱</sup> من حرف ستاره اول را روی تخته می‌نویسم. آن حرف «م» است. شما بچه‌ها باید به ترتیب سه خانه سه خانه بشمارید و همین طور کار را ادامه دهید تا پیام درست شود.

من حروف را شمردم. آفرین بر شما که پیام را به دست آوردید. بله، پیام این است:<sup>۲</sup>

معبودی جز او نیست.

عربی آن را می‌خوانم. شما هم تکرار کنید:

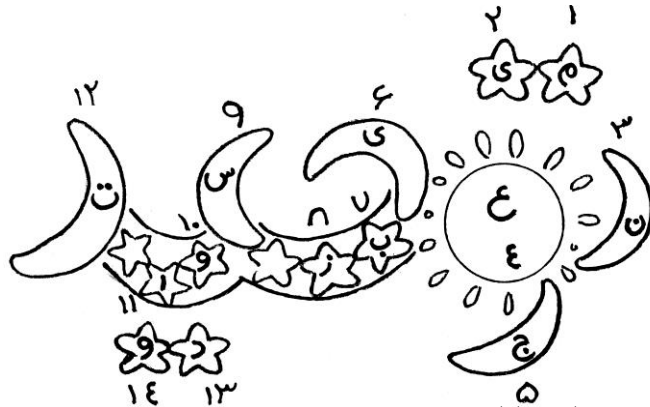
(لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ)

مسابقه تمام شد. حالا می‌خواهم با این سه شکل ماه و ستاره و خورشید برای

---

۱. مرتبی از بچه‌ها بخواند حرف اول هر جواب را داخل یا کنار شکل‌ها قرار دهند. در مرحله بعد از آن‌ها بخواند حروف را سه خانه سه خانه بشمارند. خود مرتبی هم بشمارد. مرتبی می‌تواند این کار را به صورت مسابقه برگزار کند که بعد از فرصتی که به آن‌ها داد هر که زودتر به پیام رسید، تشویق شود.  
۲. مرتبی روی تخته بنویسد و کنار آن عربی پیام را بنویسد. از بچه‌ها بخواند آن را بخوانند.

شما کلمه‌ای بنویسم که موضوع درس ما هم هست. چه کسی می‌تواند این کلمه را درست کند.<sup>۱</sup>



درس را با یک شعر و دعا به پایان می‌برم.

دایا، خدایا، تو خوبی، تو خوبی  
خدایا جهان را تو خوب آفریدی  
بدی نیست در نفس هستی، خدایا  
زمین و زمان را تو خوب آفریدی  
خدایا، خدایا، تو ما را کمک کن  
که از کینه در ما نماند نشانی  
بگیر از همه فتنه و دشمنی را  
به هر کس عطا کن دلِ مهربانی  
خدایا، زمین تو دیگر نیازی  
به یک حال و روز خوش و تازه دارد  
مدد کن که خوبی نگردد فراموش  
بدی بس، خدایا، بد اندازه دارد<sup>۲</sup>

۱. چنانچه دانش آموز نتوانست آن را درست کند، مربی آن را به کلمه «توحید» تبدیل کند.  
۲. نان و پروانه، حسین حداد، چاپ سوره، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳۱، شاعر: محمود کیانوش .

پرسش‌ها:

۱. پادشاه ستمگر زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) چه کسی بود؟

الف. نمرود

ب. فرعون

ج. قارون

۲. کدام یک از پیامبران خدا بت پرستان را به اشتباهشان آگاه ساخت؟

الف. حضرت موسی (علیه السلام)

ب. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

ج. حضرت ابراهیم (علیه السلام)

۳. حضرت ابراهیم (علیه السلام) با چه کسانی مبارزه کرد؟

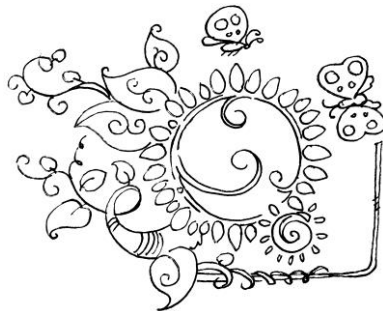
الف. ستاره پرستان

ب. خورشید و ماه پرستان

ج. الف و ب صحیح است

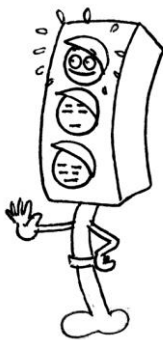
# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## راهنمایان



به نام خداوند جان و جهان خداوند بخشنده مهربان

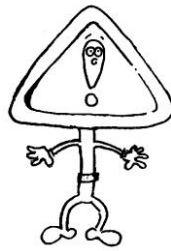
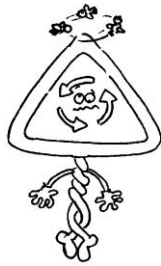
بچه‌ها سلام، حال شما خوب است؟ خدا را شکر، امیدوارم همیشه سالم و شاداب باشید. آماده هستید تا درس را شروع کنم. ابتدا یک معما می‌پرسم. آن چیست که یک پا دارد و سه تا چشم؟ بله، چراغ راهنما.



بچه‌ها! این چه علامتی است؟<sup>۱</sup>  
نشانه توقف است.

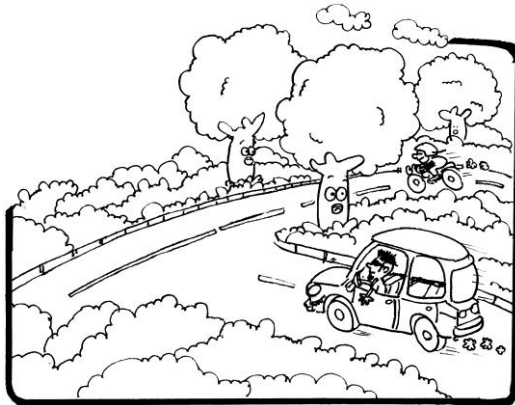
۱. مرتبی این علامت‌ها را بکشد و توضیح کوتاهی در مورد آنان بدهد.





این شکل را کجا دیده‌اید؟  
نشانه میدان است و در میدان‌ها نصب می‌کنند.  
این علامت هم نشانه خطر است.

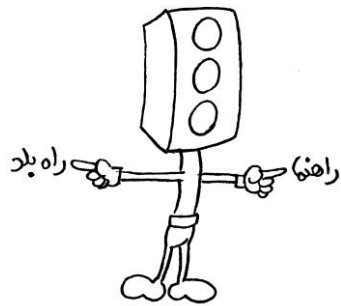
شما در جاده‌ها علامت‌های زیادی می‌بینید. به این‌ها چه علامتی گفته می‌شود؟ بله، به این علامت‌ها، علائم راهنمایی و رانندگی می‌گویند.



فایده این علامت‌ها چیست؟  
این علامت‌ها به راننده کمک می‌کند تا مسیر حرکت خود را بشناسد و با کنترل سرعت وسیله نقلیه، سالم به مقصد برسد. من شکل دیگری را برای شما می‌کشم.

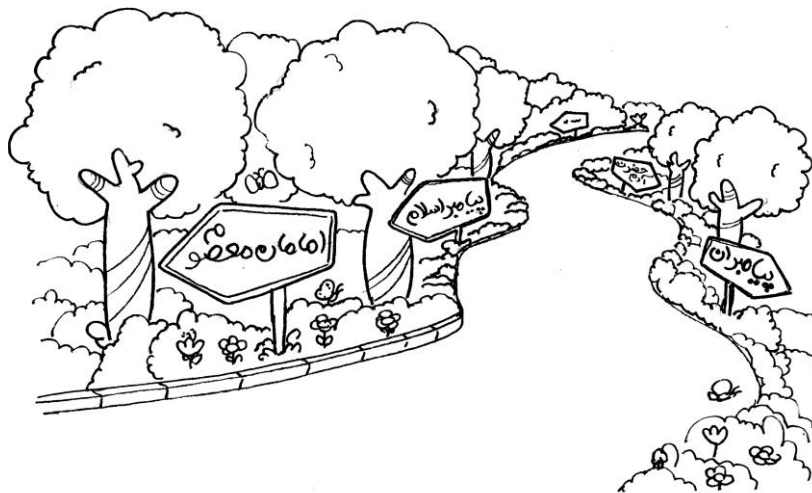
این جاده‌ای که کشیدم چه فرقی با سایر جاده‌ها دارد؟ بله، در این جاده که اتومبیلی در آن حرکت می‌کند تابلوهای راهنمایی و رانندگی ندارد. آیا می‌دانید اگر در جاده‌ای این علامت‌ها وجود نداشته باشد چه می‌شود؟ راننده نمی‌تواند مسیر مورد نظر خود را به درستی بشناسد.

بله بچه‌ها! در زمان قدیم که اتومبیل نبود و جاده‌های آن زمان هم مثل حالا وجود نداشت و خاکی بود، مردم به وسیله چهارپایان به این طرف و آن طرف می‌رفتند. البته در مسیرهای نزدیک چندان مشکل ساز نبود، اما اگر می‌خواستند



از شهری به شهر دیگر بروند روزها و ماه‌ها سفرشان طول می‌کشید. یکی از مشکلات آن‌ها در این‌گونه سفرها این بود که در مسیر راه تابلو و علامتی برای راهنمایی و انتخاب وجود نداشت. آیا می‌دانید آنان چگونه راه را پیدا می‌کردند؟ بله، آن‌ها برای این‌که راه را گم نکنند از افرادی استفاده می‌کردند. اسم آن‌ها چه بود؟<sup>۱</sup>

ما انسان‌ها که در این دنیا زندگی می‌کنیم، مانند همان مسافری هستیم که در جاده در حال حرکت است. در جاده زندگی هم اگر تابلوی راهنما وجود نداشته باشد، سرگردان می‌شویم و به مقصد خود نخواهیم رسید. به همین جهت خداوند برای راهنمای ما افرادی را فرستاده است که من نام آنان را می‌نویسم.



خداوند پیامبران را برای هدایت و راهنمایی ما فرستاده است که اولین آن‌ها حضرت آدم (علیه السلام) و آخرین آنان، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است. امامان معصوم هم جانشینان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هستند.

۱. مرتبی چراغ راهنما را بکشد و دو طرفش کلمه «راهنما» و «راه‌بلد» را بنویسد.

پیامبران دستورهایی را از طرف خدا برای مردم آوردند و آن‌ها را راهنمایی نمودند. مجموعه دستورهایی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای هدایت ما مسلمانان آورد شامل اصول دین و فروع دین است.

اما می‌دانید کدام یک از اصول دین به معنای فرستادن راهنماست؟

«نبوت»

حالا نوبت شعر است. آماده‌اید؟

بگم چیه نبوت	پس گوش بدید با دقت
بچه باید بدونه	خدا که مهربونه
فرستاده تو دنیا	چند رسول و نبی را
بودند آدم‌های خوب	هم بی‌گناه و محبوب
تا خوبی رو یاد بدن	زشتی رو بر باد بدن
از توی این چند هزار	پنج‌تای اون‌ها پرکار
هریک دارند کتابی	با دستورات نابی
دین آن‌ها جهانی	قدرتشون نهانی
اولوالعزمند همین‌ها	یاد بگیر اسم اون‌ها
نوح، ابراهیم، موسی	چهارمی هست عیسی
پنجم پیامبر ماست	که خاتم الانبیاست

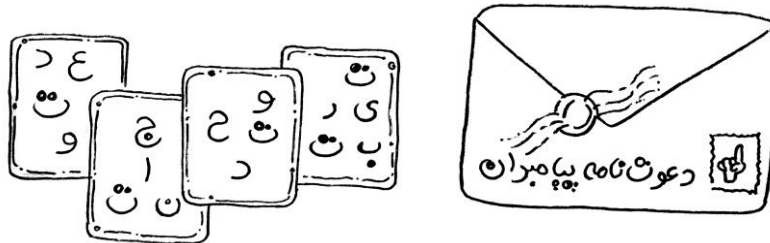
شما تا به حال از معلّمتان سؤالی پرسیده‌اید؟ بله، باید آنچه را از درس یاد نگرفتیم از معلم سؤال کنیم. آقا معلم هم ما را راهنمایی می‌کند.

آقا سعید که مثل شما بچه‌های زرنگ بود و آنچه نمی‌دانست از معلّمش می‌پرسید. یک روز که معلّم وارد کلاس شد و از بچه‌ها خواست تا کتاب دینی را باز کنند. از معلّم اجازه خواست و گفت: «علّت بعثت و هدف پیامبران چه بود؟ معلّم چند سطر از درس گذشته دینی را خودش خواند و روی تخته شکل خورشید کشید. پس رو به بچه‌ها کرد و گفت: «بچه‌های خوب! برای این‌که به

سؤال آقا سعید خوب جواب بدهم، این خورشید را کشیدم. شما در کتاب‌های علمی خوانده‌اید که: جهان دارای منظومه شمسی است. موجودات زنده به واسطه خورشید زنده‌اند. چون اگر خورشید نباشد نمی‌توانند رشد کنند و نیرو بگیرند و همه چیز از بین می‌رود. و همه جا تاریک می‌شود. زندگی ما انسان‌ها هم مثل همان منظومه شمسی است که خورشید لازم دارد. این خورشید، پیامبران و فرستادگان خدا هستند. چطور؟ خورشید با نور و حرارت خود سردی و تاریکی را از بین می‌برد. پیامبران خدا با دستورهایی که از طرف خدا برای هدایت انسان‌ها آوردند، موجب شدند تا انسان‌ها مسیر زندگی خود را بهتر بشناسند. برای همین می‌بینیم که تا قبل از ظهور دین اسلام بین مردم جنگ و دعوا و دشمنی زیاد بود. وقتی که خورشید اسلام تابید، دشمنی‌ها به دوستی تبدیل شد. محمد که خوب به حرف‌های آقا معلم گوش می‌کرد پرسید: «آقا! چرا می‌گویند که دین اسلام کامل‌ترین دین‌ها است؟» معلم روی صندلی نشست و مکثی کرد و گفت: آیا می‌تواند یک بچه هفت ساله مدرسه راهنمایی برود؟ نه، چون مطالب را نمی‌فهمد. پس شما باید ابتدا وارد مقطع ابتدایی بشوید. بعد راهنمایی، سپس دبیرستان و بعد وارد دانشگاه شوید. فهم مردم قدیم در حد ابتدایی بود. بعد از سال‌ها به حد راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه رسیدند. پیامبران هم نسبت به فهم آن‌ها فرستاده شدند تا این‌که زمان پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسید. فهم مردم در آن عصر و زمان رشد پیدا کرد و به حد تخصص و فوق تخصص رسید. خداوند هم آیینی آورد که فوق تخصص ادیان گذشته و کامل‌ترین آن‌ها بود. آن دین، اسلام است. معلم از سعید و محمد که با کنجکاوی سؤال پرسیدند، تشکر کرد و درس را ادامه داد.

ما هم درس را ادامه می‌دهیم و در ادامه یک معما از شما می‌پرسم.

آن چیست تا سرش را نبریم با ما صحبت نمی‌کند؟ نامه  
پیامبران چه برنامه‌هایی داشتند و از مردم چه می‌خواستند؟ این برنامه‌ها را من  
در قالب کارت به شما نشان می‌دهم. البته کلمه روی کارت‌ها را باید شما درست  
کنید. آماده‌اید؟



پیامبران آمده‌اند تا انسان‌ها را هدایت و تربیت کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های  
پیامبران وحدت است. آن‌ها با برنامه‌هایی که از طرف خدا برای مردم آوردند  
هرگونه دشمنی و تفرقه را از بین بردند و مردم را به وحدت کلمه و یک پارچگی  
فرا خواندند.

آن‌ها مردم را از دست ظالمان و ستمکاران نجات دادند. نام سه نفر از  
ستمگران تاریخ را می‌گوییم. شما باید بگویید هر یک در زمان کدام پیامبر بودند.<sup>۱</sup>  
ابولهب ..... پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)  
فرعون ..... حضرت موسی (علیه السلام)  
نمرود ..... حضرت ابراهیم (علیه السلام)

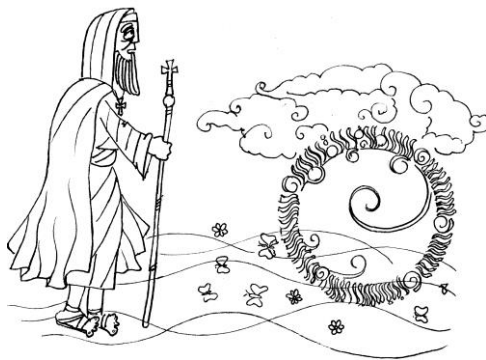
آفرین بر شما بچه‌ها! من مقداری خمیر آورده‌ام و می‌خواهم برای شما کاردستی  
درست کنم.<sup>۲</sup> راستی دوست دارید چه شکلی درست کنم؟ شکل پرنده، انسان،  
حیوان، یا... حالا یکی از شما بیاید و با این خمیر یک پرنده درست کند. آفرین بر

۱. مرتبی هریک از سه اسم را بگوید و صبر کند بچه‌ها قسمت بعدی را حدس بزنند.  
۲. مرتبی می‌تواند از قبل هماهنگ کند. بچه‌ها هم خمیر تهیه کنند و با خود بیاورند، یا خود مرتبی مجسمه آماده‌ای  
را به کلاس بیاورد.

شما! اما بچه‌ها چرا این مجسمه حرکت نمی‌کند؟ آیا می‌تواند راه برود و به شما کمک کند؟ لابد شما می‌گویید: مجسمه که راه نمی‌رود اما مردم زمان‌های قدیم یک سری چیزهایی با دست خودشان می‌ساختند و آن‌ها را به عنوان خدای خود می‌پرستیدند و در مقابل آنان سجده می‌کردند. پیامبران خدا که این رفتارهای زشت را از مردم می‌دیدند، ناراحت می‌شدند. اگر گفتید چه کار می‌کردند؟<sup>۱</sup>  
پیامبران مردم را **دعوت** می‌کردند. اما به چه چیز؟<sup>۲</sup>

### دعوت به ← خداپرستی

در این جا برایتان یک داستان تعریف می‌کنم.



پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کودکی با از دست دادن پدر و مادر، تحت سرپرستی عموی خود، ابوطالب قرار گرفت. ابوطالب مانند بزرگان قریش، مردی بازرگان بود و به کار داد و ستد اشتغال داشت. روزی که خود را آماده می‌کرد تا به سفر

تجاری شام برود، محمد جلو آمد و دامن عمو را گرفت و التماس کرد تا او را تنها نگذارد و با خود به سفر ببرد. سفر آن روز شام بسیار طاقت‌فرسا بود. چندین کیلومتر راه میان صحرای سوزان عربستان، آن هم با نبود آب و مواد غذایی چیزی نبود که بتوان آن را آسان شمرد. مردم عرب به این سفرها عادت کرده بودند، ولی آیا پسر بچه‌ای که برای نخستین بار قصد چنین سفری را کرده است آمادگی لازم را دارد؟ ابوطالب از این که می‌خواست برادرزاده‌اش را به مسافرت نبرد ناراحت بود. او گفت: «به خدا هر طور شده است. او را باخود می‌برم و نمی‌گذارم از من جدا شود.»

۱. مرتبی در این جا کلمات آخر را بیرون بیاورد و از بچه‌ها بخواهد با حروف پراکنده آن را درست کنند.  
۲. مرتبی کلمه دعوت را با فلش به کلمه خداپرستی وصل کند (اگر روی تخته می‌نویسد) و اگر به طور شفاهی بیان می‌کند، کلمه خداپرستی را بعد از کلمه دعوت بر زبان بیاورد.

در این سفر طولانی بسیاری از سرشناسان مکه، کاروانی بزرگ برای سفر به شام راه انداختند که این کاروان، دشت‌های وسیع و بیابان‌های بی‌کران عربستان درنوردید و هم‌چنان شب و روز در حرکت بود تا به شهر بصری واقع در خاک اردن رسید. بصری از شهرهای قدیمی روم در نواحی شام بود. راهبی که به او «بحیرا» می‌گفتند در آن حوالی به عبادت مشغول بود و از مردم فاصله گرفته بود. او روحانی بزرگ مسیحیان بود و عبادتگاهش در کنار جاده حجاز به شام قرار داشت. افراد کاروان در سفرهای قبل به سرعت از آن‌جا می‌گذشتند و سابقه نداشت بحیرا با یکی از آن‌ها سخن بگوید یا آن‌ها را دعوت کند. ولی در این سفر وقتی مسافران به آن مکان رسیدند، زیر درختی در آن نزدیکی‌ها پیاده شدند و به استراحت پرداختند. راهب آن‌ها را برای صرف غذا دعوت کرد. علت دعوت این بود که راهب در آن روز از محلّ عبادت خود بیابان را نگاه می‌کرد. با تعجب پاره ابری را دید که بر سر یک نفر از آن کاروان سایه انداخته است و هر چه او جلو می‌آمد قطعه ابر هم‌چنان بالای سر او بود.

یکی از کاروانیان گفت: «ای بحیرا! ما امروز چیز تازه‌ای از تو می‌بینیم. ما بارها از این‌جا گذشتیم ولی سابقه نداشت ما را دعوت کنی، یا با ما سخن بگویی. چه شده است؟ او گفت: «همین‌طور است که می‌گویی. من با دیدن تکه ابر گویا گمشده خود را یافته‌ام و از انتظار و اندوه به درآمدم. وی بی‌درنگ غذایی آماده ساخت و تمام افراد را برای صرف غذا دعوت کرد. کاروانیان نزد بحیرا آمدند. تنها محمد بود که حاضر نشد با آن‌ها برای صرف غذا برود. بحیرا نگاهی به آنان کرد. متوجه شد فرد مورد نظر در میان آن‌ها نیست. لذا گفت: مبدا کسی از شما جا مانده باشد. آیا همگی آمده‌اند؟» آنان گفتند که فقط پسر بچه‌ای نیامده است، چون از ما کم‌سن‌تر است از آمدن با بزرگان قوم خودداری کرده است. بحیرا گفت: «نه، او هم باید بیاید تا با شما غذا بخورد.»

هنگامی که محمد وارد شد و بحیرا از نزدیک او را دید به دقت او را نگاه کرد و یک لحظه از او چشم بر نمی داشت. برخاست و نزدیک محمد آمد و به وی گفت: «ای جوان! تو را به لات و عزّی<sup>۱</sup> سوگند می دهم آن چه از تو می پرسم به من جواب بدهی. محمد گفت: «از شما خواهش می کنم مرا به لات و عزّی قسم ندهید که به خدا من هیچ چیزی را به اندازه لات و عزّی بد نمی دانم». بحیرا گفت: «پس تو را به خدا قسم می دهم که آن چه می پرسم، جواب بدهی.» محمد گفت: «آنچه می خواهی سؤال کن.» بحیرا هم پرسش هایی در مورد زندگی خصوصی محمد از وی نمود. محمد نیز به وی جواب داد. بحیرا از ابوطالب خواست از او مراقبت کند مبادا یهودیان به او آسیبی برسانند.<sup>۲</sup>

اگر گفتید که ما نسبت به پیامبران و راهنمایان دینی چه وظیفه ای داریم؟ از دستوره ای آن ها پیروی کنیم. یک وظیفه دیگر هم داریم که با انجام مسابقه، آن وظیفه مشخص می شود. آماده مسابقه هستید. مسابقه ما دو مرحله دارد.

### مرحله اوّل:

به دو گروه شرکت کننده نیاز داریم. هر گروه باید به ۸ سؤال جواب بدهد. هر سؤال پنج امتیاز دارد که در مجموع چهار امتیاز می شود. ۱۰ امتیاز هم برای به دست آوردن پیام در نظر گرفته شده است که در مجموع ۵۰ امتیاز محسوب می شود. من ۱۶ کارت در دست دارم. هر گروه باید از شماره ۱ تا ۱۶ یک عدد را انتخاب کند. من سؤال مربوط به همان شماره را مطرح می کنم. اگر جواب درست دادید، همان کارت را به گروه مورد نظر می دهم. در پایان هر گروه کارت بیش تری گرفت، امتیاز بیش تری هم نصیبش می شود.<sup>۳</sup>

۱. لات و عزّی دو بت معروف عرب جاهلیت بوده است.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ص ۱۹۶.

۳. لازم به یادآوری است که پشت کارت یک حرف از جواب، به دل خواه نوشته شده است. این حرف ها در مقابل پاسخ های سؤال آمده است.



۱. کدام سوره به معنای روشنایی است؟ **ر** نور
۲. کدام پیامبر الهی برای اولین بار خط نوشت و خیاطی کرد؟ **س** ادریس
۳. بعد از من و تو کیست نمره تو بیست؟ **و** او
۴. نام آخرین دین جهانی چیست؟ **ل** اسلام
۵. برادر عربی چه می‌شود؟ **خ** اخ
۶. کدام پیامبر در قرآن به عنوان رحمت برای جهانیان معرفی شده است؟ **د** محمد
۷. کدام پیامبر به عنوان ذبیح‌الله معروف شده است؟ **ا** اسماعیل
۸. به حکایت، داستان و سرگذشت چه می‌گویند؟ **س** افسانه
۹. نسبت حضرت موسی و هارون چیست؟ **ر** برادر
۱۰. چه پیامبری را خداوند به دوستی گرفت؟ **م** ابراهیم
۱۱. کدام سوره قرآن به نام قبیله پیامبر است؟ **ش** قریش
۱۲. آن چیست که بعد از هر صدسال یک بار می‌آید؟ **ق** قرن
۱۳. به چیزی که پیدا نشود چه می‌گویند؟ **ن** نایاب
۱۴. کدام پیامبر خدا اسوه صبر در بلا بود؟ **ی** ایوب
۱۵. خداپرستان غارنشین چه کسانی بودند؟ **ک** کهف
۱۶. کدام پیامبر الهی به سفر زیر دریایی رفت؟ **و** یونس

آفرین بر شما بچه‌ها که در مسابقه شرکت کردید.

**مرحله دوّم:** به دست آوردن پیام است. من به هر گروه ۱۶ کارت می‌دهم. باید ظرف دو دقیقه شماره‌ها را طوری کنار هم بگذارید تا پیام درست شود.  
پیام: **رسول خدا سرمشق نیکو** است. پیام بخشی از این آیه است:  
([لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ]¹)

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

اما بچه‌ها! یادتان هست چند دقیقه قبل از شما سؤالی پرسیدم. آن سؤال چه بود؟ ما نسبت به پیامبران چه وظیفه‌ای داریم؟ بله، ما باید در زندگی، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیه السلام) که جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند، الگو و اسوه خودمان قرار دهیم. زندگی آن‌ها را مطالعه کنیم و از آن‌ها راه و رسم زندگی را یاد بگیریم و عمل کنیم تا دارای زندگی خوبی باشیم. هیچ شخص دیگری مناسب الگوگیری نیست. حالا یک دعا کنم. دست‌ها را بالا ببرید و آمین بگویید. خدایا به ما توفیق پیروی از دستوره‌های خود و پیامبرت را عنایت فرما: آمین.

پرسش‌های درس:

۱. کامل‌ترین دین، کدام دین است؟

الف. اسلام

ب. مسیحیت

ج. یهودیت

۲. پیامبران مردم را به چه چیزی دعوت می‌کنند؟

الف. عبادت

ب. خداترسی

ج. خداپرستی

۳. پیامبران چه برنامه‌هایی داشتند؟

الف. تربیت انسان‌ها

ب. ایجاد وحدت

ج. هر دو مورد

## بسم الله الرحمن الرحيم

### رهبران الهی

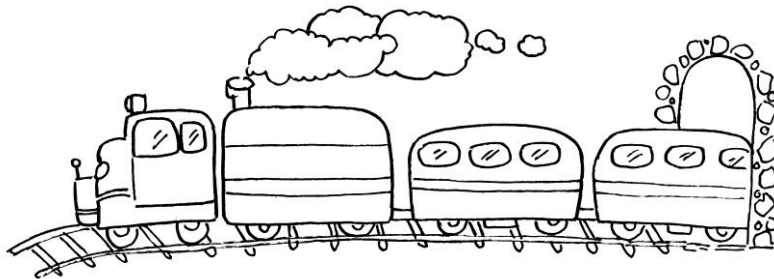
به نام خدایی که بر بندگان ببخشد و بس بود مهربان

بچه‌ها سلام!

حال شما خوب است؟ الحمدلله.

آیا آماده‌اید تا درس امروز را شروع کنیم؟

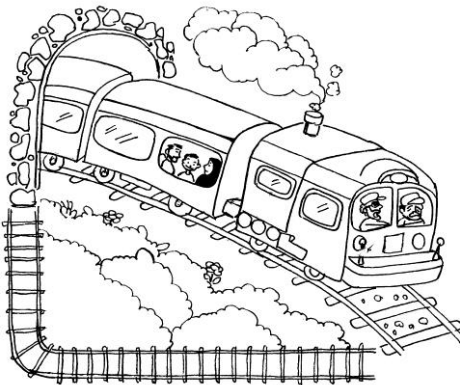
این چه شکلی است؟



من که با دیدن قطار به یاد مسافرت می‌افتم. شما چطور؟ حالا دوست دارید با هم یک مسافرت چند دقیقه‌ای برویم؟

عصر بود. داشتیم مشق‌هایم را می‌نوشتیم. تلفن زنگ زد. مامان گوشی را برداشت. دایی حسین بود. از مشهد زنگ می‌زد. مامان چندبار با خوش حالی گفت: «مبارک باشد. ان شاءالله که قدمش خیر است.» فهمیدم خدا به دایی حسین بچه‌ای داده است. مداد را گذاشتم روی دفترم و به حرف‌های مامان گوش دادم. فهمیدم بچه‌ی دایی حسین، دختر است. اسمش را گذاشته‌اند زینب. مامان چندبار گفت: «ببینم چه می‌شود. اگر قسمت شد می‌آییم.» بعد گوشی را گذاشت.

پرسیدم: «مامان می خواهی برویم مشهد؟» مامان با خوشحالی گفت: «اگر خدا بخواهد. ببینیم بابایت چه می گوید.» گفتم: «بابا حتماً قبول می کند.»  
بعد از شام مامان یک استکان چای برای بابا ریخت و جلوی او گذاشت. خودش هم نشست و گفت: «امروز حسین آقا تلفن زد و سلام رساند.» بابا پرسید: «چه خبر بود؟ خوب بودند؟» مامان گفت: «خوب بودند. بچه شان هم به دنیا آمده، دختر است.» بابا سرش را بلند کرد و با تبسم گفت: «مبارک باشد ان شاء الله.»  
مامان نگاهی به من انداخت نگاهی به من انداخت. لبخند زد و گفت: «حسین آقا می گفت به دیدنشان برویم. فکر کردم که بد نیست چند روزی برویم مشهد.»  
بابا گفت: «من که سرم شلوغ است و نمی توانم بیایم. اگر شما خواستید بروید، حرفی نیست.» مامان گفت: «اگر تو هم بیایی خوب است.»  
بابا قبول کرد. من با خوشحالی گفتم: «آخ جون! می رویم مشهد.» مامان گفت: «البته اگر بلیت قطار گیرمان بیاید.» بابا گفت: «نگران نباشید، بلیت گیر می آید.»  
بابا رفت و نیم ساعت بعد برگشت. بلیت قطار را از جیبش درآورد و گفت: فردا باید ساعت چهار بعد از ظهر ایستگاه باشیم. از خوشحالی خوابم نبرد.



صبح پدر در را باز کرد و گفت: «زود باشید راه بیفتیم تا یک ساعت قبل از حرکت، در ایستگاه باشیم.» وارد ایستگاه که شدیم بلندگو اعلام کرد که قطار تهران - مشهد آماده حرکت است. جلوی قطار رفتیم و به کمک مأمور قطار کوبه مان را پیدا کردیم. قطار راه افتاد. چه منظره های زیبایی!

یک ساعت از حرکت قطار نگذشته بود که یک مرتبه قطار ایستاد. چی شد بچه ها؟ قطار پنجر شد! نه، قطار که پنجر نمی شود. همه مسافران بیرون آمدند.

بعد از پرس و جو معلوم شد که برای راننده قطار (لوکوموتیو ران) مشکلی پیش آمده و حالش بد شده است. او نمی تواند قطار را حرکت دهد. اما این همه مسافر چکار کنند؟

بله بچه ها! بعد از چند دقیقه که گذشت، جانشین راننده، قطار را به حرکت درآورد و همه مسافران سر جای خود نشستند. آری، دوست شما بچه ها، صحیح و سالم به مشهد رسید. اما بچه ها این داستان را گفتم تا مطلبی را برای شما توضیح دهم. چه مطلبی؟<sup>۱</sup>

**قطار اسلام** توسط پیامبر اسلام (ص) حرکت داده شد. پیامبر خدا (ص) در مدت بیست و سه سال رهبری آن را بر عهده داشت. این قطار در طول سفر خود با سختی ها مواجه شد. اما با هدایت رسول خدا (ص)، هم سختی ها گذشت و هم قطار به حرکت خود ادامه داد تا این که پیامبر (ص) متوجه شد روزهای آخر عمرش فرا رسیده است. آیا بعد از این همه تلاش و تحمل مشکلات، درست است پیامبر خدا (ص) قطار اسلام را بین راه به حال خود رها کند و برود؟ نه، آیا می دانید که پیامبر خدا (ص) وقتی متوجه شد روزهای آخر عمرش است چه کرد؟ برای خود **جانشین** معین کرد تا جانشین او بتواند مسافران را به مقصد برساند.

حالا یک سؤال می پرسم. آیا پیامبران دیگر هم برای خودشان جانشینی معین کردند؟

من نام سه تا از پیامبران خدا را می نویسم.

حضرت داوود (ع)

حضرت زکریا (ع)

حضرت موسی (ع)

۱. مرتبی سه کلمه مورد نظر (قطار اسلام، بیست و سه سال، جانشین) را به وسیله کارت به بچه ها نشان دهد.

۴۰ ..... ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

جانشین هر کدام چه کسی بود؟ حالا من سه کلمه دیگر هم می نویسم.

حضرت هارون (ع)

حضرت یحیی (ع)

حضرت سلیمان (ع)

چه کسی می تواند جانشین هر پیامبر را مشخص کند؟<sup>۱</sup> آفرین به این دوست شما! من یک مرتبه دیگر نام هر کدام از سه پیامبر را می برم. شما با هم جانشین آن پیامبر را بگویید. آماده اید؟ بله

جانشین حضرت موسی (علیه السلام) چه کسی بود؟ حضرت هارون (علیه السلام)

حضرت داوود (علیه السلام) چه کسی را جانشین خود معین کرد؟ سلیمان (علیه السلام)

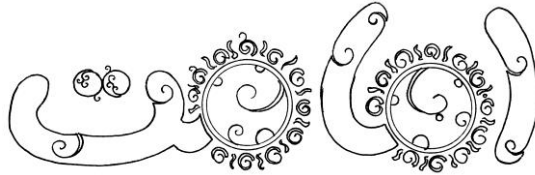
حالا بگویید جانشین زکریا (علیه السلام) چه کسی است؟ بله، حضرت یحیی (علیه السلام).

دین اسلام به مسأله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) اهمیت داده است. آیا می دانید نام آن چیست؟ من با دو تا خورشید این کلمه را می نویسم.



حدس زدید؟ نه

این کلمه یکی از اصول دین است. حالا من کلمه را کامل می کنم.



۱. مرتبی یکی از بچه ها را انتخاب کند تا به وسیله خط کشیدن، دو اسم مورد نظر را مشخص نماید، اگر کسی نتوانست خود مرتبی انجام دهد.

چه شد؟ **امامت**. امامت همان رهبری و جانشینی است که پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدایت مردم را بر عهده می‌گیرد. حالا نوبت شعر است.

آی بچه‌ها خبردار	شیطونه گشته بیمار
چون می‌دونه امامت	قویست و پرصلابت
داریم دوازده امام	مهربونند و خوش‌نام
امام یعنی یه رهبر	مثل خود پیمبر
هم بی‌گناه و عالم	اطاعتش هست لازم

چه کسی می‌تواند نام امام‌ها را بگوید؟  
با تشکر از شما که نام امامان را بیان کردید. اما امام باید دارای ویژگی‌هایی هم باشد. یکی از آن ویژگی‌ها این کلمه است:

### ع ت م ص

چه کسی می‌تواند این کلمه را بخواند؟ بله، آفرین: «عصمت». عصمت یعنی چه؟ یعنی کسی که هیچ وقت گناه و حتی اشتباه هم نکند. مثالی برای شما می‌زنم تا معنای این کلمه معلوم بشود. آیا تا کنون خودتان را توی آتش انداخته‌اید؟ نه، کسی این کار را نمی‌کند. مگر این که فرد دیوانه باشد. چرا؟ چون می‌دانیم اگر داخل آتش بیفتیم، می‌سوزیم و از بین می‌رویم. همین دانایی و علم ما سبب می‌شود که چنین کار خطرناکی را نکنیم. امامان معصوم نیز به همه امور آگاهی کامل دارند و از ضرر گناه و نافرمانی خدا هم آگاهی دارند. لذا هیچ گاه نزدیک گناه هم نمی‌شوند.

ویژگی دیگر امام چیست؟ من با عدد ۱۲ که تعداد امامان هست این ویژگی را می‌نویسم.



۱۲

آیا حدس زدید چه کلمه‌ای است؟ من خودم کامل می‌کنم<sup>۱</sup>

عالم

چی شد؟

آیا یک معلم می‌تواند از دانش‌آموزان کلاس بی‌سوادتر باشد؟ نه.  
آیا رهبر یک کشور می‌تواند در مسایل آن کشور بی‌اطلاع باشد؟ نه. بنابراین رهبری هم که از طرف خدا برای هدایت انسان‌ها انتخاب می‌شود باید نسبت به احکام و قوانین دینی سرآمد مردم باشد تا بتواند آن‌ها را به راه صحیح راهنمایی نماید و به پرسش‌های آن‌ها جواب دهد. تمامی امامان معصوم از این ویژگی برخوردار بودند. آیا می‌دانید که در لقب کدام یک از امامان معصوم، کلمه علم آمده است.

۲. عالم آل محمد

۱. باقر العلوم

کدام امام به باقر العلوم معروف است؟ امام پنجم. باقر به معنای شکافنده دانش‌ها است. چون ایشان در زمان خود فرصت مناسبی پیدا کرد و شاگردان فراوانی را در دانش‌های گوناگون تربیت و تحویل جامعه داد.

۱. مرتبی عدد ۱۲ را بنویسد و خط زیر آن بکشد و با طرح میم، کلمه علم را درست نماید.

آیا می‌دانید که به کدام امام، عالم آل محمد می‌گویند؟ یک ماجرا نقل کنم تا به جواب برسید.

اسحاق، پسر امام کاظم (علیه السلام) می‌گوید: «پدرم به فرزندانش فرمود که برادر شما عالم آل محمد است. مسایل دینی خود را از او بپرسید.<sup>۱</sup> جواب مشخص شد. بله، امام رضا (علیه السلام) به عالم آل محمد معروف است. چرا؟ چون در زمان ایشان از طرف دشمنان به جهت امتحان حضرت، پرسش‌های زیادی مطرح می‌شد. امام (علیه السلام) به آسانی به آن‌ها جواب می‌داد. حضرت با علم و دانش فراوانی که داشت، مسایل و مشکلات مردم را حل می‌کرد.

لابد تا به حال از پدر و مادر یا معلم خود پرسیده‌اید که چه نیازی به امام معصوم داریم؟ برای این که به این سؤال پاسخ بدهم، چند دقیقه به من فرصت بدهید تا از کلاس بیرون بروم و سپس برمی‌گردم.<sup>۲</sup>

بچه‌ها! دیدید اگر برای مدتی معلم از کلاس بیرون برود و جانشینی هم برای خودش تعیین نکند، نظم کلاس به هم می‌خورد! حالا اگر در مدرسه، مدیر و در شهر، شهردار و در کشور، رهبر نباشد؛ چه اتفاقی خواهند افتاد؟ بله، هرج و مرج همه جا را فرا می‌گیرد. آیا می‌شود خداوند پیامبر را برای هدایت ما بفرستد. اما کسی را برای جانشینی آن انتخاب نکند؟ نه. برای این که این مطلب برای شما بهتر مشخص شود. مسابقه‌ای را انجام می‌دهیم. چه کسانی حاضرند در مسابقه شرکت نمایند؟<sup>۳</sup> من دو گروه به نمایندگی از شما بچه‌ها انتخاب می‌نمایم. گروه اول سمت راست من و گروه دوم سمت چپ من قرار بگیرد. بچه‌ها شما هم گروه خودتان را تشویق کنید.

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۹، ۱۰۰.

۲. با رفتن معلم و انتخاب نشدن مبصر، نظم کلاس به هم می‌خورد. اگر گمان می‌رود بچه‌ها آرام باشند مرتبی از قبل کسی را برای بر هم زدن نظم انتخاب کند.

۳. مرتبی چهار نفر را به دو گروه دو نفری برای مسابقه آماده کند. شرایط انتخاب افراد به دست مرتبی است.

مسابقه سه مرحله دارد:

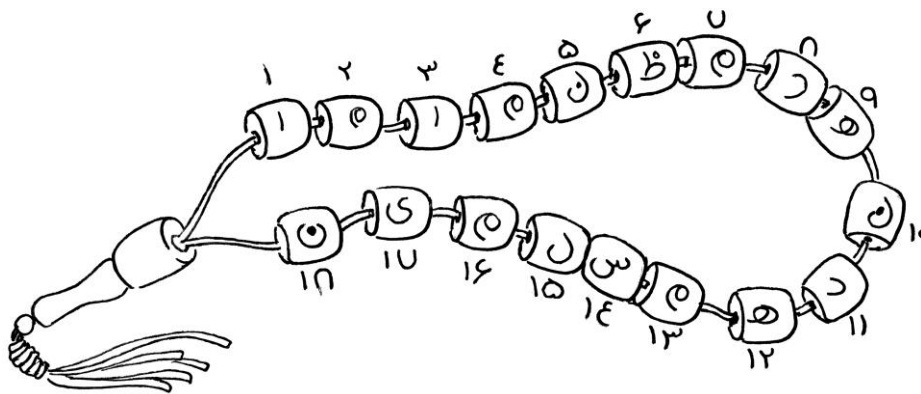
### مرحله اول:

در این بخش من تعدادی مهره را روی زمین می‌ریزم. هر گروه که بیش‌تر مهره آورد، امتیاز بیش‌تری خواهد گرفت. آفرین، گروه اول مهره‌ها را بشمارید. حالا گروه دوم، آفرین بر هر دو گروه<sup>۱</sup>.

اما بچه‌ها، یک سؤال از شما می‌پرسم. این تسبیح سالم، اگر به زمین بیفتد، چه اتفاقی می‌افتد؟! آیا نظم مهره‌های آن بر هم می‌خورد؟ نه! چون نخ، مهره‌ها را از پراکندگی و گم شدن نگه می‌دارد. حالا وقتی نخ آن پاره شود و مهره‌ها جدا شوند هر کدام به سمتی پرتاب می‌شوند. شاید بعضی از مهره‌ها هم گم شوند. مردم در جامعه مانند دانه‌های یک تسبیح هستند. برای این‌که آن‌ها با نظم و ترتیب کنار هم قرار بگیرند چه چیزی نیاز هست؟

### مرحله دوم:

اول من یک تسبیح می‌کشم.



۱. مرتبی امتیاز گروه برتر را بدهد، مثلاً ۱۰ امتیاز برای گروهی که بیش‌تر مهره‌های تسبیح را جمع کند، اختصاص بدهد.

در این مرحله از هر گروه ۹ سؤال می‌پرسم.<sup>۱</sup>

### سؤال‌های گروه اول:

- عقل ۱. چه کسی دارای عقل است؟  
رمضان ۲. نام کدام ماه قمری در قرآن آمده است؟  
ناخدا ۳. به کشتی‌بان چه می‌گویند؟  
جماعت ۴. نمازی که به صورت گروهی می‌خوانیم، چه نام دارد؟  
گناه ۵. به نافرمانی از دستورهای خدا چه می‌گویند؟  
نظم ۶. چه واژه‌ای با ترتیب همیشه همراه است؟  
۷. کدام لقب امام علی (علیه السلام) به معنای پیشوای مؤمنان می‌باشد؟

### امیرالمؤمنین

- غدیر ۸. در کدام مکان پیامبر، امام علی را به جانشینی منصوب کرد؟  
آهن ۹. معنای این فلز در آتش افتاد آب خورد و گشت فولاد

### سؤال‌های گروه دوم:

- دنده ۱. آن چیست که هم عضوی از بدن و هم جزئی از اتومبیل است؟  
بدن ۲. کامل کنید: عقل سالم در ..... سالم است.  
بهار ۳. ضرب‌المثل را کامل کنید: با یک گل ..... نمی‌شود.  
۴. لقب معروف پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) چیست؟

### امین

- اسیر ۵. به کسی که در اسارت است چه می‌گویند؟  
صلوات ۶. با شنیدن نام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) چه می‌گوییم؟  
نماز ۷. کدام عبادت پایه و اساس دین محسوب می‌گردد؟

۱. شیوه مسابقه این گونه است که مرتبی، دومین حرف جواب را روی کارت کوچکی می‌نویسد. بعد پشت آن شماره سؤال نوشته شود. هر گروه که جواب صحیح داد یک کارت به او داده می‌شود. در آخر هر گروه که کارت بیش‌تری داشت امتیاز بیش‌تری خواهد گرفت. هر سؤال پنج امتیاز دارد که مجموع ۹ سؤال ۴۵ امتیاز می‌شود به اضافه ۱۰ امتیاز مرحله اول و ۱۵ امتیاز مرحله سوم در مجموع ۶۰ امتیاز حساب می‌شود.

۴۶ ..... ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

۸. در کدام روز به حساب همه انسان‌ها رسیدگی می‌شود؟ **قیامت**

۹. کدام سوره به نام پیامبران می‌باشد؟ **انبیاء**

سؤال‌ها تمام شد و امتیاز هر گروه مشخص شد.

### مرحله سوم:

من حرف دوّم پاسخ را به ترتیب روی تابلو می‌نویسم. شما حدس بزنید که پیام آن چیست؟ پیام سخنی از امام رضا (علیه السلام) است.

احسنت، پیام این است: **امام نظم دهنده مسلمین**<sup>۱</sup> «است» که ترجمه این جمله می‌باشد «إِنَّ الْأِمَامَ ... نِظَامَ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۲</sup>

در پایان درس برای ظهور امام زمان (عج) دعا کنیم. اللهم کن لولیک...

---

۱. حدیث طولانی است و ما بخشی از آن را برای پیام انتخاب نمودیم. مرتبی از بچه‌ها بخواهد چندبار پیام را بخوانند. در صورت تمایل آن را حفظ نمایند.

۲. شیخ ابومحمد حرّانی، تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، آل علی، قم، ۸۵، ج ۶، ص ۷۹۶.

پرسش‌ها:

۱. عالم آل محمد، لقب کدام یک از امام معصوم است؟

الف. امام موسی بن جعفر (علیه السلام)

ب. امام رضا (علیه السلام)

ج. امام جواد (علیه السلام)

۲. امام و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید دارای کدام ویژگی باشد؟

الف. علم

ب. عصمت

ج. هر دو مورد

۳. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) چند سال مردم را هدایت کرد؟

الف. ۲۳ سال

ب. ۱۳ سال

ج. ۱۰ سال





### تا ستاره، تا خدا



به نام خدای گل و لاله‌ها      به نام خدای شما بچه‌ها  
تو را دوست دارم با جان و دلم      به اندازه آسمان، ای خدا

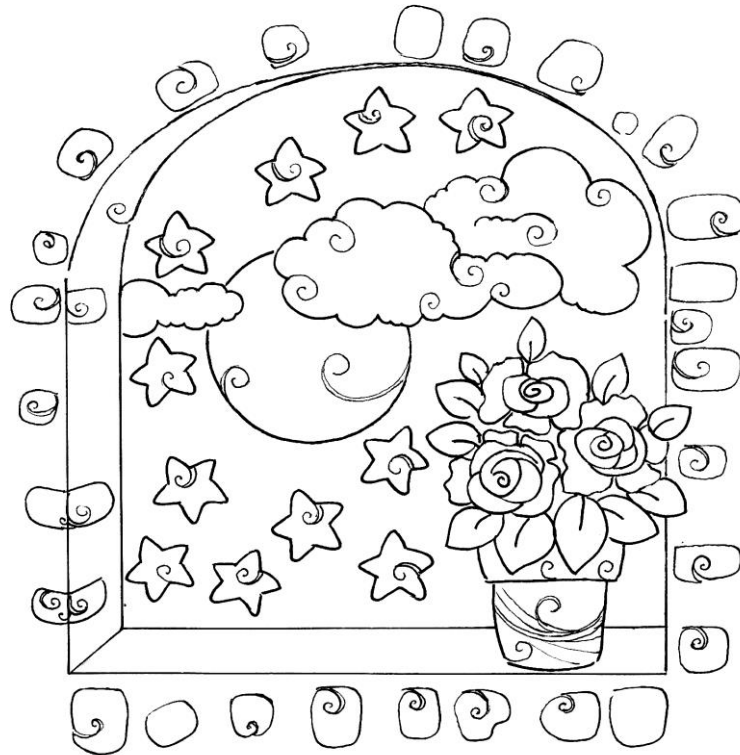
سلام، سلامی مثل گل، به شما بچه‌ها که از گل بهتر و شاداب‌تر هستید.  
شاداب و آماده برای اجرای برنامه هستید؟

برنامه ما نقاشی است. کاغذ و دفترهایتان را آماده کنید و چیزهایی را که  
می‌گوییم بکشید.



۵۰ .....ره‌توشهٔ راهیان نور مقطع ابتدایی

اوّل آسمان شب را نقاشی کنید. سپس در آن یک ماه بکشید. بعد از آن یازده ستاره کنار ماه همراه با یک ابر بگذارید. پایین صفحه هم یک گلدان بزرگ با چند گل زیبا بکشید و آن را با سبزه تزیین کنید.



همه نقاشی را کشیدید؟ حالا شما باید موضوع برنامه را از این نقاشی بفهمید. برای راهنمایی بیش‌تر روی یازده ستاره فکر کنید. البته ستاره‌هایی که ۱۲ تا هستند، اما یکی از آن‌ها دیده نمی‌شود و پشت آن ابر پنهان شده است.

بله، موضوع ما درباره امام زمان (عج) است که ستاره دوازدهم آسمان امامت می‌باشد. آیا دوست دارید یک شعر درباره ظهور امام زمان برای شما بخوانم.

### تا ستاره، تا خدا

می رسد با صد امید  
غنچه ها وا می شود  
چشم هر پروانه ای  
رنگ دریا می شود  
در خیابان های شهر  
می وزد بوی بهار  
آفتابی می رسد  
با عصای آبشار  
یک مسافر می رسد  
عطر نرگس در تنش  
شعر باران بر لبش  
آسمان، پیراهنش  
ما همه از شوق او  
بال در می آوریم  
تا ستاره تا خدا  
می پریم و می پریم<sup>۱</sup>

خوب، بچه های عزیز! به این اعدادی که می نویسم دقت کنید و بگویید چه ارتباطی با امام زمان (عج الله تعالی فرجه) دارد؟ ۲۵۵

بلی، سال تولد حضرت (عج الله تعالی فرجه) است.

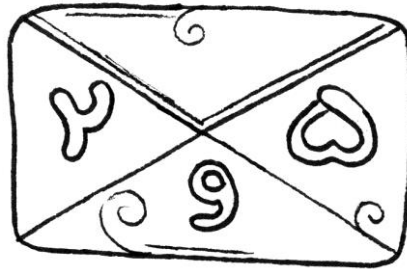
اما عدد دیگر ۵ است. چه کسی می تواند بگوید چه ارتباطی دارد؟

بلی، متشکرم. ایشان (عج الله تعالی فرجه) در پنج سالگی به امامت رسید.

آخرین، اعداد عبارت است از ۲ و ۵ که هم به ما مربوط است و هم به امام زمان (عج الله تعالی فرجه). چه کسی می داند ارتباطش چیست؟

۱. حمید هنرجو، دل پروانه تنگ است، تهران، انتشارات مهام، ۱۳۸۰.

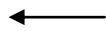
من به شما کمک می‌کنم. آن را داخل این کادر می‌نویسم.



چه کسی می‌داند چه ارتباطی وجود دارد؟

بلی، نامه عمل هرکدام از ما در هر هفته روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه، به نزد حضرت (عج الله تعالی فرجه) می‌رسد. در صورتی که کارهای خوبی انجام بدهیم، ایشان خوشحال می‌شود و اگر اشتباهی مرتکب شویم، همانند پدری مهربان ناراحت می‌شوند ولی از خداوند می‌خواهند که ما را ببخشد. حالا می‌خواهم دو کاری که موجب خوشحالی حضرت (عج الله تعالی فرجه) می‌شود را برایتان تعریف کنم.

کار اول را از قول امام محمدباقر (علیه السلام) به یکی از یارانش به نام جابر می‌گویم که به او یاد داد که در زمان غیبت امام عصر (عج الله تعالی فرجه) باید مردم این‌گونه باشند. برای پی بردن به کلام امام باقر (علیه السلام) من سؤال‌هایی از شما می‌پرسم و پاسخ شما را درون گلدان که به صورت جدول است، می‌نویسم. سپس با رمزی که می‌گویم، پیام را به دست می‌آوریم. آماده هستید. پس با ذکر یک صلوات به سراغ جدول می‌رویم.



- ۱ - کدام سوره به نام پیامبران است؟ انبیا (۶، ۸، ۱، ۲ و ۱۰)
- ۲ - کدام سوره به نام میوه خوردنی و لذیذ می‌باشد؟ تین (۱۳، ۲۲ و ۲۳)
- ۳ - گل سرخ دو حرفی چه نام دارد؟ رز (۳ و ۵)

تا ستاره تا خدا ..... ۵۳

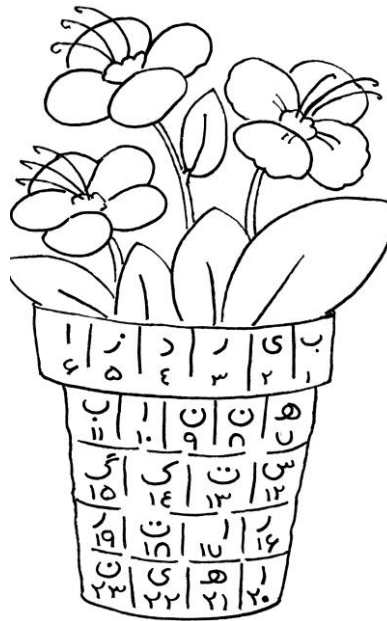
۴ - در مدرسه چه می خوانند؟ درس (۴، ۱۶ و ۱۲)

۵ - نافرمانی از دستوره‌های خدا چه نام دارد؟ گناه (۷، ۱۷ و ۹)

۶ - ماه رمضان، ماه رحمت و ..... خدا است. برکت (۱۱، ۱۹، ۱۴ و ۱۸)

۷ - می کشم از سینه درد ..... گاه گرم، گاه سرد آن چیست؟ آه (۲۰ و ۲۱)

حالا نوبت رمز جدول است که بتوانید پیام آن را هم به دست آورید، پس خیلی سریع شروع کنید. حرف اول جدول را بنویسید و خانه‌ها را شش تا شش تا بشمارید تا به پیام جدول برسید.



احسنت، پیام جدول عبارت است از: «بهترین کار، نگهداری زبان است.»<sup>۱</sup>  
بگویید از چه چیزی باید زبان را نگه بداریم؟

۱. عن الباقر(عليه السلام): ياتي على الناس زمان يغيب عنهم امامهم... الى ان قال جابر فقلت له يابن رسول الله فما افضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان، قال(عليه السلام): حفظ اللسان و... (علامه مجلسي، بحار الانوار، تهران، مکتبه الاسلاميه، ۱۳۸۴ هـ. ق، ج ۵۲، ص ۱۴۵).

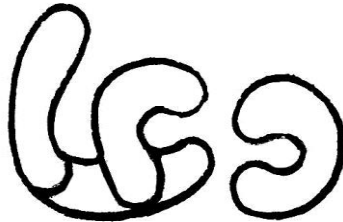
احسنت، نگهداری از حرف زشت؛ از حرفی که دوست ما را اذیت می کند و حرفی که پدر و مادرمان را ناراحت می کند. همچنین نگه داشتن آن از دروغ گویی، این کارها را اگر انجام دهیم، بهترین کارها است و موجب خوشحالی حضرت (عج الله تعالی فرجه) می شود.

بچه ها! می خواهیم این گل ها را همراه با یک شعر زیبا تقدیم به حضرت کنیم. شما آماده هستید را همراهی کنید. پس در پایان هر مصرع بلند بگویید «یا مهدی»

تو یک گل معطری	یا مهدی، یا مهدی
از همه گل ها بهتری	یا مهدی، یا مهدی
تو گل خوب نرگسی	یا مهدی، یا مهدی
خوشبوتری، از اطلسی	یا مهدی، یا مهدی
امام باغ و شبنمی	یا مهدی، یا مهدی
برای من تو همدمی	یا مهدی، یا مهدی
تویی تو یار و یاورم	یا مهدی، یا مهدی
دستی بکش روی سرم	یا مهدی، یا مهدی
یا مهدی، یا مهدی	یا مهدی، یا مهدی

با تشکر از همه شماها! نوبت به کار دوم رسید که حضرت آن را بسیار دوست دارند و به ما هم سفارش کرده اند که آن را زیاد انجام دهیم.<sup>۱</sup> شما باید از این خطوط که می نویسم آن را حدس بزنید. زیاد ۱ = ۱ بخوانید برای ظهور؟

چه چیزی بخوانیم؟ بلی دعا، بخوانید. چه دعایی بعد از نماز می خوانید؟ دعای اللهم کن لولیک...



۱. قال المهدی (عج): و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلك فرجکم. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ح ۷)

اما غیر از این دعا، دعا‌های دیگری هم هست که با انجام مسابقه دو مرحله‌ای می‌خواهم آن را معرفی کنم. بنابراین نیاز به دو نفر داریم.

اسم چند دعا را در کارت‌ها نوشته‌ام و به هر کدام از شرکت‌کنندگان چهار کارت می‌دهم. شما باید نام دعای مربوط به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) را از بین آن‌ها پیدا کنید. هرکس زودتر پیدا کرد، امتیاز این مرحله را به دست می‌آورد.

کارت‌های نفر اوّل

توسل	کمیل	جوشن کبیر	ندبه
------	------	-----------	------

کارت‌های نفر دوّم

عاشورا	کمیل	عهد	توسل
--------	------	-----	------

با تشکر از افراد شرکت‌کننده! نام این دو دعا عبارت است از: دعای ندبه و دعای عهد. در مرحله دوّم مسابقه، یک ویژگی از ویژگی‌های این دو دعا را به صورت حروف در هم ریخته بر روی کارت نوشته‌ام که این دو دوست عزیز باید حدس بزنند که چه کلمه‌ای است؟

کارت نفر اوّل

ج ع م ه ر و ز
---------------

روز جمعه

کارت نفر دوّم

ه چ ل ب ا ر
-------------

چهل بار

هرکس زودتر حروف پراکنده را مرتب کند، امتیاز این مرحله را به دست خواهد آورد. احسنت به شما دو نفر! بلی همان‌طور که این دو نفر حدس زدند، ویژگی



دعای ندبه این است که در روز جمعه خوانده می‌شود. ویژگی دعای عهد این است که هرکس ۴۰ بار آن را بخواند از یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) شمرده خواهد شد.

بچه‌های خوب! همان‌طور که ما با خواندن این دعاها و انجام کارهای خوب نشان می‌دهیم که به یاد امام زمان (علیه السلام) هستیم. باید بدانید که امام

زمان (عجل الله تعالی فرجه) هم، همیشه به یاد ما هستند و به ما یاری می‌رسانند چه موقعی و در کجا؟

احسنت، همیشه و در همه حال، به ویژه وقتی که کسی از او کمک بخواهد. می‌خواهید داستان سعید را برایتان تعریف کنم، پس خوب گوش کنید: چند روزی بود که سعید در مدرسه با دوستانش زیاد صحبت نمی‌کرد و یا در بازی و فعالیت‌های مدرسه شرکت نمی‌کرد و از دوستانش گوشه‌گیری می‌کرد. بعضی وقت‌ها سر کلاس هم توجهی به درس نداشت و به گوشه‌ای خیره می‌شد. آقای روحی متوجه رفتار او شده بود. زنگ تفریح از او سؤال کرد: «چرا این قدر ساکت شده‌ای و توجهی به درس نداری؟»

سعید به آقای روحی گفت: «مدتی است که مادرم بیمار شده و در بیمارستان بستری است و هنوز پزشک‌ها نتوانسته‌اند علت بیماری او را تشخیص دهند. دیشب هم از صحبت‌های مادر بزرگم با پدرم متوجه شدم که وضع مادرم بدتر شده است و پزشک‌ها نمی‌توانند کاری برای او انجام دهند.»

آقای روحی به سعید گفت: «ناامید نباش. بهتر است برای مادرت دعا کنی و از خدا بخواهی که او را شفا دهد.»

زنگ چهارم آقای روحی به دانش‌آموزان گفت: «بچه‌ها! امروز در نماز، دعای توسل داریم. از همه شما می‌خواهم که برای مادر سعید دعا کنید.»

زنگ نماز که رسید، آقای روحی با امام جماعت صحبت کرد و ماجرای مادر سعید را تعریف کرد. امام جماعت بعد از نماز چند دقیقه‌ای صحبت کرد و داستان فردی به نام محمد بن یوسف را چنین تعریف کرد.

بدنش دچار زخم شدیدی شده بود. او به پزشک‌های مختلفی مراجعه کرد و پول زیادی خرج کرد، اما نتیجه‌ای نگرفت.

خدمت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) نامه‌ای نوشت و از ایشان خواهش کرد که برای او دعا کند.

حضرت (عجل الله تعالی فرجه) در جواب نامه او چنین نوشت: «خداوند تو را شفا دهد و در دنیا و آخرت با ما محشور کند.» هفته‌ای نگذشت که او بهبود یافت و آثار زخم به کلی ناپدید گردید.<sup>۱</sup>

پس از صحبت‌های حاج آقا، بچه‌ها دعای توسل خواندند.  
سعید هنگام خواندن دعا، در دلش احساس آرامش کرد و به بهبودی مادرش امیدوار شد. چند روز بعد، از پدرش شنید که دکترها توانستند بیماری مادرش را تشخیص دهند و حال او سریع خوب شد.  
خوب بچه‌ها! فکر می‌کنم شما هم از بهبودی مادر سعید خوشحال شدید. در پایان می‌خواهم قسمتی از ترجمه دعای عهد را برایتان بخوانم. شما هم بلند با من تکرار کنید.



خدایا، من هر روز با او پیمان می‌بندم و از تو می‌خواهم مرا از یاران او قرار دهی ای مهربان‌ترین مهربانان!

ای گل‌های مهربون      مهدی نگهدارتون  
منتظرش بمونین      هر کجا و هر زمون

۱. محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۹.



**پرسش‌ها:**

۱ - نامه اعمال چه روزهایی در هفته به خدمت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) می‌رسد؟

الف) جمعه و شنبه

ب) یکشنبه و سه‌شنبه

ج) دوشنبه و پنج‌شنبه

۲ - امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) به کدام کار بسیار سفارش کرده‌اند؟

الف) دعا برای ظهور

ب) احترام به پدر و مادر

ج) دیدار دوستان و آشنایان

۳ - کدام دعا در روز جمعه خوانده می‌شود؟

الف) دعای کمیل

ب) دعای ندبه

ج) دعای توسل

۴ - در پایان درس کدام دعا خوانده شد؟

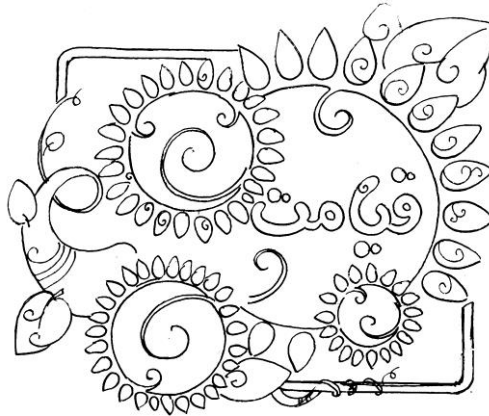
الف) دعای اللهم کن لولیک

ب) دعای عهد

ج) زیارت عاشورا

اللهم ارحم الراحمين

### پلیس قیامت



به نام خدایی که شما بچه‌های عزیز را آفرید و سلام بر شما و جمع دوستان خوب شما! امیدوارم همیشه دوست و یار هم باشید و با هم صمیمی بمانید. به‌به چه جمع خوبی! دوست دارید یک نفر به شما اضافه شود؟ اگر موافق باشید او را دعوت می‌کنیم.<sup>۱</sup> اما قبل از این که وارد جمع ما شود، من علامت‌ها و نشانه‌های چیزی را با خواندن یک شعر به شما می‌گویم تا ببینیم شما می‌توانید حدس بزنید یا نه؟

---

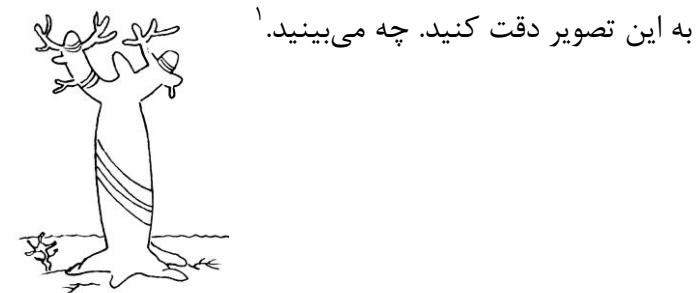
۱. مرتبی از قبل با کسی هماهنگ کند تا به عنوان پلیس قیامت مهمان کلاس شود و به او ۱۲ کارت به عنوان گواهینامه، بیمه‌نامه و کارت ماشین بدهد تا در هنگام اجرای مسابقه کارت‌ها را به افراد مسابقه بدهد.

این شعر دو قسمت دارد که قسمت دوم را شما باید تکرار کنید.  
ساعته تیک تیک نداره      تیک تیک تیک  
گنجشکه جیک جیک نداره      جیک جیک جیک  
چشمه دیگه نمی خونه      قل قل قل  
کوهها همه ریز شده      ریز ریز ریز

خوب. به نظر شما بچه‌ها، این نشانه‌هایی که بیان شد مربوط به چیست؟ من اسم آن را روی تخته می‌نویسم. بله، «قیامت» است.

قیامت

قیامت چه روزی است؟ روزی است که همه موجودات می‌میرند؛ در آن روز همه موجودات؛ مثل گیاهان، حیوانات و... عمرشان تمام می‌شود.



اما همین درخت که در فصل زمستان مرده و دیگه برگ و میوه ندارد، یک روز در بهار زنده می‌گردد و دارای برگ می‌شود و در تابستان میوه می‌دهد، مثل این تصویر:

۱. درختی است که در زمستان خشکیده و مرده است.

ما انسان‌ها هم روزی خواهیم مرد، اما دوباره زنده می‌شویم تا به خانه همیشگی خودمان برویم، یعنی آدم‌های خوب به بهشت و آدم‌های بد به جهنم می‌روند.<sup>۱</sup> آن روز چه روزی است بچه‌ها؟ آفرین، قیامت. حالا دوست دارید بدانید مهمان ما کیست؟ امروز یک نفر از آن دنیا مهمان ما شده است. دعوت می‌کنیم که این مهمان عزیز وارد شود. البته قبل از ورود او شیپور نواخته می‌شود. نام او پلیس قیامت است. به این مهمان سلام کنید و به او خوش‌آمد بگویید.

از ایشان می‌خواهیم خودشان را معرفی کنند.<sup>۲</sup>

ایشان می‌گویند من پلیس قیامت. پلیس قیامت چه کسی است؟! بچه‌ها! مگر قیامت هم پلیس دارد؟

من دوباره از او می‌پرسم، پلیس قیامت یعنی چه؟ برای چه کاری به کلاس ما آمده است. هنوز که وقت آمدن روز قیامت نشده است!؟

من از او پرسیدم. او جواب داد که «در آن روز پلیس‌های زیادی هستند که از همه انسان‌ها سؤال می‌پرسند و مدارک آن‌ها را می‌خواهند، مثل پلیسی که جلوی راننده‌ای را می‌گیرد و مدارکش را از او می‌خواهد. چه مدارکی؟ گواهینامه، کارت ماشین و بیمه‌نامه. من یکی از آن‌ها هستم و می‌خواهم مدارک بچه‌ها را بگیرم.

بیمه‌نامه

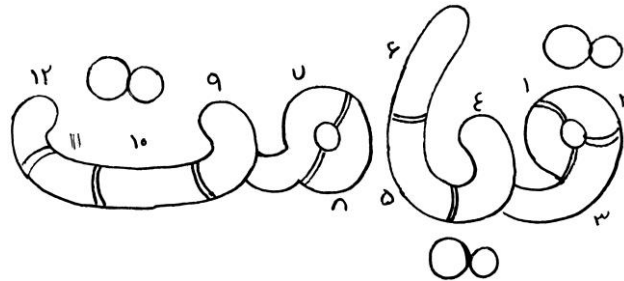
کارت ماشین

گواهینامه

بچه‌ها شما این مدارک را دارید؟ لابد می‌گویید ما که راننده نیستیم. درست است، اما من منظورم مدارکی است که باید آن‌ها را به پلیس قیامت نشان دهیم. آیا می‌دانید آن مدارک چیست؟ الان نام آن‌ها را با یک جدول به شما خواهم گفت.

۱. مناسب است مرتبی فضایی ایجاد کند که اگر بچه‌ها در این باره سؤال دارند، بپرسند و تصورات نادرست آنها اصلاح شود.

۲. بهتر است مرتبی با پلیس قیامت به طور رمزی صحبت کند تا حالت معماگونه قیامت حفظ شده و تأثیر برنامه بیشتر شود.



من ۴ سؤال از شما می‌پرسم تا با جواب‌های آن، جدول را کامل کنیم. آن گاه نام آن مدارک را می‌فهمیم.

۱- کدام سوره به نام پیامبران است؟ انبیا (۶، ۱، ۸، ۳ و ۷)

۲- نام فرمانده سپاه یزید که توبه کرد چه بود؟ حر (۵ و ۹)

۳- چه کاری عوض وضو در هنگام ناچاری باید انجام داد؟ تیمم (۱۱، ۱۲، ۴ و ۲)

۴- حرف ۱۳ در الفبای فارسی کدام است؟ ز (۱۰)

حالا که جدول کامل شد، حروف را ۳ تا ۳ تا بشمارید تا مدارک را به دست آورید. اول یک کلمه ۴ حرفی که گواهی‌نامه ما است. پس شروع کنید. آفرین! «نماز» من آن را در کاغذ مربوط به گواهی‌نامه روی تخته می‌نویسم. گواهی‌نامه ما نماز است.

نماز



ما اگر نماز نخوانیم و عبادت خدا را انجام ندهیم، گواهی‌نامه نداریم که به پلیس قیامت نشان دهیم. اولین چیزی که پلیس‌های قیامت از ما می‌خواهند نماز است.<sup>۱</sup> درست است آقای پلیس؟

می‌رویم سراغ مسابقه. مسابقه‌ای که آقای پلیس در آن مدارک شرکت‌کنندگان را از آنان می‌گیرد. آماده هستید. ۴ نفر را انتخاب می‌کنم تا به ۴ سؤال جواب دهند.

۱. محمد بن یعقوب الكلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۶۸.

۱. کدام پیامبر بود که خداوند زنده شدن مردگان را به او نشان داد؟  
**حضرت ابراهیم (علیه السلام).**
  ۲. چه کسانی که پس از ۳۰۰ سال از خواب بیدار شدند، در حالی که همه فکر می‌کردند آن‌ها مرده‌اند؟  
**اصحاب کهف**
  ۳. مکانی که بین این دنیا و قیامت است، چه نام دارد؟  
**برزخ**
  ۴. نام فرشته‌ای که مأمور گرفتن روح آدم‌هاست؟ **ملک الموت (عزرائیل)**
- بچه‌هایی که پاسخ دادند جلو بیایند و به ۲ گروه ۲ نفری برای مسابقه تقسیم شوند. مسابقه ما ۳ مرحله دارد و هر مرحله دارای ۲۰ امتیاز است.

#### مرحله اول:

آقای پلیس قیامت! حالا نوبت شما است که مرحله اول مسابقه را شروع کنید به این صورت که از بچه‌های شرکت کننده سؤال کنید و گواهینامه آنان را بخواهید.

بله، ایشان پرسش‌های خودش را در یک کارت نوشته است.<sup>۱</sup> ۳ سؤال در کارت «الف» برای گروه اول و ۳ سؤال در کارت «ب» برای گروه دوم. من این کارت را به آن‌ها می‌دهم. هر گروه یک دقیقه برای نوشتن جواب‌ها فرصت دارد.

کارت ب	کارت الف
۱. در نمازهای روزانه چند بار سوره حمد را می‌خوانیم؟ ۱۰ بار	۱. چه سوره‌هایی از قرآن بیشتر در نماز خوانده می‌شود؟ حمد - توحید
۲. در کدام نماز است که سوره حمد و توحید را نمی‌خوانیم؟ نماز جماعت	۲. بعد از خواندن حمد و سوره چه کار انجام می‌دهیم؟ رکوع
۳. بعد از انجام رکوع چه می‌کنیم؟ سجده	۳. نماز با چه چیزی شروع و با چه چیزی تمام می‌شود؟ تکبیر الاحرام - سلام

۱. مرتبی سوال‌ها را از قبل به پلیس قیامت می‌دهد.

۶۴.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

از گروه‌ها می‌خواهم که پرسش‌های خود را بلند بخوانند تا بچه‌ها هم بشنوند. حالا کارتتان را به آقای پلیس قیامت تحویل دهید تا ببینیم درست است، یا نه. کسی که درست نوشته باشد به او گواهی‌نامه داده می‌شود.<sup>۱</sup> با تشکر از اعضای گروه‌ها، یک سؤال هم از بچه‌ها می‌پرسم: در کجای نماز دعا می‌کنیم که «خدایا ما را از جهنم حفظ کن؟» بله در قنوت. پس همه با هم می‌خوانیم و بعد به مرحله دوم می‌رویم.  
(رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)  
مرحله دوم: در این مرحله می‌خواهیم بدانیم کارت ماشین که آن را باید به پلیس قیامت تحویل دهیم، چیست؟  
برای فهمیدن آن، حرف دوم جدول را بنویسید و ۳ تا ۳ تا بشمارید تا یک کلمه چهار حرفی دیگر به دست بیاید.  
بله! «محبّت» یعنی دوستی، دوستی با چه کسانی؟ دوستی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندان او (علیه السلام).

محبّت

امام محمدباقر (علیه السلام) درباره آیه «... قل لا اسئلكم اجراً الا المودة فی القربى»<sup>۲</sup>. فرمود: به خدا قسم دوستی و پیروی از اهل بیت (علیه السلام) بر همه بندگان از طرف خداوند واجب گشته است.<sup>۳</sup>

حالا نوبت آقای «پلیس قیامت» است که از اعضای گروه‌ها کارت ماشین بخواهد. برای این کار از آن‌ها می‌خواهد که چگونه اهل بیت (علیه السلام) را

۱. اگر هر دو گروه همه سؤالات یا بعضی را جواب دادند به مرحله بعد می‌روند، اما اگر کسی هیچ کدام را جواب نداده باشد اجازه رفتن به مرحله بعد را ندارد با این توضیح که اگر نماز رد شود همه اعمال رد می‌شوند.

۲. شوری، ۲۳، ترجمه: ... بگو: بر این [ارساندن پیام] هیچ فردی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی درباره خانواده و خویشاوندان [نزدیکم].

۳. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۳، باب ۳، ص ۲۳۹، حدیث ۷

دوست داشته باشند و به آنان احترام بگذارند.<sup>۱</sup> هر مورد ۱۰ امتیاز دارد. هر کسی که خوب جواب دهد، آقای پلیس به او کارت ماشین می‌دهد.

**مرحله سوم:** در این مرحله می‌خواهیم بدانیم بیمه‌نامه ما چیست؟ آن را با همان روش قبل از طریق جدول پیدا کنید. از خانه سوم جدول ۳ تا ۳ تا بشمارید تا یک کلمه چهار حرفی به دست بیاید. آن کلمه «یاری» است.

یاری

بیمه‌نامه ما، «یاری کردن» است.

هر کمکی که به دیگران به ویژه فقرا می‌کنیم، ما را در برابر آتش جهنم بیمه می‌کند. وقتی قیامت فرا رسد، به شما می‌گویند چیزی را بیاور تا به جهنم نروی. شما هم می‌گویید: «خدایا! مرا آفریدی و به راه خوب هدایت کردی و امکانات زیادی دادی. من نیز از آن‌ها خوب استفاده کردم و با آدم‌ها خوب برخورد کردم. به آنان بخشیدم و آن‌ها را یاری کردم». خدا هم به فرشته‌های خود می‌گوید: «او را وارد بهشت کنید».<sup>۲</sup>



حالا آقای پلیس قیامت باید از بچه‌های شرکت کننده پرسد که بیمه‌نامه دارند، یا نه. خودشان را بیمه کرده‌اند، یا نه. او از شما گروه‌ها هم می‌خواهد یک نمونه مثال بزنید که به دیگری کمک کرده‌اید. هر نمونه ۱۰

امتیاز دارد

۱. مرتبی در صورت کسب امتیاز گروه‌ها، به آنان کاردتی می‌دهد تا آن را به عنوان کارت ماشین و بیمه‌نامه به آقای پلیس قیامت تحویل دهند.

۲. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): یوتی یوم القیامه برجل فیقال له: احتجّ فیقول: یاربّ خلقتنی و هدیتنی فأوسعت علیّ فلم أزل أوسع علی خلقک و أسیر علیهم لکی تنشر علی هذا الیوم رحمتک و تسیره؟ فیقول الربّ جلّ ثناؤه و تعالی ذکره، صدق عبدي أدخلوه الجنة.



هر کس خوب جواب داد، آقای پلیس به او بیمه‌نامه خواهد داد. با حساب کردن امتیازها، مسابقه را به پایان می‌بریم. کسانی که مدارک لازم را داشتند و امتیاز خوبی کسب کردند، آن‌ها را در دست راست بگیرند و وارد بهشت شوند.<sup>۱</sup> هر کسی این مدارک را نداشته باشد به او اجازه عبور و وارد شدن به بهشت را نمی‌دهند، اما کسانی که مدارک را کسب نکرده‌اند، به جهنم نمی‌روند، بلکه باید تلاش بیش‌تری کنند تا آن‌ها را به دست آورند و وارد بهشت شوند.

گروهی که برنده شده‌اید!

بهشت جایزه شما در آخرت و این جایزه هم جایزه شما در این دنیا.

بچه‌های عزیز! شما با نمونه‌ای از حساب پس دادن در قیامت آشنا شدید. با تشکر از آقای پلیس قیامت از او خداحافظی می‌کنیم. به امید آن که وقتی بیاید خوشحال باشیم و مدارک خود را به دست راست بگیریم.

با تشکر از شما عزیزان

بهشتیای نازنین  
خدا نگهدار شما  
بچه‌های خوب زمین  
دست علی یار شما  
انشاءالله که بهشت  
وعده دیدار شما

---

۱. چنان‌چه هر دو گروه امتیاز آوردند، هر دو گروه را اهل بهشت اعلام کند و توضیح دهد که در آن دنیا رقابت وجود ندارد، بلکه رقابت در این دنیا است که باید در کارهای نیک از هم سبقت بگیریم و امتیاز بیش‌تری را کسب نماییم.

پرسش‌ها:

۱. زنده شدن مردگان در درس به چه چیزی تشبیه شده است؟

- الف) زنده شدن پرندگان
- ب) جاری شدن آب در جوی خشک
- ج) درخت بهاری

۲. «بیمه‌نامه» انسان‌ها در روز قیامت - بنا بر درس - کدام است؟

- الف) یاری
- ب) احترام
- ج) نماز

۳. اولین چیزی که در روز قیامت از ما درباره آن سؤال می‌کنند چیست؟

- الف) احترام
- ب) نماز
- ج) درس خواندن

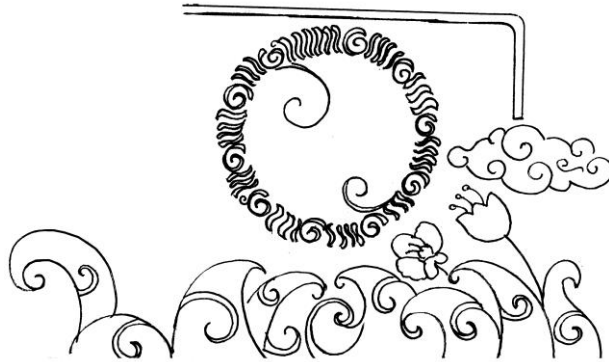


قرآن



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برترین نعمت



اول هر کار به نام خدا گوهر گفتار به نام خدا  
بچه های خوب سلام! حال شما خوب است؟ آماده و سر حال هستید؟  
خدا را شکر. برای شروع درس یک شعر می خوانیم.

هرچه که بیند دیده	خدایش آفرید
خورشید و ماه تابان	ستاره درخشان
درخت و سبزه و گل	سوسن و سرو و سنبل
جنگل و دشت و دریا	پرندگان زیبا
این همه را به قدرت	خدا نموده خلقت

بله، اینها همه نعمت های خدای بزرگ است. خداوند ما انسانها را خیلی دوست دارد. برای همین همه زمین و آسمان و هرچه را که در آن است، برای ما خلق کرده است تا این که ما انسانها از آنها به خوبی استفاده کنیم.

بچه‌ها! می‌توانید چند تا از نعمت‌های خدا را نام ببرید که هم حیوانات آن‌ها را دارند و هم انسان‌ها؟ آفرین، چشم - گوش - دهان - زبان - دندان درود بر شما بچه‌های خوب و باهوش!  
آن‌هایی که دوست دارند برایشان یک قصه قرآنی بگویم صلوات بفرستند. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد



در یکی از روزها که حضرت سلیمان (علیه السلام) در کاخ خود نشسته بود، پرنده‌اش هدهد، غایب بود. بعد از مدتی هدهد به نزد حضرت سلیمان (علیه السلام) آمد. حضرت سلیمان خیلی ناراحت و عصبانی به او گفت: «اگر دلیلی برای غیبت خودت نداشته باشی، تو را مجازات خواهم کرد.» هدهد از این‌که غیبت کرده بود از نبی خدا عذرخواهی کرد و گفت که غیبت من بی‌دلیل نبود، بلکه خبر مهمی برای شما آورده‌ام.

به شهر سبا رفته بودم. آن‌جا وضع عجیبی داشت. مردم شهر خدای یگانه را نمی‌پرستیدند. آنان به خورشید سجده می‌کردند و آن را به عنوان خدای خودشان می‌پرستیدند.

پادشاه آن‌ها هم یک زن است. او در آن سرزمین فرمانروایی می‌کند در حالی که بر تخت بزرگ و مجللی نشسته و مردم هم گوش به فرمان او هستند. همه مردم سبا در گمراهی کامل به سر می‌برند.

حضرت سلیمان (علیه السلام) تا این خبر را شنید، نامه‌ای را با نام خدا آغاز کرد: «بسم الله الرحمن الرحیم» آیا می‌دانید چرا سوره نمل دو بسم‌الله دارد؟ آفرین، چون در این سوره نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) به ملکه سبا آمده است که این نامه با نام خدا آغاز شده است. بنابراین یک بسم‌الله در اول سوره آمده و بسم‌الله دیگر هم در اول نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) آمده است. حضرت سلیمان نامه را به هدهد داد و به او گفت که این نامه را به ملکه سبا برسان و ببین چه جوابی به ما می‌دهند. هدهد نامه را گرفت و به سوی شهر سبا پرواز کرد تا این که به کاخ ملکه سبا، بلقیس رسید. نامه را پایین انداخت. بلقیس نامه را برداشت و با دقت تمام آن را خواند. پس دستور داد که همه بزرگان سبا جمع شوند. رو به آن‌ها کرد و گفت: «نامه مهمی از طرف حضرت سلیمان (علیه السلام) که با نام خدا شروع شده است به دست من رسیده است. او از من خواسته که به امر او تسلیم شویم و به فرمان او در آییم. شما چه صلاح می‌دانید.» اطرافیان بلقیس گفتند: «قدرت و نیروی ما زیاد است. ما می‌توانیم با سربازانی که داریم در مقابل سپاه حضرت سلیمان (علیه السلام) مقاومت کنیم، اما شما ملکه هستید و هرچه دستور دهید ما آن را می‌پذیریم. اگر دستور جنگ بدهی ما می‌جنگیم و اگر هم فرمان صلح بدهی ما گوش به فرمان شما هستیم.»

بلقیس که زن دانا و فهمیده‌ای بود و همیشه از روی فکر و عقل تصمیم می‌گرفت، گفت: جنگ موجب خرابی و ویرانی می‌شود. پادشاهان وقتی به جنگ می‌روند همه چیز به هم می‌ریزد و مردم دچار ضرر می‌شوند و خانه‌ها به آتش کشیده می‌شود. به نظر من با حضرت سلیمان (علیه السلام) که قدرت زیادی هم دارد صلح کنیم و برای او هدایایی بفرستیم تا به وسیله این کار از جنگ و خون‌ریزی جلوگیری کنیم. او عده‌ای را مأمور کرد که با هدایای فراوانی به طرف حضرت سلیمان (علیه السلام) روانه شوند اما حضرت سلیمان (علیه السلام)



۷۴.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

هدایای آنها را نپذیرفت و همه آنها را به سوی خدای یگانه دعوت کرد. خبر به ملکه سبا رسید. بلقیس به فکر فرو رفت و بعد از مدتی که قدرت و عظمت حضرت سلیمان (علیه السلام) را دید، دعوت او را پذیرفت و حاضر شد خدای یگانه را پرستش کند.

بلقیس چند کار بزرگ و مهم انجام داد. اول این که وقتی نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) را خواند عصبانی نشد، بلکه فکر کرد.

بعد چه کرد؟ آیا به تنهایی و بدون مشورت با دیگران درباره نامه کاری کرد؟ نه، همه بزرگان سرزمینش را دعوت کرد و با آنها مشورت کرد.

بچه‌ها! ملکه سبا بعد از مشورت تصمیم گرفت با حضرت سلیمان صلح کند. بعد از صلح چه کار کرد؟ بله، مهم‌ترین تصمیم زندگی‌اش را گرفت، یعنی به خدای یگانه ایمان آورد.

ولی بچه‌ها! همه این کارها را به چه وسیله‌ای انجام داد؟ بله، به وسیله یک وسیله پیچیده و عجیب در سر به نام مغز.

بچه‌های خوب! به شکل‌ها نگاه کنید و حروف داخل آن را مرتب کنید.

ل ع ق	ت ع ه م ن ا	ر ی ت ن ب ر
عقل	نعمت‌ها	برترین

درود بر شما بچه‌های باهوش! جواب حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) که فرموده است: «برترین نعمت‌ها عقل است»<sup>۱</sup>.

۱. قال علی (ع): افضل النعم العقل؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ محمد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۷ شمسی، ص ۵۱.

بچه‌ها! تصور کنید اگر ما عقل نداشتیم آیا می‌توانستیم برای آینده‌مان تصمیم بگیریم؟

آیا می‌توانستیم این همه پیشرفت کنیم؟



نعمت عقل را خداوند به انسان‌ها داده است تا بتوانند درباره نعمت‌هایی که خدا به آن‌ها داده است، فکر کنند و از او برای همه نعمت‌هایش تشکر کنند.

مغز حدود ۱۱ تا ۱۴ میلیارد سلول عصبی دارد. این سلول‌ها به وسیله رشته‌های عصبی به هم مربوط هستند و تنها ۲۰۰/۰۰۰ رشته عصبی این سلول‌ها را به مراکز دیگر بدن مربوط می‌سازند.<sup>۱</sup>

حالا به این شعر خوب گوش کنید.

خدا داده خدا داده	کی به ما دو دست و گوش و پا داده؟
خدا داده خدا داده	کی به ما شکم داده، غذا داده؟
خدا داده خدا داده	کی به ما دو چشم و دو ابرو داده؟
خدا داده خدا داده	کی به ما دهان و دندان داده؟
خدا داده خدا داده	کی به ما مامان داده، بابا داده؟
خدا داده خدا داده	کی به ما عقل داده، هوش داده

۱. مجله علمی پیام یونسکو، بهمن ۱۳۵۴.

بچه‌های خوب! حالا قرآن را باز کنید و سوره ملک، آیه ۱۰ را بیاورید. یکی از شما با صدای خوش آیه را بخواند. (و قالوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ...!) ترجمه آیه را هم یکی از دوستان شما بخواند: «و گفتند اگر می‌شنیدیم و فکر می‌کردیم از اصحاب دوزخ نبودیم.» بچه‌ها! چه چیزی می‌توانست اهل دوزخ را نجات دهد؟ آفرین، شنیدن کلام خدا و فکر کردن. اگر آن‌ها فکر می‌کردند که این همه نعمت‌ها را چه کسی برایشان آفریده است هیچ‌گاه نافرمانی از دستوره‌های خدا نمی‌کردند. بچه‌ها! همه شما با این دو کلمه آشنا هستید. نقاش و بنا نقاش چند بخش است؟ نق قاش؛ دو بخش است. صدای بخش اول، نَ قَ نَق. صدای بخش دوم، قَ آَش قَاش. نق قاش چه حرفی در این کلمه تکرار شده است؟ بله، قاف. دفعه اول با علامت سکون و دفعه دوم با صدای کشیده فتحه خوانده می‌شود.<sup>۱</sup>

برای آسان شدن تلفظ، اولی را حذف نق و به جای آن علامتی به این شکل ( ) روی حرف دوم قرار می‌دهیم. نقّاش.

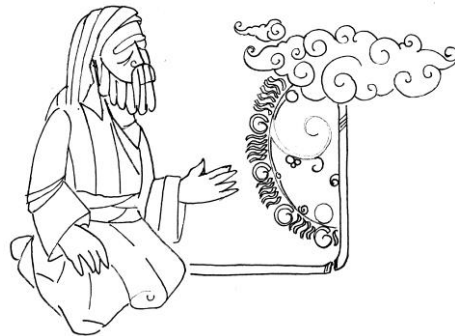
اسم این علامت، تشدید است. تشدید به ما می‌فهماند که این حرف در اصل دوتا بوده است که اولی ساکن و دومی با همان علامتی که آن حرف دارد، خوانده می‌شود. بچه‌ها! حالا با هم بخوانید: نقّاش - بقّال.

بچه‌ها! در همین آیه‌ای که دوستتان خواند، دقت کنید. کلمه «کنا» در اصل کن نا بوده است، برای آسان شدن تلفظ نون اولی را که ساکن است حذف و تشدید را بر روی نون دومی گذاشتیم **کنّنا** می‌خوانیم: کّنا.

بچه‌های خوب! دوست دارید یک داستان برای شما تعریف کنم.

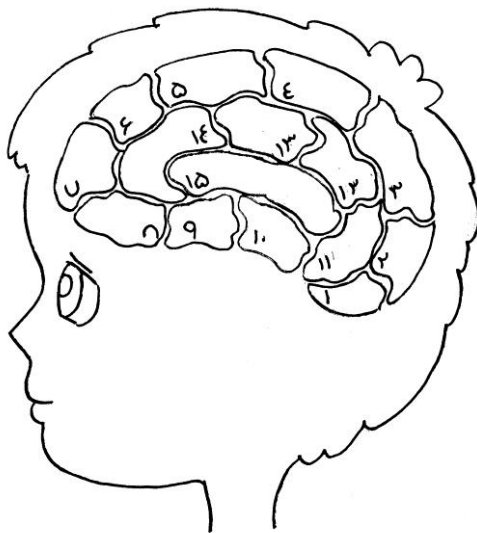
---

۱. همان‌طور که می‌بینید در این کلمه حرف قاف دوبار خوانده می‌شود. دفعه اول با علامت سکون و دفعه دوم با همان علامتی که حرف دوم دارد برای خواننده شدن نیز زبان باید دوبار به محل تلفظ برخورد کند و این برای حرف زدن کمی مشکل است که بگوییم نق قاش.



مردی با اصرار بسیار از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یک جمله به عنوان پند و اندرز خواست. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: «اگر بگویم به کار می‌بندی و آن را انجام می‌دهی؟» مرد گفت: «بله، یا رسول الله!» باز پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «اگر بگویم به کار می‌بندی و به آن عمل می‌کنی؟»

مرد گفت: «بله، یا رسول الله!» پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از آن که سه بار از آن مرد قول گرفت و او را متوجه اهمیت مطلبی که می‌خواهد بگوید کرد چنین فرمود.



بچه‌ها برای این که به سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برسیم، این جدول را با هم حل می‌کنیم تا پیامش را به دست آوریم.

به این مغزی که برای شما کشیده‌ام خوب توجه کنید. چند خانه دارد؟ بله، ۱۵ خانه دارد؟

با پرسش‌هایی که از شما بچه‌های باهوش می‌پرسم، جدول را کامل می‌کنم.

- ۱ - چه چیزی کهنه نیست؟  
نو (۹ و ۱۲)
  - ۲ - زبان مردم کردستان چیست؟  
کردی (۳، ۱۱، ۷ و ۱۵)
  - ۳ چه گلی هنگام شب عطرش بیشتر است؟  
شب بو (۸، ۲، ۱۳ و ۵)
  - ۴ - جای دفتر و کتاب چه نام دارد؟  
کیف (۴، ۶ و ۱۰)
  - ۵ - به رشته‌هایی باریک از پنبه چه می‌گویند؟  
نخ (۱۴ و ۱)
- حالا حرف شماره یک را بنویسید. سپس هشت هشت تا بشمارید و حروف را کنار هم قرار دهید تا پیام جدول را به دست آورید.
- پیام: «خوب فکر کن و بیندیش.»
- بله بچه‌های عاقل! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هرگاه خواستی کاری انجام دهی، خوب در عاقبت آن بیندیش.»<sup>۱</sup>
- بچه‌ها برای تشکر از خدای بزرگ همه با هم سوره حمد را می‌خوانیم:
- «الحمد لله رب العالمین...»

پرسش‌ها:

۱ - برترین نعمت‌ها چیست؟

الف) چشم

ب) غذا

ج) عقل

۲ - مردی که خدمت پیامبر رسید از ایشان چه خواست؟

الف) لباس

ب) پند و اندرز

ج) پول

۳ - بلقیس و مردم سبا چه چیزی را می‌پرستیدند؟

الف) خورشید

ب) ماه

ج) خدا

۴ - نامه حضرت سلیمان با چه کلمه‌ای شروع شد؟

الف) ای بلقیس

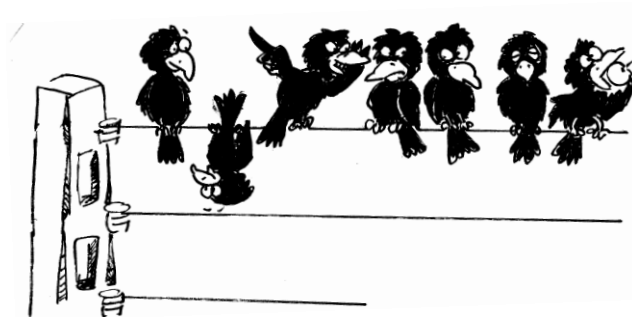
ب) ملکه محترم سبا

ج) بسم الله الرحمن الرحيم



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرندۀ باهوش



خداوند بخشنده مهربان  
گل و سرو و سوسن، درختان بید

به نام خدا خالق آسمان  
خدایی که باغ و کلاغ آفرید

به این شعر به دقت گوش دهید:


ماهی های رنگارنگ  
با پولکای قشنگ  
کنار حوض می شینه  
می خواد ماهی بگیره  
به زیر آبها می رن  
می شه زار و پریشون

تو حوض خونه ما  
بالا و پایین می رند  
کلاغه تا می بینه  
کمین می گیره  
ماهیای قایم می شن  
کلاغ شیطون



خیلی زود بگویید که در این شعر نام چند حیوان بود؟  
آفرین بر شما! دو تا، ماهی و کلاغ. و ما امروز می‌خواهیم درباره حیوان شیطان  
این شعر، یعنی ..... آفرین کلاغ صحبت کنیم.  
بچه‌ها یک بازی بگویید که در آن اسم کلاغ باشد.  
درود بر شما، کلاغ‌پر. حالا با هم کلاغ‌پر بازی می‌کنیم.<sup>۱</sup>  
حالا دوست دارید یک قصه برایتان تعریف کنم؟  
خدا اولین انسانی را که آفرید چه کسی بود؟

درود بر شما، حضرت آدم و همسرش، حضرت حوا(علیها السلام) که پدربزرگ  
و مادربزرگ همه ما هستند. این دو نفر دو پسر داشتند. اسم یکی از آن‌ها هابیل و  
اسم دیگری قابیل بود. هابیل پسر خوبی بود. هم به حرف پدر و مادرش و هم به  
حرف خدا گوش می‌داد. اما قابیل چه بود؟ او  $\wedge$  ۲۲۲ • ۱ . بود. یعنی چه  
بچه‌ها؟

بله، یعنی  بود. او چون نمی‌توانست کارهای خوب بکند و در  
کارهای خوب با برادرش هابیل رقابت کند و مثل او عزیز شود، کارهای بد می‌کرد  
و از برادرش بدش می‌آمد. به همین دلیل یک روز دور از چشم پدر و مادر، قابیل  
برادرش، هابیل را کشت. وقتی او را کشت، خیلی نگران شد. چون نمی‌دانست با  
جنازه‌اش چکار کند. جنازه را روی دوشش انداخت و حرکت کرد. مرتب به این  
طرف و آن می‌رفت. حسابی خسته شده بود. سرگردان بود و دنبال جایی  
می‌گشت تا جنازه را پنهان کند. در حالی که پشیمان و خسته بود و عرق از سر و  
صورتش می‌ریخت ناگهان دو کلاغ را دید که در آسمان با هم دعوا می‌کنند.  
جنازه را بر زمین گذاشت. گوشه‌ای نشست و دعوی کلاغ‌ها را نگاه کرد. انگار نه  
انگار که برادر را کشته است. کلاغ‌ها مرتب به این طرف و آن طرف می‌رفتند و به

۱. مرتبی حدود یک الی دو دقیقه با دانش‌آموزان کلاغ‌پر بازی می‌کند (البته اگر جو کلاس کشش داشت) در غیر  
این صورت نیازی به انجام بازی نیست.



هم نوک می‌زدند. قابیل هم که انگار خوشش آمده بود، آن‌ها را تشویق می‌کرد تا این که یکی از کلاغ‌ها کشته شد. کلاغ قاتل با پنجه‌های پا و نوکش زمین را کند و جنازه کلاغ مرده را توی چاله انداخت و با پاهایش روی آن خاک ریخت. قابیل وقتی این صحنه را دید، ناگهان مثل این که یاد جنازه برادرش افتاده باشد، گفت: ... بچه‌ها برای این که بدانیم قابیل چه گفت، قرآن را باز کنید و آیه ۳۱ سوره مائده را بیاورید.<sup>۱</sup>

(فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِى سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوْرِى سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ)؛ خداوند کلاغی فرستاد که در زمین جست‌وجو می‌کرد، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این کلاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟ و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان خود) پشیمان شد.» قابیل گفت: «خاک بر سر من! من از این کلاغ عاجزترم که نمی‌توانم جسد برادرم را زیر خاک پنهان کنم؟»

بعد جسد برادرش را دفن کرد و خیلی زود از کار زشتش پشیمان شد.

بچه‌ها حالا که آیه را خواندیم به چند سؤال جواب دهید.

چه کسی می‌تواند این حروف را بخواند؟<sup>۲</sup> ب ل

بچه‌های عزیز! یادتان باشد اگر حرفی ساکن باشد، یعنی علامت سکون داشته باشد به تنهایی خوانده نمی‌شود و باید با کمک حرف صدادار قبلی خوانده شود.

۱. مرتبی از دانش‌آموزان می‌خواهد تا اگر می‌توانند این آیه را بخوانند. اگر کسی نتوانست مرتبی خودش آیه را تلاوت می‌کند.

۲. معمولاً بچه‌ها این حروف را می‌خوانند اما مرتبی در ادامه توضیح می‌دهد.

۸۴ ..... ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

مثلاً در همین آیه‌ای که خواندیم، کلمه «يِيْحَثُّ» حرف ساکن دارد. «ب» ساکن است و باید با حرف صدادار قبلی که «ي» هست خوانده شود. این چند حرف با هم یک کلمه را تشکیل می‌دهد. یب + حَ + ثُ.  
ان شاءالله در خانه تمرین کنید تا بتوانید کلمه‌هایی را که حرف ساکن دارند، بهتر بخوانید.<sup>۱</sup>

### سؤال بعدی:

بچه‌ها! به نظر شما چرا خداوند از بین همه پرنده‌ها کلاغ را برای کمک به قابیل فرستاد؟

بله! چون کلاغ پرنده باهوشی است.

حالا دوست دارید درباره کلاغ بیش‌تر بدانید؟



کلاغ پرنده‌ای است که همه چیز می‌خورد. می‌توانید بگویید کلاغ چه چیزهایی می‌خورد؟

آفرین بر شما! دانه میوه‌ها، حشرات، تخم و جوجه پرندگان و حتی بعضی وقت‌ها زباله هم می‌خورد. کلاغ‌ها به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند. آن‌ها خیلی سر و صدا می‌کنند.

بچه‌ها! می‌دانید کلاغ‌ها چه طوری لانه می‌سازند؟<sup>۲</sup>

کلاغ‌ها در ساختن لانه از چوب‌های محکم و گاهی سیم‌های آهنی استفاده می‌کنند و آن را به شکل گلدان درمی‌آورند. کلاغ تخمگذار است و به طور معمول ۴ الی ۵ تخم می‌گذارد. کلاغ روی تخم‌ها به مدت ۱۶ - ۱۷ روز می‌خوابد تا جوجه‌هایش متولد شوند.

۱. مرتبی چند کلمه ساکن‌دار دیگر را هم به همین شیوه تمرین کند و از بچه‌ها بخواهد که برای جلسه بعد ۱۰ تا کلمه ساکن‌دار پیدا کنند و بنویسند.

۲. مرتبی صبر می‌کند تا پاسخ دانش‌آموزان را بشنود اگر کسی پاسخ درست داد او را تشویق می‌کند.



حالا می‌رویم سراغ برنامه راز کلاغ‌ها<sup>۱</sup>  
اولین راز کلاغی ما چیست؟<sup>۲</sup>

احسنت بر شما! «همکاری».

کلاغ‌ها خیلی به هم کمک می‌کنند. به طور مثال اگر کلاغی در حادثه‌ای پایش بشکند، یا زخمی شود، کلاغ‌های دیگر به کمکش می‌روند و در کنارش می‌مانند و از او پرستاری می‌کنند تا سالم شود. یا اگر کسی بخواهد به لانه کلاغی که جوجه دارد نزدیک شود، کلاغ پدر و مادر با فریاد از دیگر کلاغ‌ها کمک می‌خواهند.



به این صدا، صدای اتحاد می‌گویند. در عرض چند لحظه عده زیادی از کلاغ‌ها به صورت گروهی به مهاجم حمله می‌کنند و گاهی وقت‌ها حتی چشم‌های او را درمی‌آورند.



دومین راز کلاغی چیست؟

۱. مرتبی می‌تواند ۵ کلاغ روی تخته رسم کند یا با کارت کلاغ تهیه کند و حروف پراکنده را داخل آن بنویسد.  
۲. پس از مطرح کردن سؤال، مرتبی به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا پاسخ را پیدا کنند. اگر نتوانستند تشویق می‌شوند و اگر نتوانستند مرتبی کمی آن‌ها را راهنمایی می‌کند و در نهایت پاسخ صحیح را می‌گوید.

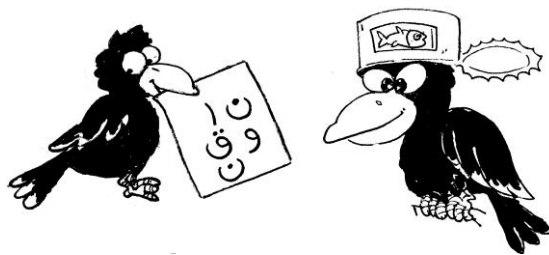
درود بر شما دانش‌آموزان باهوش! کلاغ‌ها هم مثل شما «باهوش» هستند. آن‌ها موقع پرواز دسته‌جمعی یک کلاغ را به عنوان رهبر انتخاب می‌کنند که در جلوی گروه پرواز می‌کند که باهوش‌ترین کلاغ آن گروه است. او می‌تواند به راحتی تمام خطرهای و موقعیت‌های محل‌های دور و نزدیک را ارزیابی کند. شما بدانید هر وقت گروهی در جایی زندگی می‌کنند و یا می‌خواهند به جایی بروند، باید رهبر انتخاب کنند؛ رهبری که بتوانند آن گروه را هدایت کند. یکی دیگر از نمونه‌های هوش کلاغ این است که اگر دو نفر خود را به پرنده کوری نزدیک کنند و بعد یکی از آن‌ها محل را ترک کند، بیش‌تر پرنده‌ها فکر می‌کنند که هر دو نفر دور شده‌اند، اما کلاغ‌ها به خوبی می‌فهمند که یک نفر از آن دو باقی مانده است.

باز هم می‌خواهید از هوش کلاغ‌ها برایتان بگوییم؟

به نظر شما کلاغ پوست گردو را چگونه می‌شکند؟<sup>۱</sup> شما چطور گردو را می‌شکنید؟<sup>۲</sup>

کلاغ گردو را به منقارش می‌گیرد و از بالا روی یک تخته سنگ می‌اندازد تا بشکند، یا اگر تکه نان خشکی به چنگ آورد که نتواند آن را خرد کند آن‌قدر در آب ننگه می‌دارد تا به طور کامل نرم شود و قابل خوردن گردد.<sup>۳</sup>

حالا برویم سراغ راز سوم کلاغ.



درود بر شما «قانون»  
قانون یعنی چه؟

۱. مرتبی فرصت می‌دهد، اگر دانش‌آموزی پاسخ صحیح داد، تشویقش می‌کند.

۲. مرتبی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود. سپس جواب را می‌گوید.

۳. [www.noktevaandarz.blogfa.com](http://www.noktevaandarz.blogfa.com)

کلاغ‌ها بین خودشان قانون دارند. هر وقت کلاغی خطا کند، شورایی تشکیل می‌دهند و در مورد آن کلاغِ خطاکار مشورت می‌کنند. اگر کلاغ بخشیده شود، او را آزاد می‌کنند، اما اگر محکوم شود به او حمله می‌کنند و آن قدر او را می‌زنند تا بمیرد. حالا نوبت به راز چهارم کلاغ‌ها می‌رسد.



با حروف در هم ریخته کلاغ چهارم دو کلمه بسازید که یک معنا را بدهد. یک راهنمایی می‌کنم: کاری که میمون انجام می‌دهد، چیست؟ بله، تقلید. آفرین بر شما. «تقلید صدا».

کلاغ می‌تواند صدای سگ، گربه، مرغ و خروس را تقلید کند. حتی بعضی از آن‌ها صدای انسان را هم می‌توانند تقلید کنند؛ به طور نمونه کلاغ در لانه مخفی می‌شود و صدای مرغ یا خروس را تقلید می‌کند. وقتی مرغ یا خروس از جوجه‌هایش دور می‌شود، حمله می‌کند و جوجه‌هایش را می‌دزدد.

اما راز پنجم کلاغ‌ها



بچه‌ها کمی فکر کنید. اوّلش «م» است و آخرش «ت». بارک‌الله، احساس مسؤولیت می‌کنند. یعنی اگر احساس خطر کنند مثل سیل و زلزله یا وقتی کلاغ مرده‌ای را می‌بینند با صدای خطر کلاغ‌های دیگر را خبر می‌کنند. اگر کلاغی مرده باشد، بی‌تفاوت نمی‌نشینند و برای او عزا می‌گیرند و کلاغ را دفن می‌کنند.

بچه‌ها! اگر دسته‌های کلاغ را دیدید که با صدای بلند قارقار می‌کنند و در حال پرواز به دور هم می‌پیچند بدانید که می‌خواهد اتفاق بدی، مثل سیل یا زلزله بیفتد و این قارقار کلاغ‌ها هم دلیل بر هوش آن‌ها است نه این که آن‌ها می‌خواهند خبر بد بدهند و شوم هستند.

بچه‌ها! کلاغ‌ها خصوصیتی دارند که ما باید از آن‌ها یاد بگیریم. اگر می‌خواهید بدانید چه خصوصیتی دارند، به این پرسش‌ها جواب دهید و پیام جدول را پیدا کنید.

#### ۱. کدام پرنده است که تقلید می‌کند؟

دروود بر شما! طوطی. پاسخ این سؤال را در خانه‌های شماره ۱، ۳، ۷ و ۴ قرار می‌دهیم.

#### ۲. وسیله کشاورزی و بنایی چه نام دارد؟ (سه حرفی است).

آفرین بر شما! بیل. پاسخ این سؤال را در خانه‌های ۲، ۶ و ۸ قرار می‌دهیم.

#### ۳. کدام گل خوش‌رنگ و بو است که دارای دو حرف است؟

احسنت بر شما! گل‌های خوشبو! رز. پاسخ این سؤال را هم در خانه‌های ۹ و ۱۰ قرار می‌دهیم.

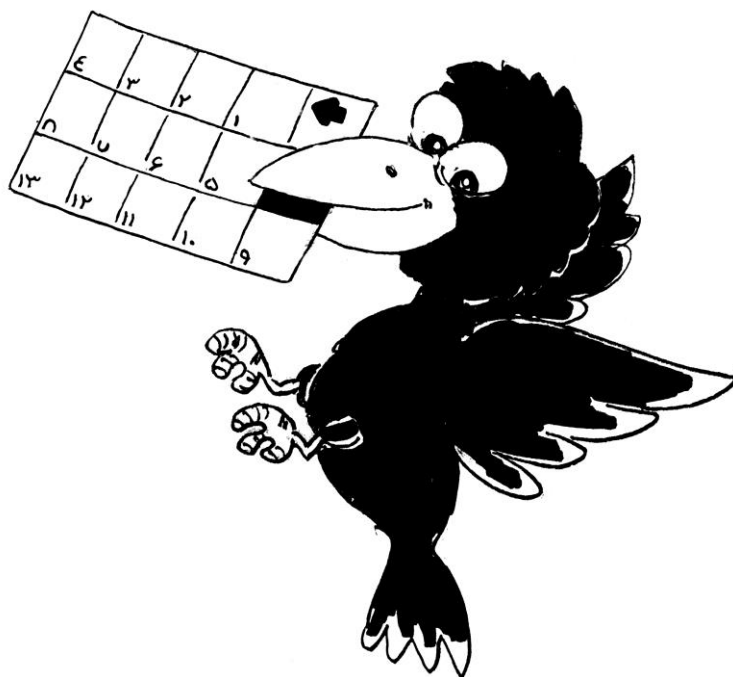
#### ۴. خم کردن کاغذ را چه می‌گویند؟

ماشاءالله بر شما! تا. پاسخ این سؤال را در خانه‌های شماره ۱۲ و ۱۱ قرار می‌دهیم.

#### ۵. نام حرف «ح» چیست؟

بارک‌الله بر شما! حا. حروف این کلمه را هم در خانه‌های شماره ۵ و ۱۳ قرار می‌دهیم.

حالا جدول را ۷ خانه ۷ خانه می‌شماریم تا پیام جدول به دست آید.



بله! طلب روزی، احتیاط.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید که ما چند چیز را باید از کلاغ یاد بگیریم. یکی «طلب روزی» است.<sup>۱</sup>

کلاغ صبح که از خواب بیدار می‌شود، دنبال پیدا کردن غذا برای خود و فرزندانش است و هیچ وقت منتظر نمی‌ماند تا کسی برای او غذا بیاورد. او برای به دست آوردن غذایش تلاش می‌کند و این یعنی این که کلاغ بیکار و تنبل نیست. بچه‌ها! دوّمین چیزی که باید از کلاغ یاد بگیریم چیست؟<sup>۲</sup> بله!... احتیاط. کلاغ پرنده محتاطی است و خودش را به جاهایی که خطر دارد نزدیک نمی‌کند. اگر

۱. الخصال، شیخ صدوق، قم، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. مرتبی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود و آن‌ها را تشویق می‌کند. در صورت لزوم می‌تواند توضیح کوتاهی بدهد.



۹۰.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

بخواهد غذایش را از جای شلوغ یا جایی که آدم‌ها هستند بردارد، با احتیاط این کار را می‌کند تا آسیب نبیند.

بچه‌ها! در چه جاهایی باید احتیاط کنیم؟<sup>۱</sup>

دوستان عزیز و گرامی! کلاغ چند تا صفت بد هم دارد که ان شاءالله شما بچه‌های خوب هیچ‌کدام از آن‌ها را ندارید.

یکی از کارها زشتی که کلاغ انجام می‌دهد، «زورجی» است. وقتی مشغول ساختن لانه هستند، مصالح ساختمانی را از یکدیگر می‌دزدند. همان‌طور که می‌دانید دزدی کار زشت و از گناهان بزرگی است که قابل بخشش نیست، مگر این که دزد، صاحب مال را راضی کند. پس نباید بدون اجازه دست به مال دیگران زد و از آن‌ها استفاده کرد.

حالا همه با هم دعای فرج را می‌خوانیم.

---

۱. مرتبی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود و سپس به تناسب هر پاسخ خوب، توضیح کوتاهی می‌دهد، مثل رد شدن از خیابان.

پرسش‌ها:

۱. کلاغ‌ها در ساختن لانه از چه چیزهایی استفاده می‌کنند؟

الف. آجر

ب. آهن

ج. چوب و سیم‌های آهنی

۲. از کلاغ‌ها چه چیزی نباید بیاموزیم؟

الف. همکاری

ب. دزدی

ج. مسؤولیت

۳. حرف ساکن چگونه خوانده می‌شود؟

الف. به کمک حرف صدادار قبلی

ب. خودش به تنهایی

ج. با کمک حرف بعدی

۴. با توجه به روایت حضرت علی (علیه السلام)، چه چیزهایی را باید از کلاغ

بیاموزیم؟

الف. دوستی و محبت

ب. رعایت عدالت

ج. طلب روزی و احتیاط



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
مور دانه کش



ورد زبان ما هست در هر زمان بسم الله  
ما را بود نگهدار از هر بلا بسم الله  
بچه‌ها سلام! حالتان چطور است؟ امیدوارم همیشه شاد و سر حال باشید. حالا با  
هم درس را آغاز می‌کنیم. ابتدا از شما می‌خواهم با کمک هم با چند عدد ریاضی  
مرحله به مرحله نام یک موجود را به  
دست آوریم.

۹ ۰۰ ۰

مورچه

هرکس زودتر توانست نام این موجود  
را بگوید مورد تشویق قرار می‌گیرد. حالا  
اگر آماده‌اید، به چینش اعداد دقت  
کنید.

بله آفرین به شما! نام این موجود «مورچه» است.  
مورچه یکی از مخلوقات شگفت‌انگیز خداوند بزرگ و مهربان است. راستی! آیا می‌توانید شعری که سعدی درباره مورچه گفته است را بخوانید؟  
میازار موری که دانه‌کش است  
که جان دارد و جان شیرین خوش است  
مزن بر سر ناتوان دست زور  
که روزی درآفتی به پایش چومور  
خدا هم یکی از سوره‌های قرآن را به نام مورچه نام‌گذاری کرده است.  
آیا می‌دانید چندمین سوره است؟  
به راهنمایی من دقت کنید. حرف لام چندمین حرف از حروف الفبای فارسی است؟  
آفرین، بیست و هفتمین حرف. این سوره هم، سوره بیست و هفتم قرآن کریم است.  
راستی بچه‌های خوب قرآنی! آیا می‌دانید کدام سوره از قرآن کریم دارای دو «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌باشد؟ آفرین به شما! همین سوره مورچه. یکی در اوّل سوره و دیگری در آیه ۳۰ آن.



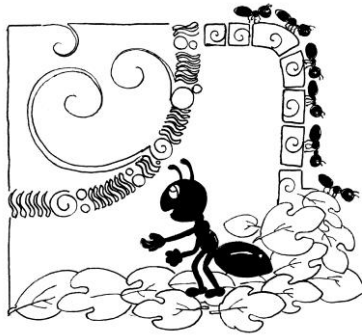
این سوره در شهر مکه نازل شده است اگر گفتید «مورچه» به عربی چه می‌شود؟

من شما را کمک می‌کنم. اولین حرفش نون و آخرین حرفش لام است و سه حرف بیش‌تر ندارد.

بله، آفرین به شما! ن م ل ← نمل

حالا اگر حاضرید می‌خواهم قصه حضرت سلیمان نبی (علیه السلام) و عبورش به سرزمین مورچه‌ها و گفت‌وگوی او را با رییس مورچه‌ها برایتان تعریف کنم.

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدای خوب و مهربان هیچ کس نبود. روزی در یکی از مسافرت‌های تاریخی حضرت سلیمان (علیه السلام) که در سپاهیان او انسان‌ها، جن‌ها و پرندگان بودند و با عظمت به سوی مقصد در حرکت بودند، عبورشان به سرزمین مورچه‌ها افتاد. رییس مورچه‌ها، اعلام خطر کرد و فریاد زد: «ای گروه مورچه‌ها! به خانه‌ها و پناهگاه‌های خود بروید و فرار کنید تا سلیمان و سپاه او ناخودآگاه شما را زیر پای خود لگدکوب نکنند.»



بچه‌های خوب و عزیز! باد، صدای آن مورچه را به گوش حضرت سلیمان (علیه السلام) رسانید. حضرت سلیمان (علیه السلام) دستور داد که آن مورچه را حاضر کنند. وقتی آن مورچه را آوردند، حضرت سلیمان (علیه السلام) از او پرسید: «مگر تو نمی‌دانی که من پیامبر خدا هستم و ظلم و ستم نزد پیامبران الهی وجود ندارد؟» رییس مورچه‌ها گفت: «چرا می‌دانم.» حضرت سلیمان (علیه السلام) پرسید: «پس برای چه اعلام خطر کردی و مورچه‌ها را از ما ترساندی؟» رییس مورچه‌ها گفت: «من دیدم اگر مورچه‌ها این تشکیلات و تجهیزات عظیم و سلطنت بی‌مانند تو را ببینند، نعمت‌هایی که خداوند به آن‌ها داده را کوچک و ناچیز می‌شمارند و ناسپاسی خواهند کرد.»

پس خواستم آنان را از چنین خطری که مبادا آفریدگار و خالق خود را فراموش کنند، حفظ کنم.»

بچه‌های عزیز! حضرت سلیمان (علیه السلام) وقتی جواب رییس مورچه‌ها را شنید و حرف‌هایش را عاقلانه دید، حرفی نزد و سکوت کرد.<sup>۱</sup> حالا می‌خواهم شعر مورچه را برایتان بخوانم.

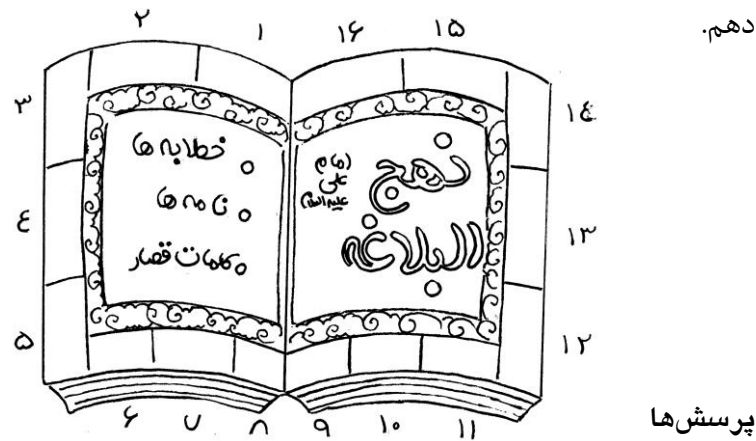
مورچه

من مورچه پرکارم      از تنبلی بی‌زارم  
تو شهر یا آبادی      کار می‌کنم با شادی  
ای بچه‌های درس‌خوان      خندان و شیرین‌زبان  
صبح سحر بیدار شید      گرم تلاش و کار شید

اکنون به سراغ ادامه برنامه می‌رویم.

بچه‌های عزیز! آیا می‌دانید برادر قرآن کدام کتاب است؟ آفرین بر شما! کتاب «نهج البلاغه» آیا دوست دارید بدانید که حضرت علی (علیه السلام) درباره مورچه چه فرموده است؟

حالا به این سؤال‌ها جواب دهید تا حروف آن را داخل خانه‌های جدول قرار



- ۱ - اولین چیزی که در قیامت می‌پرسند، چیست؟ نماز (۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱)
- ۲ - به کدام ورزش آبی در اسلام سفارش شده است؟ شنا (۱۴، ۱۳، ۱۰)

۱. سیدمحمد صفی، قصه‌های قرآن، انتشارات اهل بیت، قم، ۱۳۷۵، چ ۷، ص ۱۷۲.

۳ - آیا می‌توانید این جمله را کامل کنید:

با یک ..... بهار نمی‌شود گل (۴ و ۳)

۴ - خرما فروش که لقب میثم است. تمار (۲، ۵، ۱، ۸)

۵ - به حیوانی که با انسان انس گرفته باشد چه می‌گویند؟

اهلی (۱۶، ۱۵، ۶ و ۹)

اکنون حرف خانه شماره یک «ز» را می‌نویسیم. چهار تا چهار تا می‌شماریم. هر کلمه که به دست آمد در جاهای خالی قرار می‌هیم.



به مورچه و کوچکی آن نگاه کنید. ببینید چگونه روی ..... راه می‌رود. برای به دست آوردن روزی ..... می‌کند. دانه‌ها را به ..... می‌برد. در جایگاه مخصوص نگه داری می‌کند. در فصل ..... برای زمستان تلاش می‌کند.<sup>۱</sup>

حالا با قاعده روخوانی «تنوین» آشنا می‌شویم. تنوین نون ساکنی است که در آخر بعضی کلمه‌ها نوشته نمی‌شود ولی خوانده می‌شود.

تنوین بر سه قسم است.

—	—	ن + َ =	۱- تنوین فتحه
—	—	ن + ِ =	۲- تنوین کسره
—	—	ن + ُ =	۳- تنوین ضمه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵، نشر الهادی. کلمات به دست آمده به ترتیب «زمین، تلاش، لانه و گرما» است که مریبی برای به دست آوردن آنها از حروف اول هر کدام که در خانه‌های (۱، ۲، ۳ و ۴) قرار دارد، شروع می‌کند.



حالا قرآن‌ها را باز کنید و آیه هیجدهم از سوره نمل را با دقت نگاه کنید و بگویید در این آیه چند کلمه وجود دارد که با تنوین آمده است. همچنین بگویید که کدام نوع تنوین از انواع آن ذکر شده است.

بله، آفرین به شما! دانش‌آموزان قرآنی! در این آیه فقط کلمه **نَمَلَةٌ** دارای تنوین است. نوع تنوین آن نیز ضمه می‌باشد که در خواندن این‌گونه می‌شود. **نَمَلَةٌ ن**

راستی! برای جلسه بعد پنج کلمه، تنوین فتحه‌دار و پنج کلمه، تنوین کسره‌دار و پنج کلمه، تنوین ضمه‌دار از قرآن پیدا کنید و نحوه خواندن آن را بنویسید و بیاورید.

در پایان می‌خواهم ترجمه آیه نوزدهم همین سوره را که از دعاهای قرآنی نیز می‌باشد برای شما بخوانم و شما آمین بگویید.

خدایا، مرا توفیق شکر نعمت خود که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی، عنایت فرما!

خدایا، مرا به عمل صالح خالصی که تو بیسندی موفق بدار!

خدایا، مرا به لطف و رحمت خود در صف بندگان خاص شایسته‌ات داخل

گردان!

«آمین یا رب العالمین».

پرسش‌ها:

۱ - نام کدام سوره به معنای مورچه است؟

الف) نحل

ب) نمل

ج) زمر

۲ - نام کدام پیامبر در سوره نمل آمده است؟

الف) داوود (علیه السلام)

ب) عیسی (علیه السلام)

ج) سلیمان (علیه السلام)

۳ - کتاب نهج البلاغه به چه نامی مشهور است؟

الف) برادر قرآن

ب) کلام خدا

ج) کلام علی

۴ - کدام یک از شگفتی‌های مورچه در کلام حضرت علی (علیه السلام) آمده است؟

الف) جلوگیری از سبز شدن دانه

ب) نگهداری دانه در جای مخصوص

ج) پرکاری مورچه



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## نخل سرسبز



بچه‌های خوب سلام! حال شما خوب است؟ سرحال و خوشحال و خندان هستید؟ درس را با یک شعر شروع می‌کنم.

چه سبز و باصفا هست	به برگ‌ها نگاه کن
میون اون گل‌ها هست	پروانه قشنگی
روشاخه اون بالا هست	یه بلبل بلایی
آی بچه‌ها خدا هست	همه می‌گن به ماها
چه سبز و باصفا هست	نگاه کن به صحرا
پر از شکوفه‌ها هست	درختارو نگاه کن
میون شاخه‌ها هست	به میوه‌ها نگاه کن
آی بچه‌ها خدا هست	همه می‌گن به ماها

۱۰۲.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

آیا می‌توانید چند تا حیوان گیاه خوار برای ما نام ببرید؟ درود بر شما!

شتر، اسب، گوسفند، گاو و...

بچه‌ها! بعضی حیوانات می‌توانند علف بخورند و بعضی از حیوانات گوشت‌خوار

هستند، مثل: شیر، ببر، عقاب و...

آیا گیاه حیوان خوار تا حالا دیده‌اید؟ بعضی از گیاهان هستند که حشرات کوچک را شکار می‌کنند. روی گل آن‌ها یا روی برگ آن‌ها دریچه‌ای هست که وقتی حشرات روی آن نشستند، دیگر راه فرار ندارند و طعمه آن گیاه می‌شوند. یکی از این گیاهان اسمش گیاه کوزه‌ای است.<sup>۱</sup>

همه گیاهان را خداوند آفریده است تا ما انسان‌ها بتوانیم در آسایش و راحتی از آن‌ها استفاده کنیم.

آیا دوست دارید با فواید گیاهان آشنا شوید؟

خوب به کارت‌ها توجه کنید و با صدای بلند بخوانید: **غذا**

چند خوراکی گیاهی نام ببرید که ما به عنوان غذا از آن استفاده می‌کنیم؟

درود بر شما! سیب‌زمینی، پیاز، هویج، انواع میوه‌ها، قارچ‌ها و سبزی‌ها.

بچه‌ها! گیاهان با هوا چه رابطه‌ای دارند؟

گیاهان با تصفیه هوا و تولید اکسیژن موجب **پاکی هوا** ی محیط زندگی ما می‌شوند.

از بعضی گیاهان، مثل پنبه، نخ درست می‌کنند و به وسیله نخ **لباس** تهیه می‌کنند. حالا چند نوع لباس زمستانی نام ببرید؟ آفرین! پالتو، کت و شلوار، لباس کاموایی.

۱. روزنامه جام‌جم، ۱۷ بهمن ۱۳۸۶.

حالا به وسایل کلاس خوب نگاه کنید. چه چیزی از چوب ساخته شده است؟  
توی خانه خودتان بسیاری از لوازم منزل مثل مبل، صندلی، میز، پنجره و در خانه  
با چوب درست می‌شود.

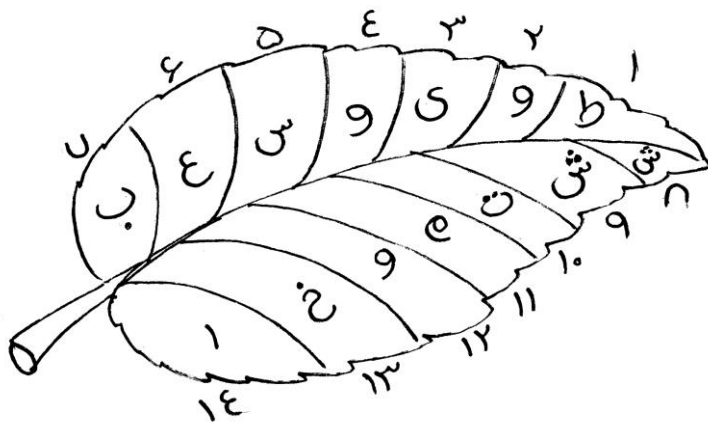
چه کسی می‌تواند بگوید که کاغذ را از چه چیزی درست می‌کنند؟ درود بر  
شما! از چوب. بعضی‌ها هم از کاه و علف کاغذ درست می‌کنند. امیدوارم که در  
مصرف کاغذ اسراف نکنید.

حالا در مورد این کارت توضیح بدهید که چه رابطه‌ای بین دارو و گیاهان وجود  
دارد؟ مردم برای این که خودشان را درمان کنند از دارو استفاده می‌کنند.

بچه‌ها! چندتا گیاه دارویی را می‌توانید نام ببرید؟ آفرین، گل گاوزبان، آویشن،  
حتی بسیاری از قرص‌ها و شربت‌ها هم از گیاهان ساخته می‌شوند.

بچه‌ها! چند تا گل خوشبو نام ببرید. آفرین، گل یاس، گل محمدی، گل نرگس.  
از این گل‌ها عطر می‌گیرند و ما به وسیله این عطرها خودمان را خوشبو می‌کنیم.  
آیا می‌دانید برگ درخت چه فایده‌ای دارد؟ درود بر شما، ۱ - تولید اکسیژن  
می‌کند. ۲ - تولید رطوبت هم می‌کند.

من تصویر یک برگ را روی تخته می‌کشم و سؤال‌هایی را از شما می‌پرسم.  
با جواب‌هایی که شما می‌دهید، جدول را کامل می‌کنیم.



۱ - یکی از میوه‌های بهشتی را نام ببرید؟ سیب (۵ - ۳ - ۷)

۲ - من و او نیست، پس چیست؟ تو (۱۰ - ۲)

۳ - کدام غذا را با سبزی و حبوبات درست می‌کنند؟

آش (۱۴ - ۸)

۴ - با خط‌کش چه چیز می‌کشند؟ خط (۱۳ - ۱)

۵ - آن چیست که وقتی می‌سوزد، اشک می‌ریزد؟ شمع (۹ - ۱۱ - ۶)

۶ - واو بی الف چه می‌شود؟ و (۴ - ۱۲)

بعد از آن که جواب‌ها را در جای خودشان قرار دادید، حرف اول را از جدول می‌نویسیم. سپس پنج تا پنج تا حروف را در کنار هم قرار می‌دهیم تا رمز جدول به دست می‌آید. پیام: طعم و بوی خوش است.

درود بر شما پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «حکایت مؤمنی که قرآن می‌خواند، مانند بالنگ است؛ هم بوی خوش است و هم طعمش.»<sup>۱</sup>

آیا می‌دانید بالنگ چیست؟ بله، بالنگ مربای آن در بازار فراوان است. بسیار خوش طعم و خوش بو است. مؤمنی هم که قرآن بخواند مثل بالنگ عطر و بوی خوش دارد.

حالا قرآن کریم را باز کنید و یکی از دوستان شما آیه ۲۵ سوره مریم را بخواند:

«وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِينًا.»

آیا می‌دانید این علامت (~) چه نام دارد؟ آفرین، به این علامت مدّ می‌گویند.

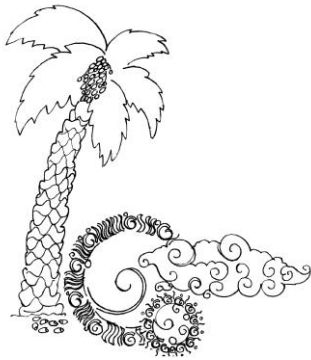
هر وقت این علامت را روی حرفی دیدید آن را بکشید، مثل شاء، سوء، حَاجّ،

الر، الم

در این آیه‌ای که خوانده شد، آیا علامت مدّ وجود دارد؟ آفرین، هُزِّي.

۱. پیام پیامبر، ترجمه فارسی، ص ۲۴۱.

برای این که با معنای آیه آشنا شویم به یک داستان گوش دهید: حضرت مریم (سلام الله علیها) احساس کرد که خدای بزرگ فرزندی به او داده است. تصمیم گرفت به جای خلوتی برود. بنابر این به زیر درخت خرمایی رفت که خشکیده بود و میوه‌ای هم نداشت. بسیار ناراحت و غمگین بود. از طرف خدا چنین ندا آمد: ای مریم! غمگین مباش که خدا در زیر پاهایت چشمه‌آبی جاری کرده است. آیه‌ای که دوستتان خواند، چه بود؟ «أفرین، وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا». یعنی ای مریم! شاخه درخت خشکیده‌ی خرما را تکان بده تا برای تو خرمای تازه به پایین بریزد. از خرمای تازه بخور و از چشمه، آب بنوش.



حضرت مریم (سلام الله علیها) درخت خرما را تکان داد. خرما به پایین سرازیر شد. حضرت مریم (سلام الله علیها) از میوه‌ی تازه‌ی آن درخت خورد و از آب زلال چشمه هم نوشید. آیا می‌دانید چرا خداوند برای حضرت مریم (سلام الله علیها) خرما فرستاد؟

چون بدن حضرت مریم (سلام الله علیها) ضعیف شده بود. از آن جا که خرما مقوی هست و زود جذب بدن انسان می‌شود خداوند هم خرما را برای حضرت مریم (سلام الله علیها) فرستاد تا او تقویت شود.



چه کسی از شما می‌تواند بگوید ما چند نوع درخت خرما داریم؟ یکی؟<sup>۱</sup> نه، پس چند تا؟<sup>۲</sup> تا؟ نه، پس چند تا؟<sup>۳</sup> تا، نزدیک شدید بچه‌ها! اما چند تا صفر کم گفتید. آری، ۳۰۰۰ نوع درخت خرما داریم.

۱. مری اعداد را روی تخته بنویسد تا به عدد مورد نظر برسد.



۱۰۶.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

خرما میوه‌ای هست که زود هضم می‌شود و موجب آرامش و شادی برای ما انسان‌هاست. حالا نگاه کنید من چه می‌نویسم؟ با دقت به شکل‌ها نگاه کنید و کلمه مورد نظر را حدس بزنید.

آفرین، سحر

ح س ر

درود بر شما، افطار

ا ط ف ا ر

پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خرما افطار می‌کرد و هنگام سحر هم خرما

می‌خورد.



اکنون بگویید این تصویر چیست؟

ما چند نوع انجیر داریم؟ ۱ نوع؟ نه، ۷ نوع؟ نه، ۱۷ نوع؟ نه، کمی نزدیک شدید، اما چند تا صفر کم گفتید. بله، ۱۷۰۰ نوع انجیر وجود دارد.



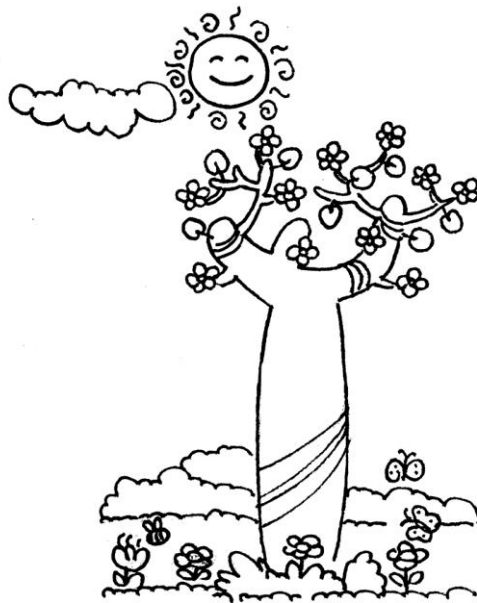
بچه‌های خوب آیا تا به حال خوشه گندم دیده‌اید؟ آفرین، این خوشه گندم است. چه کسی می‌تواند بگوید ما چند نوع گندم داریم؟ ۵ تا؟ نه، ۱۵ تا؟ نه، ۳۵ تا؟ باز هم چند تا صفر کم گفتید. تا به حال ۳۵۰۰۰ نوع گندم در دنیا شناخته شده است.<sup>۱</sup>

آیا می‌دانید گیاهان در چه فصلی شکوفه می‌دهند و سرسبز می‌شوند؟ درود بر شما! حالا به این شعر خوب گوش کنید.

۱. شناخت خدا، ص ۲۹۱ - ۲۹۲.

بهار شده بچه‌ها	بهار خوش هوا هست
زنده شدن درختان	شادی توی دلا هست
ابر سایه رفته	خورشید توی هوا هست
همه می‌گن به ماها	آی بچه‌ها خدا هست
زمین شده همه سبز	لاله توی صحرا هست
هرجا ببری تو دشتا	صدای چشمه‌ها هست
زنده شده طبیعت	پرشور و پرنوا هست
همه می‌گن به ماها	آی بچه‌ها خدا هست

ان شاء الله خداوند زندگی همه‌ی ما را بهاری کند. یک صلوات محمّدی بفرستید.



پرسش‌ها:

۱ - از گیاهان چه می‌سازند؟

الف) کاغذ

ب) لباس

ج) هردو مورد

۲ - گیاهان چه فایده‌ای برای ما دارند؟

الف) هوا را پاک می‌کند

ب) زمین را پاک می‌کند

ج) آب را پاک می‌کند

۳ - نام کدام زن در قرآن آمده است؟

الف) آسیه

ب) مریم

ج) ساره

۴ - نام کدام میوه در قرآن آمده است؟

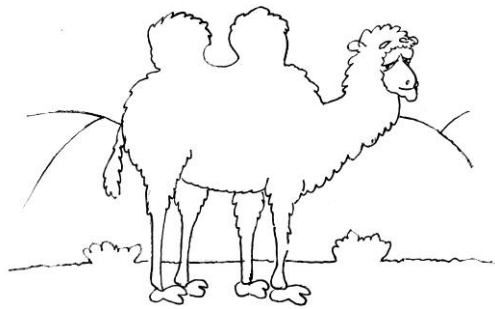
الف) خرما

ب) انجیر

ج) هردو مورد

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## کشتی بیابان



با سلام خدمت شما قرآن‌دوستان و قرآن‌خوانان! برنامه را با یک سؤال آغاز می‌کنیم. معجزه‌ی حضرت صالح که از کوه بیرون آمد چه بود؟ آفرین، شتر. حالا به داستان آن پیامبر، خوب گوش کنید.

قوم حضرت صالح مردمانی ثروتمند بودند که برای خود قصرها و خانه‌های زیبا در دل کوه درست کرده بودند، ولی به جای عبادت خداوند بت‌ها را می‌پرستیدند. آن حضرت (علیه السلام) قوم خود را به یگانه‌پرستی دعوت کرد و به آن‌ها می‌فرمود که از عبادت این بت‌هایی که سودی برای شما ندارند، دست بردارید. آن‌ها را از گناه کردن بر حذر می‌داشت. دشمنان آن حضرت (علیه السلام) به او گفتند: اگر راست می‌گویی، از طرف خدای خود آمده‌ای، معجزه و نشانه‌ای برای درستی گفتار خود بیاور. حضرت فرمود: «شما هر چیزی را که می‌خواهید بگویید تا من از خدا بخواهم که به شما بدهد.» آن‌گاه حضرت (علیه السلام) فرمود: «آیا من هم از خدایان شما چیزی بخواهم برای من می‌آورند؟»

در یک روز معین حضرت صالح (علیه السلام) و قومش کنار بت‌ها جمع شدند. حضرت صالح (علیه السلام) هرچه با بت‌های بی‌جان صحبت کرد، از آن‌ها جوابی نشنید. آن‌گاه روبه مردم قومش کرد و فرمود: «چرا این بت‌ها جواب مرا نمی‌دهند؟ این بت‌ها چگونه می‌توانند به شما کمک کنند و مشکلات شما را حل کنند؟» مردم ساده‌لوح که خیال می‌کردند خدایانشان صحبت می‌کنند به آن‌ها التماس کردند جواب صالح را بدهند، اما آن‌ها قدرت این کار را نداشتند، پس در برابر آن حضرت (علیه السلام) خجالت‌زده و شرم‌منده شدند. حضرت (علیه السلام) رو به قوم خود کرد و فرمود: «ای قوم! حالا از خدای من چه می‌خواهید؟» یکی از آن‌ها جواب داد و گفت: «ای صالح! حالا از خدایت بخواه تا برای ما یک شتر ماده سرخ‌رنگ از دل کوه بیرون بیاورد؟» حضرت (علیه السلام) به پای کوهی در آن نزدیکی رفت و به مناجات با خدا مشغول شد. مدتی نگذشت که کوه باز شد و از وسط آن شتری که آن‌ها خواسته بودند، بیرون آمد. شتری زیبا که چشم آن‌ها تا آن لحظه مثل آن را ندیده بود. بعضی از مردم با دیدن این اتفاق عجیب و معجزه خداوند به سجده افتادند و به خدای حضرت صالح (علیه السلام) ایمان آوردند و حرف‌های او را قبول کردند.

اما دشمنان که عقل درستی نداشتند و نادان بودند این کار حضرت صالح (علیه السلام) را نوعی جادو دانستند. بعد از آمدن این معجزه، خداوند به حضرت صالح (علیه السلام) وحی فرمود که به این قوم بگو آب را یک روز در اختیار این شتر بگذارند و روز دیگر خودشان استفاده کنند. صالح (علیه السلام) پیام خداوند را به آن‌ها ابلاغ کرد. این جریان تا مدتی ادامه داشت. شتر هم فقط روزی که نوبت خودش بود از آن آب استفاده می‌کرد.

دشمنان آن حضرت (علیه السلام) بین مردم شایع کردند که با این اوضاع اگر یک روز در میان آب به ما برسد، بعد از مدتی چهارپایان ما از گرسنگی و تشنگی خواهند مرد. از این رو دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند که این شتر را نابود



کنند. یک روز که نوبت آب شتر بود بعد از آب خوردن به او حمله کردند و او را کشتند. این خبر مهم در بین قوم حضرت صالح (علیه السلام) پیچید. همه به تماشای آن شتر کشته شده آمدند. حضرت صالح (علیه السلام) وقتی فهمید شتر را

کشته‌اند به میان مردم آمد. در حالی که بغض گلویش را گرفته بود به مردم گفت: «مگر به شما نگفته بودم این شتر را اذیت نکنید و گرنه دچار عذاب خواهید شد. حالا به خانه‌هایتان بروید و تا سه روز مهلت دارید که توبه کنید و به خدای یکتا ایمان بیاورید و گرنه عذاب خداوند سراغ شما خواهد آمد. در این هنگام نیز عده‌ای نادان او را مسخره کردند و گفتند عذاب کجا است؟ مهلت سه روزه به سر رسید، ولی آن قوم به گمراهی و جهالت خود ادامه دادند. وعده عذاب خدا فرا رسید. صاعقه‌ای وحشتناک از آسمان به سوی آن قوم آمد و همه را در خانه‌های خود چنان نیست و نابود کرد که گویی کسی در آن مکان زندگی نمی‌کرد. تنها حضرت صالح (علیه السلام) و پیروانش با عنایت خداوند جان سالم به در بردند و زندگی خود را همراه ایمان و اعتقاد به خدای یگانه با سلامتی ادامه دادند. این بود عاقبت قوم گمراهی که گوش به فرمان پیامبر خدا ندادند و خدا هم از آن‌ها انتقام گرفت و نابودشان کرد.<sup>۱</sup>

بچه‌ها آیا از این داستان قرآنی لذت بردید؟

حالا یک سؤال می‌کنم درس امروز ما با چه چیزی شروع شد؟<sup>۱</sup>

۱. یوسف دروگر، قصه‌های قرآن، یاس بهشت، تهران، چ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۲۶.

درس ما با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شد. حالا می خواهیم با یکی از قواعد روخوانی قرآن آشنا شویم. در کلمه «الرَّحْمَن» و «الرَّحِيم» ال نوشته شده است، اما خوانده نمی شود. با توجه به علامت فلش، ما قبل این دو حرف به ما بعد آن ها وصل می شوند.

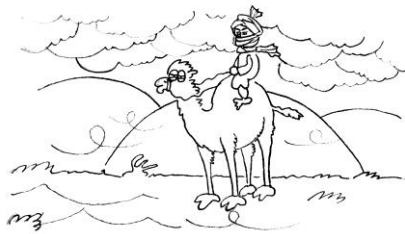
در این جا حرف «هـ» کلمه الله به حرف «ر» کلمه الرَّحْمَن می چسبد و با هم خوانده می شود. حرف ن هم در کلمه الرَّحْمَن به حرف «ر» در کلمه الرحيم می چسبد و خوانده می شود. حالا توجه کنید. **بسم الله الرحمن الرحيم** پس دو حرفی که دور آن ها خط کشیدیم، نوشته می شود ولی خوانده نمی شود. به آن ها حروف  $\text{و}$   $\text{و}$  می گویند. اگر این اعداد را به هم وصل کنیم چه کلمه ای به دست می آید؟ احسنت، ناخوانا.

ناخوانا

هم چنین در کلمه **والشمس**، ال خوانده نمی شود. پس **والشمس** خوانده می شود. البته تعداد حروف ناخوانا بیش تر می باشد که ان شاء الله در جلسه ی دیگری با بقیه آن ها آشنا خواهید شد. حالا تند و سریع جواب بدهید: در «الی الابل» چه حروفی خوانده نمی شود؟ دو حرف «ی» و «ا» خوانده نمی شود. کلمه ابل به معنای شتر است. شتر معجزه حضرت صالح (علیه السلام) بود.

در خلقت شتر عجایبی وجود دارد. در این درس می خواهیم از زندگی شتر بیش تر بدانیم به شرط این که تا پایان درس حواس تان جمع باشد و خوب گوش

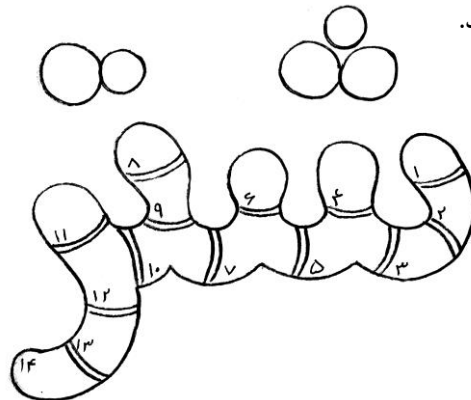
کنید. در این جا نظر شما را به چند خبر هواشناسی جلب می کنم. در حاشیه خزر هوا نیمه ابری در بعضی از مناطق همراه با بارش خفیف می باشد. در مناطق مرکزی هوا صاف است و پدیده خاصی نداریم.



در مناطق کویری، مانند استان سیستان و بلوچستان هوا طوفانی است و بادهای گرم و شنی همراه است.

بچه‌ها! در جاهایی که هوا طوفانی و همراه با گرد و غبار است، مثل منطقه سیستان و بلوچستان مردم چگونه رفت و آمد می‌کنند؟ می‌دانید در چنین مواقعی هواپیما نمی‌تواند پرواز کند. ماشین هم نمی‌تواند به راحتی رفت و آمد کند، چون راننده‌ها دید کافی ندارند. قطار هم راه مخصوص به خود دارد و نمی‌توان با آن به همه جا سفر کرد. پس در چنین مواقعی چه کار باید کرد؟

قبل از این که به سؤال پاسخ دهیم، جدولی داریم. ابتدا پیام جدول را پیدا می‌کنیم. بعد به سراغ جواب سؤال می‌رویم. برای پیدا کردن پیام جدول به این سؤال‌ها پاسخ دهید.



۱ - حضرت یوسف (علیه السلام) را در کجا انداختند؟ چاه (۱، ۲ و ۳)

۲- به کشته‌ی در راه خدا چه می‌گویند؟ شهید (۶، ۱۲، ۱۱، ۹)

۳- به کشورهای اروپایی استعمارگر در قدیم چه می‌گفتند؟

فرنگ (۵، ۸، ۱۰، ۴)

۴ - پیامبر قوم عاد چه نام داشت؟ هود (۱۳، ۷، ۱۴)

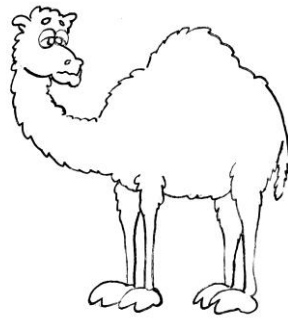
حالا حرف اول جدول را نوشته سه تا سه تا می‌شماریم تا پیام را به دست

آوریم.



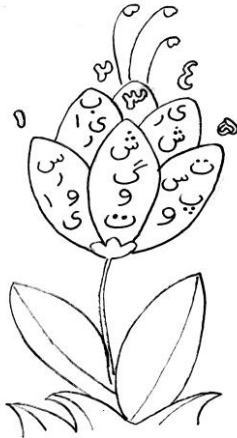
بله، پیام جدول این است: «چگونه آفریده شده؟» چه چیزی یا چه کسی چگونه آفریده شده است؟ حالا از دوستان می‌خواهم که آیه ۱۷ سوره غاشیه را تلاوت کند.<sup>۱</sup>

ترجمه این آیه را بخوانیم: «چرا به شتر نگاه نمی‌کنید که چگونه آفریده شده است؟» با توجه به آیه پاسخ سؤالمان را هم پیدا کردیم. وقتی هوا طوفانی و پر از گرد و غبار است و با هواپیما و ماشین نمی‌توانیم جایی برویم، با چه وسیله‌ای حرکت می‌کنیم؟ درود بر شما، با شتر. چرا؟ چون خلقت شتر به گونه‌ای است که خداوند هم به ما گفته است که چرا به آن نگاه نمی‌کنید! حالا ببینیم که شتر چگونه آفریده شده است.



شتر در گرد و غبار می‌تواند چشم خود را ببندد و حرکت کند، چون پلک اضافه دارد. در گرد و غبار می‌تواند به راحتی نفس بکشد، چون خداوند راه تنفس<sup>۱</sup> او را طوری قرار داده است که مانع ورود گرد و غبار می‌شود. در بیابان‌ها و شنزارها که شن‌ها به واسطه باد تند حرکت می‌کنند و به علت نرم بودن، راه رفتن روی آن‌ها مشکل است، شتر می‌تواند راه برود، چون دارای پاهای پهن<sup>۱</sup> می‌باشد. داخل گوش‌های وی گرد و غبار نمی‌رود، چون دارای گوش‌های بلند<sup>۱</sup> است. این نمونه‌ای عجیب از آفریده‌های خالق بی‌همتا است. اگر دوست دارید با فواید شتر بیشتر آشنا شوید به حروف داخل گلیبرگ‌های این گل می‌زنیم.

۱. مربی در صورت امکان از دانش‌آموز خوش صدایی بخواهد این آیه را تلاوت کند.



- ۱ - سواری
- ۲ - باری
- ۳ - گوشت
- ۴ - شیر
- ۵ - پوست.

این موارد در غذا و لباس و امکانات زندگی انسان به ویژه زمان‌های سابق نقش مهمی داشته‌اند. بچه‌هایی که به ریاضی علاقه دارند به ما بگویند که اگر یک نفر از ساعت ۴ صبح که اذان صبح است تا ساعت ۸ عصر که اذان مغرب می‌باشد روزه بگیرد، یعنی چیزی نخورد و نیشامد، چند ساعت طول می‌کشد؟ بله، ۱۶ ساعت.

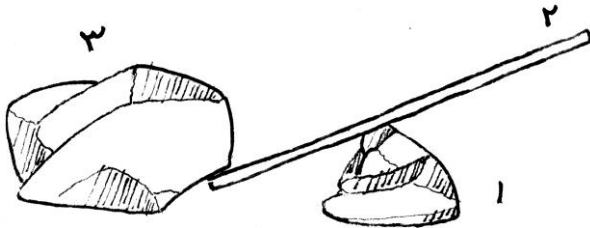
حالا توجه کنید که شتر می‌تواند تا ۱۰ شبانه‌روز آب و غذا نخورد. حساب کنید چند ساعت می‌شود؟ می‌گوییم هر شبانه‌روز ۲۴ ساعت است. ۱۰ شبانه‌روز ۲۴۰ ساعت می‌شود. ( $10 \times 24 = 240$ )

یعنی شتر می‌تواند تا ۲۴۰ ساعت مقاومت کند و آب و غذا نخورد. خیلی سریع جواب دهید شتر چند برابر انسان می‌تواند مقاومت کند؟ بله، ۱۵ برابر انسان. یک شتر ۱۵ برابر انسان تحمل تشنگی و گرسنگی دارد. آفرین بر آفریننده دانا و توانا، خالق زمین و آسمان، خالق دریا و صحرا، خالق این همه موجود زیبا.<sup>۱</sup>

در این قسمت از برنامه سری به کتاب علوم می‌زنیم. از خدا هم می‌خواهیم به حق امام محمدباقر (علیه السلام) علم ما را زیادتر کند. سه مرتبه با هم می‌گوییم:  
«یا محمد بن علی (علیه السلام)»

۱. مربی تلاش کند بازی با ریاضی را روی تابلو انجام دهد تا ذهن بچه‌ها فعال شود.

یک سؤال: در قدیم اجسام سنگین را چگونه جابه‌جا می‌کردند؟  
حالا به این شکل نگاه کنید و حدس بزنید.



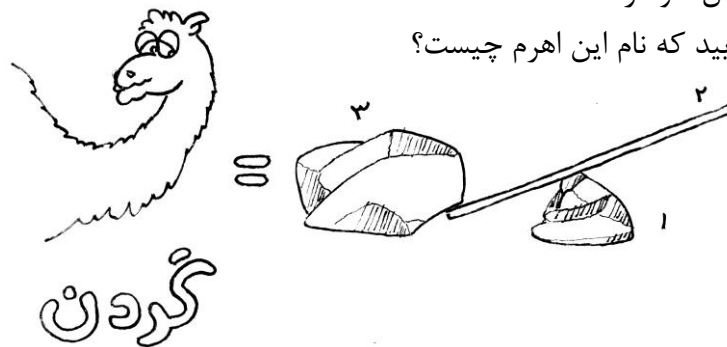
\* جسم شماره (۱) تکیه‌گاه است.

\* جسم شماره (۲) اهرم است.

\* جسم شماره (۳) یک سنگ بزرگ است.

در چنین مواردی انسان‌ها با دست خود قادر به بلند کردن اجسام سنگین نیستند، اما بدانید خالق جهان که خالق بشر هم هست. در وجود شتر یک اهرم بسیار قوی قرار داده است. از آن‌جا که شتر را در حال خوابیده بار می‌کنند این اهرم می‌تواند به شتر کمک کند تا شتر با بارش به راحتی از زمین بلند شود و در حال حرکت تعادل خود را حفظ کند.<sup>۱</sup>

حالا شما بگویید که نام این اهرم چیست؟



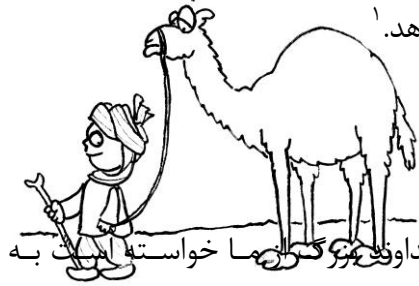
بله، آن اهرم **گردن دراز شتر** است که از جلوی بدن خود به عنوان تکیه‌گاه استفاده می‌کند و به راحتی از زمین با بارش بلند می‌شود. در این قسمت از برنامه سراغ کتاب فارسی می‌رویم.

۱. سیدرضا صدر، نشانه‌هایی از او، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چ سوم، ۱۳۷۹، ص ۲۹۹.

«م» چندمین حرف الفبای فارسی است؟ بله، بیست و هشتمین حرف الفبای فارسی است. اگر به اوّل آن یک «الف» اضافه کنیم، چه می‌شود: «ام»؛ «ام» در عربی به معنای مادر است. اگر حرف «ر» به اوّل «ام» اضافه کنیم، چه می‌شود؟

رام

از عجایب خلقت شتر این است که با وجود هیكل قوی و قدرتمندش از رام‌ترین حیوانات است به طوری که یک کودک خردسال می‌تواند مهار شتر را در دست بگیرد و به هر جا که بخواهد حرکت دهد.<sup>۱</sup>



خب بچه‌ها! پس حالا فهمیدید که چرا خداوند بزرگوار ما خواسته است به خلقت شتر توجه کنیم؛ حیوانی بزرگ، اما رام که این همه فایده دارد. ما نیز باید از خداوند متعال برای این همه نعمت تشکر کنیم. بهترین تشکر از خدا هم این است که از نعمت‌هایش درست استفاده کنیم.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۲۹ و ۴۷۹.

پرسش‌ها:

۱ - کدام یک از حروف زیر جزء حروف ناخوانا هستند؟

الف) ف، و، ه

ب) الف، و، ی

ج) چ، م، ن

۲ - کدام یک از صفات زیر جزء صفات شتر است؟

الف) گوشت‌خواری

ب) رام بودن

ج) پرواز کردن

۳ - چرا شتر می‌تواند هنگام گرد و غبار جلوی چشم خود را ببیند؟

الف) چون دو پلک دارد

ب) چون چشم‌هایش را می‌بندد

ج) چون می‌تواند راه را تشخیص دهد

۴ - کدام پیامبر معجزه‌اش شتر بود؟

الف) هود (علیه السلام)

ب) یوسف (علیه السلام)

ج) صالح (علیه السلام)

اخلاق





### آینه



بار الها دوست می‌دارم تو را ای تو با جان و دل من آشنا  
ای خدای بی‌شریک و بی‌قرین در میان دوستانم بهترین  
با سلام خدمت دوستان خوب! برنامه را با چند سؤال قرآنی آغاز می‌کنیم.  
۱. قرآن در کدام شب بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شده است؟

قدر

کوثر

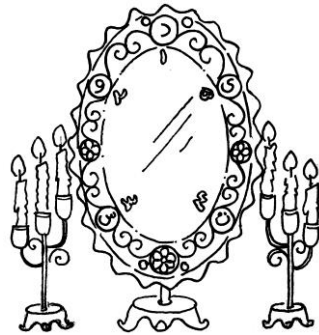
یس

فتح

لیل

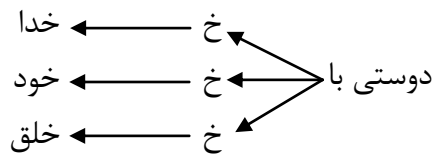
۲. کدام سوره در شأن حضرت زهرا (س) نازل گردید؟  
۳. کدام سوره به قلب قرآن معروف است؟  
۴. کدام سوره به معنای پیروزی است؟  
۵. کدام سوره به معنای شب است؟  
حرف دوّم جواب‌ها را به ترتیب شماره در گل‌های اطراف آینه قرار دهید تا پیام  
را به دست آورید.





آری! پیام کلمه «دوستی» است.

حالا بگویید که چند نوع دوستی داریم؟



**دوستی با خدا:** بهترین و ارزشمندترین دوستی‌ها ارتباط انسان با خدای خویش است که از او در کارها کمک بگیرد و مشکلات خود را با کمک او حل کند.

**دوستی با خود:** هر انسانی خودش را دوست دارد و تلاش می‌کند تا نیازهای خود را انجام دهد و خود را از بلاها و خطرهای دور کند.

**دوستی با خلق:** این نوع دوستی انواع مختلفی دارد. از دوستان می‌خواهیم که چند نفر تشریف بیاورند و خود را در آینه نگاه کنند و به چند سؤال پاسخ بدهند.<sup>۱</sup> اما شما هر روز قبل از بیرون رفتن از منزل به آینه نگاه می‌کنید؟

اکنون می‌خواهیم درباره آینه بیش‌تر بدانیم.

۱. آیا عیب را بدون سر و صدا می‌گوید؟

---

۱. مرتبی یک آینه تهیه نماید تا درس را با آن شروع کند. اگر تعداد دانش آموزان کم بود اجازه دهد خودش را در آینه نگاه کنند.

۲. آیا عیب شما را به دیگران هم می‌گویید؟

۳. آیا عیب دیگران را به شما نشان می‌دهد؟

۴. آیا عیب شما را بیش‌تر از اندازه‌ای که هست، نشان می‌دهد؟

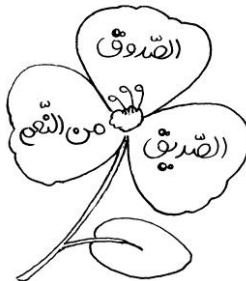
۵. آیا اگر عیبی را برطرف کردید، دوباره همان را نشان می‌دهد؟

آینه دوست ساکت و خاموش است و عیب شما را به خود شما بدون سر و صدا به خوبی نشان می‌دهد. اگر به این سؤال‌ها خوب توجه کنید خیلی چیزها را می‌توانید بفهمید.

بعضی دوستان هم مانند این آینه هستند. به دوست خود **احترام** می‌گذارند. **آبروی** آن‌ها را نزد دیگران نمی‌برند **عیب‌ها**ی دوست خود را صادقانه می‌گویند. پشت سر وی **غیبت** نمی‌کنند. هر جا لازم باشد او را **راهنمایی** می‌کنند. با صداقت با دوست خود رفتار می‌کنند. خداوند هم افراد پاک و معصومی را که هزاران مرتبه از آینه باارزش‌تر هستند برای هدایت مسلمانان فرستاد. حالا تند و سریع بگویید تعداد آن‌ها چند نفر است؟ آفرین، ۱۴ نفر. حضرت علی (علیه السلام) یکی از این چهارده نفر می‌باشد که حرف‌های زیبای خداوند را مانند آینه صاف و صادق به دوستان و شیعیان خود فرموده است.

حالا اگر مایل هستید که از این امام مهربان بیش‌تر بشنوید سه مرتبه با صدای بلند «یا علی مدد» بگویید تا کلامی زیبا از آن حضرت را برای شما بیان کنم.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:



مِنَ النَّعْمِ الصِّدِّيقِ الصَّدُوقِ: از نعمت‌های خداوند داشتن دوست راستگو است.<sup>۱</sup>  
راستی! چگونه دوست راستگو برای انسان نعمت است؟<sup>۲</sup>  
یکی از اعضای مهم و با ارزش، دست انسان است. خیلی از کارها به وسیله دست انجام می‌گیرد. اگر دست کسی قطع شود، بعضی از کارها را مانند غذا خوردن به تنهایی نمی‌تواند انجام بدهد. دوست خوب، مانند دست انسان است که از دست دادن وی، مانند از دست دادن یک عضو با ارزش است.<sup>۳</sup>  
حالا که دوست آینه را به خوبی شناختید، یک لطیفه

درباره آینه بشنوید:



دیوانه‌ای از راهی می‌گذشت. در بین راه یک آینه پیدا کرد. به آن نگاه کرد و عکس خود را در آن دید. گفت: «بیخشید نمی‌دانستم مال شماست.» آن را به زمین گذاشت و به راه خود ادامه داد.  
ان شاء الله قلبتان مثل آینه صاف و روشن باشد.  
صلواتی بفرستید تا سراغ ادامه برنامه برویم.

حالا نام یک پرنده را بگویید که: در باغ‌ها و گلستان زندگی می‌کند. از تاریکی بیزار است. فداکار است. به نور علاقه فراوانی دارد. نام او در این ضرب المثل آمده است. شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند.<sup>۴</sup>

است. پروانه

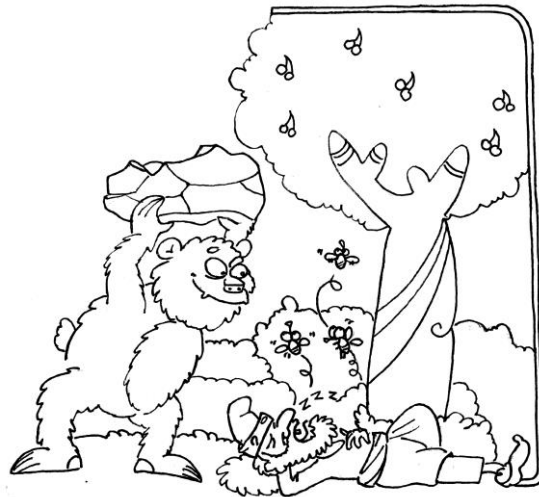
آفرین! نام او

بله! برخی از انسان‌ها هم مثل پروانه‌ها هستند. به نظر شما دوستی با این افراد خوب است؟

۱. صادق احسان‌بخش، آثار الصادقین، ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، تهران، ۱۳۶۹، ج اول، ج ۱۰، ص ۵۱۸.  
۲. مرتبی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود، سپس چنین ادامه می‌دهد.  
۳. علی (علیه السلام) می‌فرماید: مَنْ فَقَدَ إِخَاهُ فِي اللَّهِ فَكَأَنَّمَا فَقَدَ أَشْرَفَ أَعْضَائِهِ. «غرر الحکم، ص ۹۲، ج ۷۲۳».  
۴. ده هزار ضرب المثل فارسی، ابراهیم شکوزاده، چاپ آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۸۵

در این قسمت از برنامه با همکاری دو نفر از دوستان شما یک نمایش اجرا

می‌کنیم.<sup>۱</sup>



روزی بود و روزگاری بود. پیرمرد دهقانی که عمر خود را در کار کشاورزی و باغبانی گذرانده بود، باغی در خارج از شهر خریده بود. چون در آن منطقه غریب بود، لذا به تنهایی در آن باغ زندگی می‌کرد.

یک روز از تنهایی حوصله‌اش سر رفته بود، تصمیم گرفت تا از باغ بیرون برود و هم‌صحبتی پیدا کند و دلش باز شود. از باغ بیرون رفت. رفت و رفت تا به نزدیکی کوهی رسید. از قضا خرس پیر و پشمالویی که در کوه زندگی می‌کرد از تنهایی دلش گرفته بود. از کوه پایین آمده بود تا شاید همنشینی پیدا کند. در بین راه پیرمرد با این خرس برخورد می‌کند و گوشه‌ای می‌نشیند و با هم از زندگی همدیگر تعریف می‌کنند. همان‌جا با هم دوست می‌شوند. باغبان پیر که تنها زندگی می‌کرد به خرس گفت: «من باغی پر از میوه‌های مختلف دارم، اگر شما بخواهید می‌توانید آن‌جا بیایید و با هم زندگی کنیم.» خرس پذیرفت و با هم به

۱. مرتبی با دو نفر از دانش‌آموزان از قبل هماهنگی به عمل بیاورد، یکی در نقش خرس و دیگری در نقش باغبان. همچنین قبل از کلاس نمایش تمرین شود. به جای سنگ از بادکنک یا چیز سبک استفاده شود.

باغ رفتند و زندگی خود را در کنار هم ادامه دادند. از این‌که باغبان همه چیز را در اختیار خرس قرار داده بود، خرس هم تصمیم گرفت که هر کاری باغبان دارد برایش انجام دهد و از جان او محافظت کند.

باغبان در زیر سایه درختی خوابید. خرس بالای سر او ایستاد. با باد بزن سر و صورت باغبان را باد می‌زد. چند مگس روی سر و صورت پیرمرد نشسته بودند. خرس تلاش می‌کند آن‌ها را دور کند. می‌بیند فایده‌ای ندارد و آن‌ها دست‌بردار نیستند. عصبانی می‌شود و می‌گوید که الان بلایی بر سر شما بیاورم که دیگر ارباب عزیز مرا اذیت نکنید. خرس گوشه باغ می‌رود. سنگ بزرگی برمی‌دارد. آن را روی دست‌هایش بلند می‌کند. مگس‌هایی را که روی سر و صورت دهقان نشسته بودند، نشانه می‌گیرد. سنگ را محکم به سمت مگس‌ها پرت می‌کند. البته مگس‌ها پرواز کردند، ولی سر و کله دهقان خرد و خمیر شد و پیرمرد جان خود را در راه دوستی با خرس از دست داد. خرس می‌خواست به باغبان کمک کند، اما چون نادان بود به قصد نیکی کردن، دوست خود را هلاک نمود.<sup>۱</sup>

با تشکر از این دو دوست که نمایش را اجرا کردند. حالا از شما یک سؤال می‌پرسم. دوستی با افراد نادان خوب است، یا بد؟ مواظب باشید که با افراد نادان دوست نشوید که پایان تلخی دارد.<sup>۲</sup>

بچه‌ها یک نفس عمیق عمیق عمیق بکشید. تا این‌جا با سه گروه از دوستان آشنا شدید. آن‌ها چه کسانی بودند؟ آینه‌ای، پروانه‌ای، خرسی.

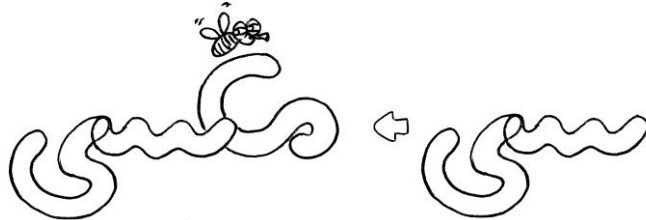
در این قسمت سراغ گروه چهارم می‌رویم. به تابلو توجه کنید تا ببینیم کدامیک زودتر این کلمه را تشخیص می‌دهید.

---

۱. مهدی آذر یزدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶، چ یازدهم، ج اول، ص ۱۰۳.

(گزیده‌ای از داستان)

۲. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «دوستی با نادان شیرین نیست.» غررالحکم، ص ۸۳۷.



امان از این مگس! <sup>۱</sup> چند لحظه پیش موجب هلاکت دهقان شد. حالا هم دست بردار نیست. بچه‌ها از شما سؤال می‌کنم.



۱. مگس در کجا زندگی می‌کند؟

۲. آیا مگس می‌تواند موجب بعضی بیماری‌ها شود؟

بله بچه‌ها! بعضی از دوستان مانند این مگس‌ها هستند، یعنی چیزی جز رنج و درد نمی‌توانند داشته باشند این‌ها به فکر پر کردن شکم خودشان هستند، نه به فکر ما. شما دوستان خوب تند و سریع بگویید با این دوستان مگسی دوست بشویم، یا نه؟ هرگز هرگز هرگز

تا این‌جا با چند گروه از دوستان آشنا شدید. باید دقت کنید هر کس به سراغ شما آمد، پیوند دوستی نبندید. تلاش کنید دوستان خوبی مانند دوستان آینه‌ای انتخاب کنید. باید در انتخاب دوست خوب دقت کنید چون پشیمانی سودی برای شما ندارد. مانند افرادی نباشید که قرآن درباره آن‌ها می‌گوید: «وای بر من! ای کاش با فلانی دوست نمی‌شدم.»<sup>۲</sup> در پایان شعری تقدیم شما می‌کنم و از خداوند بزرگ می‌خواهم که ما را در انتخاب دوست خوب یاری نماید.

<sup>۱</sup> مرتبی در صورت امکان با خط فانتزی بنویسد در غیر اینصورت می‌تواند با حرکات دست یک مگس را از خود دور کند.

<sup>۲</sup> فرقان، ۲۸: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا».

دوست دارم خوب باشم  
صاف و ساده مثل آب  
مثل خورشیدی که دارد  
نور گرم آفتاب  
دوست دارم توی قلبم  
گل بکارم مثل باغ  
باغی از صدها پرنده  
از قناری تا کلاغ  
دوست دارم دوست باشم  
با خدای مهربان  
دستها را بگیرم  
رو به سوی آسمان<sup>۱</sup>

اکنون دست‌ها را بلند می‌کنیم و دعای سلامتی امام زمان (عج) را با هم  
می‌خوانیم:

اللهم کن لولیک الحجّة بن الحسن...

---

<sup>۱</sup>. عزیزالله ابراهیمی، نغمه‌های کودک دینی، عصمت قم، چ ۲، سال ۸۷.

پرسش‌ها:

۱. دوست خوب مانند چیست؟

الف. آب

ب. گُل

ج. آینه

۲. دوست پروانه‌ای در چه زمانی کنار دوست خود حاضر است؟

الف. خوشی‌ها

ب. ناراحتی‌ها

ج. هیچ‌وقت

۳. این حدیث «از نعمت‌های خداوند داشتن دوست راستگو است» از کیست؟

الف. علی (علیه السلام)

ب. پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ج. امام باقر (علیه السلام)

۴. دوستی خرسی چه عیبی دارد؟

الف. زیرک

ب. نادان

ج. دروغگو





## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### تشکر

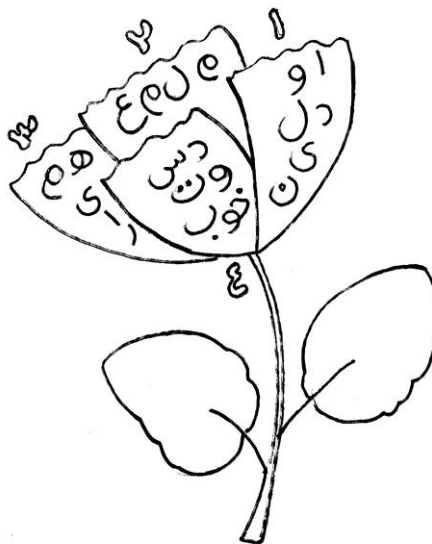


به نام خداوند آب و خداوند رنگ خداوند پروانه‌های قشنگ

بچه‌های خوب سلام! امیدوارم که خوب و خوش و سرحال باشید. امروز یک درس شیرین برای شما داریم. این کلمه را بخوانید، ولی نخورید. شکر. چی؟ شکر! آفرین بر شما! شکر شیرین است و آن را در چای می‌ریزند و هنگام صبحانه می‌نوشند. با آن شربت خوشمزه درست می‌کنند، اما بعضی وقت‌ها شیرینی با شکر نیست! به طور نمونه اگر کسی به شما هدیه یا خبر خوشی بدهد شما هم خیلی خوشحال می‌شوید و انگار وجودتان شیرین می‌شود. آن وقت شما چه کار می‌کنید؟ درود بر شما بچه‌های فهمیده! ت + شکر = تشکر می‌کنید.

شکر می‌کنم خدا	هر جا فقط تو را
مهربان‌تر از همه	ای امید قلب ما
ای کوه آفریده‌ای	ابر و باد و آسمان
آفریده‌ی تو هست	این جهان و آن جهان
می‌روم به راه راست	راه نور و روشنی
دور و گم نمی‌شوم	چون همیشه با منی <sup>۱</sup>

بچه‌ها! خدا به ما نعمت‌های فراوان داده است. من چند تا از این نعمت‌ها را داخل گل‌برگ‌های این گل زیبا نوشته‌ام، شما آن‌ها را پیدا کنید و بگویید. بله واژه‌های<sup>۲</sup>:



یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند، والدین هستند. بچه‌ها ما باید از پدر و مادرمان تشکر کنیم. چرا؟ مگر آن‌ها چه کار می‌کنند؟  
بله بچه‌های مهربان! همان‌طور که خودتان هم گفتید تمام زحمات‌های ما به دوش پدر و مادرانمان است. حالا ما چگونه از آن‌ها تشکر کنیم؟ آفرین، یکی از

۱. کبری هاشمی، آموزش قرآن اول ابتدایی، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۷.  
۲. واژه‌های مورد نظر به ترتیب عبارتند از ۱. والدین ۲. معلم ۳. همیار ۴. دوست خوب.

راه‌های تشکر این است که هر وقت کاری برایمان انجام می‌دهند، به آن‌ها بگوییم ممنون!

به طور نمونه وقتی مادرمان غذا درست می‌کند یا لباسمان را می‌شوید از او تشکر کنیم یا زمانی که پدرمان خسته از سر کار برمی‌گردد یا برایمان چیزی می‌خرد از او تشکر کنیم. اما بچه‌ها یک‌جور دیگر هم می‌شود از آن‌ها تشکر کرد. اگر گفتید چطوری؟ درود بر شما! ما با کارهای خوبمان هم می‌توانیم از آن‌ها تشکر کنیم. چگونه؟ آفرین، به مادرمان در کارهای خانه کمک کنیم، یا اگر پدرمان وسیله‌ای خریده است از آن خوب نگهداری کنیم. پس می‌توانیم هم با زبان و هم با کار خوبمان از دیگران تشکر کنیم. حالا به این داستان زیبا گوش کنید:

روزی اسب امام صادق (علیه السلام) گم می‌شود. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر اسبم پیدا شود، حق شکر خداوند را به‌جا می‌آورم.» بعد از گذشت مدتی اسب امام (علیه السلام) پیدا می‌شود. حضرت (علیه السلام) می‌فرماید: «الحمد لله.» یکی از یاران امام (علیه السلام) که از اوّل شاهد قضیه بود، گفت: «ای پسر رسول خدا! شما فرمودی که حق شکر را به‌جا می‌آورم. پس چه شد؟» حضرت (علیه السلام) فرمود: «شکر همان الحمد لله گفتن است.»<sup>۱</sup>

خوب بچه‌ها! دوّمین گروهی که باید از آنان تشکر کنیم چه کسانی هستند؟  
بله، معلم. چرا؟

احسنت بر شما دانش‌آموزان کوشا! چون اگر معلم نبود، دانش و دانشمند و کتاب هم نبود. این همه پیشرفت علمی هم نبود. پس از معلم هم باید تشکر کنیم. همچنین با خوب درس خواندن و رعایت انضباط در کلاس نیز می‌توان از معلم تشکر کرد. یکی دیگر از کسانی که باید از آن‌ها تشکر کنیم چه کسانی هستند؟ آفرین، همیار. همیاران پلیس را که همه می‌شناسید. شاید خود شما هم

۱. محمدحسین عادل‌پور، معماها و نکته‌ها، پیام عترت، اصفهان، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۸۷.

همیار پلیس باشید. ما می‌توانیم در کارهای نیک هم همیار خوبی برای یکدیگر باشیم. مثل چی؟

بله، ما می‌توانیم همیار...؟ بله، همیار **درسی** باشیم و به هم در خواندن درس کمک کنیم. می‌توانیم همیار اتوبوسی باشیم. یعنی چه بچه‌ها؟ درود بر شما! یعنی جایمان را به یک **پیرمرد** پیرزن یا مریضی بدهیم. می‌توانیم همیار **همسایه** باشیم. یعنی چه؟ یعنی اگر همسایه‌ی ما پیر و تنه‌است به او کمک کنیم، برایش خرید کنیم و...

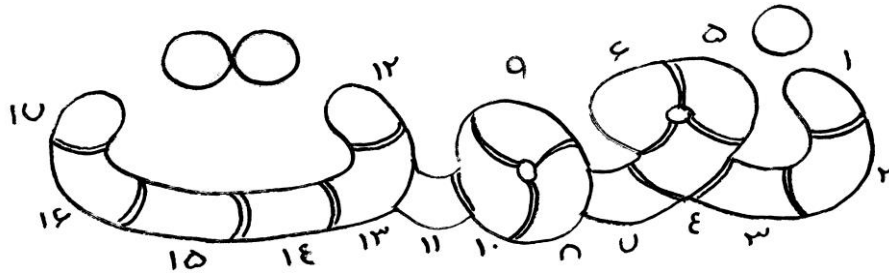
حالا اگر کسی به ما در کاری مثل درس خواندن کمک کرد، او به گردن ما حق دارد و ما باید از او تشکر کنیم. هم با زبان و هم با کار خوبمان. به طور نمونه ما هم در کار دیگری به او کمک کنیم یا، بله **هدی** به او بدهیم. حالا به سراغ گروه چهارم می‌رویم. راز چهارم گل ما چه بود؟ بله، دوست خوب. یکی دیگر از کسانی باید از او تشکر کنیم، دوست خوب است. دوست خوب چه کسی است؟<sup>۱</sup>

درود بر شما دوستان خوب! دوست خوب کسی است که از خوشحالی ما خوشحال و از ناراحتی ما ناراحت شود. اگر نیاز به کمک داشتیم، کمک‌مان کند. اگر کار بدی از ما دید به آرامی و در خلوت تذکر دهد و آبروی ما را نبرد. همیشه ما را به کارهای خوب، مثل ... جماعت تشویق کند. مثل چی؟ ماشاالله و مرحبا بر شما دانش‌آموزان باصفا! مثل نماز جماعت. البته خود ما هم باید دوستان خوبی برای دوستانمان باشیم و از خوبی‌های آن‌ها تشکر کنیم.

اگر گفتید که این نعمت‌ها را چه کسی به ما داده است؟ مرحبا بر شما. خدا! خالق همه‌ی این نعمت‌ها خدای مهربان است و ما باید برای این همه نعمت، پدر و مادر، معلم، دوست خوب، عقل و هوش و... از او تشکر کنیم. حالا ببینیم اگر از خدا تشکر کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟

۱. مربی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود، سپس مطلب را ادامه می‌دهد.

به پرسش‌ها پاسخ دهید تا جدول را پر کنیم. بعد پیام آن را به دست آوریم.



- ۱ - خدا در قرآن به ما دستور داده است که به پدر و مادر چه نگوییم؟  
أف (۱ و ۶)
  - ۲ - چه چیزی برای خبر کردن در خانه و مدرسه به کار می‌رود؟  
زنگ (۴، ۵، ۹)
  - ۳ - سرمایه جاودانی چیست؟  
کار (۲، ۳، ۷)
  - ۴ - کدام کلمه به معنی خوشحالی است که در جشن نیکوکاری آن را تقسیم می‌کنند؟  
شادی (۸، ۱۱، ۱۲، ۱۰)
  - ۵ - کدام سوره به نام یکی از زنان می‌باشد؟  
مریم<sup>۱</sup> (۱۴، ۱۶ و ۱۵)
  - ۶ - اولین عدد چیست؟  
یک (۱۳ و ۱۷)
- حالا خانه‌های جدول را سه تا سه تا می‌شماریم تا پیام آن را به دست آوریم. بله، پیام این است: «اگر شکر کنید می‌افزایم.» بچه‌ها! خداوند چه چیزی را می‌افزاید؟ بله، نعمت را. خداوند می‌فرماید: که اگر شکر نعمت‌هایی را که داده است بکنیم، نعمت‌هایش را زیاد می‌کند یا آن‌ها را از ما نمی‌گیرد. چه کسی می‌خواهد در مسابقه ما شرکت کند؟ بله، همه مسابقه را دوست دارند. حالا من چند نفر از شما بچه‌های پرتلاش را که از اول کلاس فعال بودید و به سؤال‌ها جواب دادید را انتخاب می‌کنم.<sup>۲</sup>

۱. دو حرف (بیم) در خانه‌ی ۱۵ قرار می‌گیرد.

۲. مربی دو گروه دونفره تشکیل می‌دهد.

بچه‌ها! من به هر گروه دو عدد کارت می‌دهم که روی آن‌ها حروف پراکنده نوشته شده است. مرحله اول مسابقه این است که گروه‌ها حروف به هم ریخته را پیدا کنند و آن کلمه را سریع بگویند. هر گروهی که زودتر کلمه‌های مربوط به خودش را پیدا کرد، ۱۰ امتیاز و گروه دوم ۵ امتیاز دریافت می‌کند.

کارت‌های مربوط به گروه اول

ر پ س ا ت ر	ل پ ی س
-------------	---------

کارت‌های مربوط به گروه دوم

ا ن آ ت ش ن	ر ت گ ف ر
-------------	-----------

آفرین بر این گروه‌های پر تلاش! کلمه‌های کارت‌ها «پلیس، پرستار، رفتگر و آتش‌نشان» بود.

حالا به مرحله دوم مسابقه می‌رسیم. من روی تخته چهار کلمه در هم می‌نویسم. هر گروه باید واژه‌های مربوط به گروه خودش را پیدا کند و ربط آن‌ها را با کلمه‌های روی کارت بگوید.

کلمه‌های مربوط به گروه اول:

ب م ی ا ر ت ا ن س	ه چ ا ر ا ه ر
-------------------	---------------

کلمه‌های مربوط به گروه دوم:

ظ ن ف ا ت	خ ت و س ن
-----------	-----------

واژه‌های گروه اول، چهار راه و بیمارستان و واژه‌های گروه دوم سوختن و نظافت است.

حالا هر گروه ارتباط کلمه‌های خودش را با کلمه‌های روی کارت بگوید.  
اگر پلیس وظیفه‌شناس نباشد، در خیابان‌ها و سر چهارراه‌ها چه اتفاقی می‌افتد؟<sup>۱</sup>

اگر پرستار مهربان نباشد، مریض در بیمارستان چه می‌شود؟  
اگر رفتگر خوب و زحمتکش نباشد چه اتفاقی برای ما و شهرمان می‌افتد؟

۱. مربی پاسخ دانش‌آموزان را بشنود، سپس آن‌ها را تکمیل کند.

تشکر..... ۱۳۷

درود بر شما بچه‌های قدردان! حالا ما چطوری باید از این انسان‌ها که موجب آرامش و امنیت ما می‌شوند، تشکر کنیم؟

بله! همان‌طور که گفتیم ما می‌توانیم هم با زبان و هم با کارمان از این عزیزان تشکر کنیم. به طور نمونه در خیابان و کوچه آشغال نریزیم. قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کنیم. تلاش کنیم مریض نشویم و اگر مریض شدیم با پرستار مهربان همکاری کنیم تا زودتر خوب شویم. دست به کارهای خطرناک نزنیم، مثل بعضی از بچه‌های بد که چهارشنبه سوری ترقه‌بازی می‌کنند و موجب آتش‌سوزی می‌شوند، کاری نکنیم که آتش‌نشانان عزیز به زحمت بیفتند و نگران شوند. در پایان باز هم از خدای مهربان تشکر می‌کنیم. چرا؟

من تشکر می‌کنم از خالقم      که مرا پاک و مسلمان آفرید  
در دل من کاشته مهر و امید      در دلم خورشید تابان آفرید



پرسش‌ها:

۱- امام صادق (علیه السلام) کامل‌ترین و بهترین راه ادای شکر را در گفتن چه

جمله‌ای می‌داند؟

الف. گفتن الحمد لله

ب. سبحان الله

شکراً لله

۲- نعمت‌های خدا چگونه زیاد می‌شوند؟

الف. دوستی با نیکان

شکر گذاری کردن

ج. با مبارزه با کافران

۳- از چه کسانی تشکر کنیم؟

الف. پدر و مادر، پلیس، معلم، پرستار

ب. رفتگر، آتش نشانی، پزشک و نانوا

ج. مورد الف و ب

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### یار مهربان



با سلام خدمت شما دانش‌آموزان خوب و موفق! در ابتدای جلسه یک شعر زیبا می‌خوانم. حواستان را جمع کنید که چند پرسش بعد از خواندن این شعر خواهیم پرسید. با سه مرتبه گفتن «یا مهدی (عج)» سراغ شعر می‌رویم.

ما کودکانیم	شیرین زبانیم
تنها و با هم	کتاب می‌خوانیم
ما در دبستان	شادیم و خندان
ون گُل کوه دارد	جا در گلستان
خوبیم و باهوش	حرف می‌کنیم گوش
نمی‌کنیم هیچ	خیبری فراموش
گفتار ما خوب	کردار ما خوب
با هر کسی هست	رفتار ما خوب <sup>۱</sup>

۱. عزیزالله هاشمی، نغمه‌های دینی کودکان، انتشارات عصمت قم، چ اول ۱۳۸۲، ص ۸۸.

حالا نوبت سؤال هاست.

کتاب

۱ - تنها و با هم چه می خوانیم؟

۲ - واجد چه ویژگی های خوبی باید باشیم؟

گفتار خوب، کردار خوب، رفتار خوب

باغ و گلستان

۳ - دبستان مانند چیست؟

بله دوستان! هر انسان نمونه باید خوب سخن بگوید، کار خوب انجام دهد و با مردم مهربان و صمیمی باشد. حالا می خواهیم شما را با یک یار مهربان و صمیمی آشنا کنم. آن یاری که همه دانشمندان دنیا او را دوست دارند و به او عشق می ورزند. حالا بگویید آن یار مهربان چیست؟ کتاب

بچه ها<sup>۱</sup> معذرت می خواهم دفتر از دستم رها شد.



آری با افتادن دفتر از دستم به یاد یک دانشمند معروف افتادم که یک روز زیر درخت سیبی نشسته بود. یک دانه سیب از درخت جدا شد و به زمین افتاد. در فکر فرو رفت که چرا سیب به طرف بالا نرفت، چرا در آسمان نماند. بالاخره چرا به طرف پایین آمد و مدت های زیادی این سؤال فکرش را مشغول کرده بود، مثل شخصی که دنبال گمشده ی خود بگردد، یا گرسنه ای که دنبال غذا

بگردد، به مطالعه و تحقیق در این مورد پرداخت و نتیجه مطالعات و پرس و جوی این دانشمند این شد که قانون جاذبه زمین را کشف کرد، یعنی نیرویی در زمین وجود دارد که اشیا را به طرف خود می کشاند.

---

۱. مربی دفتری را از روی میز بردارد و به بچه ها نشان دهد. در حین صحبت کردن دفتر را آرام آرام رها کند تا به زمین بیفتد.

شما هم پرسش‌های زیادی در ذهن خود دارید که اگر بخواهید به جواب آن‌ها برسید باید مطالعه کنید. کتاب‌های مفید و سودمندی را بخوانید تا به جواب سؤال‌هایی که در ذهنتان است، دست پیدا کنید. پس اگر از شما سؤال شد که چرا مطالعه می‌کنید، خواهید گفت که می‌خواهم به جواب پرسش‌هایم برسم. نکته جالب این‌که کلمه خواندن در کتاب عزیز ما، قرآن آمده است. آن‌جا که خدای مهربان به رسول گرامی خود (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید.»<sup>۱</sup> با خواندن کتاب خوب می‌توانیم با دنیای اطراف خود آشنا شویم. با مطالعه جدی می‌توانیم دانا و دانشمند شویم و به زندگی خود و دیگر هم‌نوعان خدمت کنیم.

بچه‌ها بدانید که دانشمندان امروز، دکترها، مهندسان، مخترعان، قاره‌پیمایان، ستاره‌شناسان، زمین‌شناسان، گیاه‌شناسان، جانورشناسان<sup>۲</sup> روزی مانند شما دانش‌آموز بودند. آن‌ها با مطالعه و پشتکار و با هزاران مشکلاتی که آن زمان داشته‌اند، با تلاش و پشتکار به موفقیت رسیدند. شما هم اگر می‌خواهید در آینده یکی از این افراد موفق باشید، باید بخوانید و بخوانید و بخوانید. حالا اگر می‌خواهید ارزش بیش‌تر کتاب را بدانید به یک داستان واقعی توجه کنید به شرط این‌که سه مرتبه «یا علی مدد» بگویید.

خدا او را رحمت کند مرد بزرگی بود. آن مرد خدا مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی بود. نام وی شهاب‌الدین بود. از همان دوران کودکی علاقه فراوان به کتاب داشت. هر جا کتاب مفیدی می‌دید آن را می‌خرید و با دقت مطالعه می‌کرد و به خوبی از آن نگهداری می‌کرد. یک روز برای خریدن تخم‌مرغ از مدرسه بیرون رفت. در راه زنی تخم‌مرغ فروش را دید. بعد از خریدن چند عدد تخم‌مرغ، گوشه کتابی را دید که از چادر زن بیرون آمده بود. از زن پرسید که این

۱. علق، ۱.

۲. مری کلمه‌ها را روی تابلو بنویسد.

کتاب برای چیست؟ زن گفت: «برای فروش است. به پول آن خیلی نیازمند هستم.» وی کتاب را از دست زن گرفت و دید کتاب علمی کمیابی است. با خوشحالی از آستین عبایش غبار روی جلد را پاک کرد. کتاب را به سینه خود چسباند و پرسید: «قیمت این کتاب چقدر است؟» زن با خونسردی گفت: «پنج روپیه» شهاب‌الدین که ذوق زده شده بود، با خوشحالی گفت: «حاضرم برای این کتاب بارزش صد روپیه بدهم.» شهاب‌الدین برگشت تا از مدرسه پول کتاب را بیاورد. در راه مردی که کتاب‌های قیمتی و بارزش را خرید و فروش می‌کرد او را دید. کتاب را از دست شهاب‌الدین گرفت و رو به زن صاحب کتاب کرد و گفت: «من این کتاب را با قیمت بیش‌تر می‌خرم. کاظم دلال کتاب‌های قیمتی و بارزش را می‌خرد و به «میچر»، حاکم انگلیسی‌ها می‌فروخت. میچر هم آن‌ها را روانه کتابخانه لندن می‌کرد.



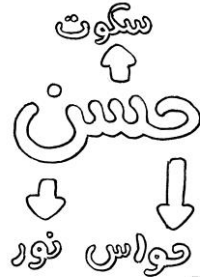
شهاب‌الدین که کتاب را از دست داده بود با ناراحتی رو به حرم امام علی (علیه السلام) کرد و از امام علی (علیه السلام) کمک خواست. هنوز خواسته شهاب‌الدین از امام علی (علیه السلام) تمام نشده بود که زن صاحب کتاب به کاظم دلال گفت که آن را به تو نمی‌فروشم. این کتاب مال این آقا سید است. شهاب‌الدین به مدرسه آمد و پول کتاب را با هر زحمتی تهیه کرد و آن را خرید و به مدرسه آمد. خیلی خوشحال بود که توانست کتاب را بخرد.

اما بچه‌ها چشمتان روز بد نبیند. یک دفعه کاظم دلال با عده‌ای از مأموران امنیتی شهر نجف به مدرسه آمدند و شهاب‌الدین را با بی‌ادبی به زندان بردند. بعد از مدتی چند نفر از علمای بزرگ شهر نجف واسطه شدند و ایشان را از زندان

بیرون آوردند، میچر حاکم انگلیسی‌ها به شرطی ایشان را آزاد کرد که بعد از یک‌ماه دیگر کتاب را تحویل دهد. شهاب‌الدین هم مدت یک‌ماه با دوستان خود همه کتاب را رونویسی کردند. بنابراین مطالب آن کتاب برای آیندگان باقی مانده است.<sup>۱</sup>

دوستان! امروز کتابخانه مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در قم یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان است. در این داستان شنیدید که ایشان برای تهیه یک کتاب با ارزش حاضر شد همه دارایی خود حتی لباس خود را بفروشد و به زندان برود تا یک کتاب را از دست ندهد. چنین برنامه‌هایی از ایشان رمز موفقیت آن مرد بزرگ بود. ما باید از این بزرگان دین خودمان یاد بگیریم که ارزش کتاب و کتاب‌خوانی را بدانیم. بچه‌ها! شما تاکنون چه کتابی خوانده‌اید؟ آیا می‌توانید خلاصه‌ای از آن را تعریف کنید؟<sup>۲</sup>

خوب بچه‌ها این کتاب‌هایی که در دست ماست حاصل تلاش هزاران سال و صدها نفر است، باید به ارزش آن‌ها پی ببریم و از مطالب خوب آن‌ها استفاده کنیم. حالا که کتاب در دست گرفتید تا مطالعه کنید کجا بهتر است که مطالعه کنید؟



به این کلمه توجه کنید و وانید. «حسن»

مکان مطالعه باید دارای «ن» باشد. فکر می‌کنید چه نونی است؟ خوردنی؟ خیر، یعنی دارای نور باشد و نور آن به اندازه کافی باشد؛ نه کم باشد و نه زیاد.

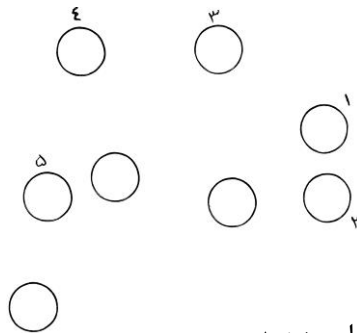
۱. مجید ملامحمدی، زندگی‌نامه آیت‌الله مرعشی نجفی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، تهران، چ اول ۱۳۷۸، ص ۱۷ با تصرف و تلخیص.

۲. مربی در صورت جواب دادن دانش‌آموزان به بچه‌ها وقت بدهد.

۱۴۴.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

باید دارای «س» باشد. با توجه به معنای نون باید آن را حدس بزنید؟  
یعنی، ساکت و آرام باشد، لذا شما در مکان پر رفت و آمد و در مکانی که سروصدا وجود دارد، مطالعه نکنید.  
و باید «ح» نباشد، یعنی چیزی که حواس شما را پرت می کند، مثل عکسها و... در آن جا نباشد.

در این قسمت از برنامه به سراغ راز دایره‌ها می‌رویم.



چند سؤال می‌پرسم جواب دهید.

کلمات

۱ - جمع کلمه چیست؟

آب

۲ - مایه حیات چیست؟

باکو

۳ - پایتخت آذربایجان کجاست؟

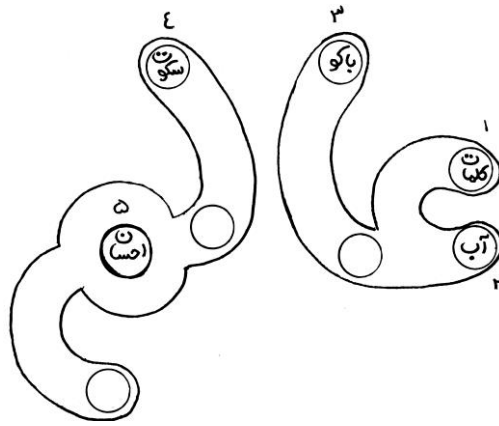
ساکت

۴ - محل مطالعه باید چگونه باشد؟

احسان

۵ - چه واژه‌ای به معنای نیکوکاری است؟

اگر حروف اول و آخر این جوابها را کنار هم بگذاریم راز این دایره‌ها به دست می‌آید.



«کتاب بوستان» بله، کتاب بوستان چیست؟ من چند دایره به این دایره اضافه کرده و به هم وصل می‌کنم تا کلمه «عالم» به دست آید. کتاب بوستان عالم است. حضرت علی (علیه السلام) در روایتی فرموده است:

کتاب بوستان دانشمندان است.<sup>۱</sup>

آیا می‌دانید که کتاب چه شباهتی به باغ و بوستان دارد؟

پس سه مرتبه «یا مهدی» بگویید.

۱ - باغ خوب آن است که دارای

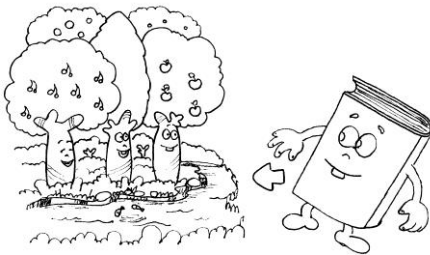
آب روان و گوارا باشد. کتاب خوب آن است که ساده و روان باشد.

۲ - وقتی وارد باغ می‌شویم از میوه‌ای استفاده می‌کنیم که کال و نارس نباشد.

کتاب خوب هم آن است که با سن و سواد ما مناسب باشد.

۳ - وقتی وارد باغ می‌شویم تلاش می‌کنیم از میوه‌های مقوی استفاده کنیم.

کتاب خوب آن است که مفید باشد.



۱. آقا جمال خوانساری، شرح غررالحکم، دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۴۵.



ما هم باید تلاش کنیم همیشه با این یار مهربان دوست باشیم و از خدا بخواهیم به ما کمک کند تا کتاب بخوانیم و کتاب‌های خوب بخوانیم. در پایان همه با هم دعای مطالعه را که روی تخته نوشته‌ام، می‌خوانیم تا آن را یاد بگیریم.

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ

وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُوْمِكَ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

حالا با هم معنای آن را تکرار می‌کنیم:

خدایا، درهای رحمت را بر ما بگشای!

و برای ما گنجینه‌های علوم را انتشار بده.

به حق مهربانی خودت، ای مهربان‌ترین مهربانان!

پرسش‌ها:

۱ - عالم و دانشمندی که کتابخانه بزرگی در قم دارد، کیست؟

الف) امام خمینی(ره)

ب) آیت‌الله گلپایگانی(ره)

ج) آیت‌الله مرعشی نجفی(ره)

۲ - مهم‌ترین ویژگی یک کتاب خوب چه چیزی است؟

الف) مفید باشد

ب) ارزان باشد

ج) قشنگ باشد

۳- هنگام مطالعه از خدا چه خواهیم؟

الف. خدایا! گنجینه‌های دانش را بر ما بگشا

ب. خدایا! درهای رحمت خود را بر ما باز نماید

ج. هر دو مورد صحیح است

احكام



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### پاکیزه باش



با سلام و درود بر خاتم پیامبران حضرت محمد(صلی الله علیه و سلم) و سلام خدمت شما دانش آموزان خوب! برنامه را با یک قطعه شعر زیبا آغاز می کنیم.

ای نونهال، ای نوجوان	گوید خدای مهربان
اندر کتاب خویشتن	پاکیزه گردان جان و تن
دائم در این انگیزه باش	پاکیزه باش پاکیزه باش
نزد خداوند عزیز	باشی چو گل پاک و تمیز <sup>۱</sup>

۱. عزیزالله هاشمی، نغمه های دینی کودکان، انتشارات عصمت، قم، ۱۳۸۲، ج اول، ص ۷۹.

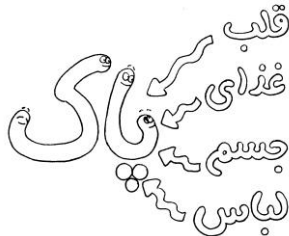
بچه‌ها! خداوند در قرآن فرموده است که بعضی گروه‌ها را دوست دارد. کدام گروه؟

حالا به این آیه توجه کنید.<sup>۱</sup>

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»<sup>۲</sup>.

برای این که بدانیم خداوند در این آیه چه فرموده است، لازم است چند سؤال بپرسیم.

- ۱ - آن چیست که بدون آن نمی‌توان حرکت کرد؟
  - ۲ - پا چگونه پاک می‌شود؟ با افزودن حرف (ک) پا + ک = پاک
  - ۳ - چند کلمه هم خانواده پاک را نام ببرید؟
- پاکی، پاکیزه، پاکان.
- پس مقصود آیه معلوم شد. یعنی این گروه کسانی هستند که خداوند فرموده است آن‌ها را دوست دارم که همان پاکان هستند.
- خداوند پاک است. پاکیزگی و پاکان را دوست دارد. حالا اگر می‌خواهیم که خداوند ما را هم دوست بدارد.



**قلب** پاک: باید کار بد انجام ندهیم. انجام دادن هر کار بد مانند یک لکه سیاه است که روی قلب اثر می‌گذارد. اگر کسی را ناراحت یا اذیت کردیم باید برویم و از او معذرت‌خواهی کنیم. اگر هم کاری کرده‌ایم که خداوند ناراحت شده است باید از خداوند معذرت بخواهیم تا دوباره قلب ما پاک و روشن گردد.

**غذای** پاک: می‌دانیم که در دنیا بیماری‌ها فراوان شده است. اگر دوست ندارید که بیماری‌های خطرناک سراغ شما بیاید، باید غذای سالم، تمیز، پاکیزه و

۱. مری می‌تواند از قبل این آیه را روی مقوا آماده کند، یا روی تابلو بنویسد.  
۲. بقره، ۲۲۲.

۱۵۲.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

بهداشتی مصرف کنیم و از خوردن غذاهایی که اطمینان از سلامت آن‌ها نداریم پرهیز کنیم.

پاک: اگر چند روز حمام نرویم و بدن و سر و صورت خود را شست‌وشو ندهیم به نظر شما چه می‌شود؟ آیا شادابی ما گرفته نمی‌شود؟ آیا آرامش ما از بین نمی‌رود؟

پاک: پاک بودن لباس نشانه شخصیت افراد است. اگر بخواهیم به مهمانی برویم تلاش می‌کنیم لباس پاکیزه و تمیز بپوشیم. اگر مهمانی خیلی ویژه باشد، بهترین لباس را می‌پوشیم.

ما که بنده‌ی خوب خداوند هستیم و می‌خواهیم شبانه‌روز پنج مرتبه با خدای خودمان راز و نیاز کنیم و همچنین برای این که دارای زندگی شادابی باشیم باید همه این مواردی که بیان کردیم، رعایت کنیم.

حالا به یک سؤال پاسخ دهید؟

اگر لباس، غذا و جسم ما ناپاک شد و چیز نجسی مانند خون به آن‌ها رسید چه باید کرد؟ به طور نمونه وقتی شیر سهمیه خود را از مدرسه گرفتید و هنگامی که در حال نوش جان کردن آن هستید، از بینی شما خون آمد و مقداری با شیر مخلوط شد و مقداری به لباس شما رسید. در این موقع چه کار می‌کنید؟ دوستان به این نکته توجه کنید که

یا نمی‌شود نجاست آن‌ها را از بین برد

اشیای پاکی که نجس می‌شوند یا می‌شود نجاست آن‌ها را از بین برد

چیزهایی مانند شیر، دوغ، روغن مایع، آب، اگر با نجاستی، مانند خون نجس شوند، خوردن آن‌ها حرام است و باید آن‌ها را دور ریخت.

اما چیزهایی که می‌توان نجاست آن‌ها را از بین برد، مانند ظروف، لباس، بدن کیف و...

با چه چیزی می‌توان آن‌ها را پاک کرد و از آنان استفاده نمود؟

اگر خوب به تابلو نگاه کنید و دقت کنید با یکی از این پاک‌کننده‌ها آشنا می‌شوید.



این شکل چیست؟

حالا داخل این ابر یک آیه زیبا می‌نویسیم.

«... وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا».

خداوند می‌فرماید:

ما از آسمان.....

برای این که به ترجمه کامل این آیه برسیم، لازم است ابتدا حرف شماره اول را بنویسد.

بعد چهارتا چهارتا بشمارید. پیام: آب پاک‌کننده نازل کردیم:

آیه را کامل ترجمه کنید:

«ما از آسمان آب پاک‌کننده‌ی نازل کردیم»<sup>۱</sup>.

بنابراین اولین پاک‌کننده ما چه شد؟ آفرین، آب.

آب از نعمت‌های بزرگ خداوند است که تمام موجودات زنده به آن نیازمند هستند. بنابراین در مصرف آن دقت کنیم، در این قسمت از برنامه یک معما می‌گویم. کدام آب پرتقال است که می‌شود با آن وضو گرفت و کدام آب پرتقال است که نمی‌شود با آن وضو گرفت؟ احسنت! پرتقال. دو نوع آب پرتقال داریم:

۱ - آبی که در کشور پرتغال جاری است که با این آب می‌شود وضو گرفت.

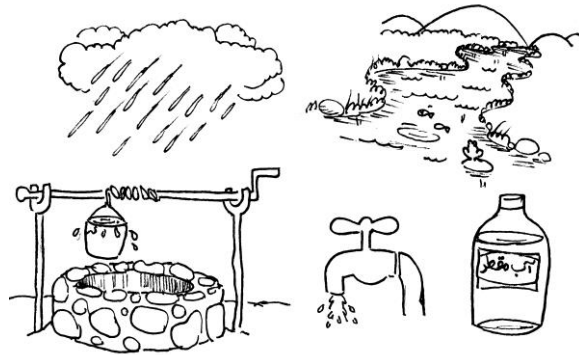
۲ - آبی که از میوه پرتقال می‌گیرند که با این آب نمی‌شود وضو گرفت.



۱۵۴.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

حالا که جواب این معما را فهمیدید تند و سریع جواب دهید اگر وارد خانه شدید و آب برای وضو پیدا نشد و یک دفعه یادتان آمد که در یخچال شربت آب لیمو موجود است، آیا با این شربت می شود وضو گرفت؟ خیر، چون آب با لیمو و شکر مخلوط شده است.

به این تصاویر نگاه کنید با کدام یک از این آبها می توان اشیای نجس را پاک کرد؟



و با کدام یکی وضو گرفتن باطل است؟

بله بچه ها! با همه این آبها می توان اشیای نجس را پاک کرد و وضو گرفت.

تا اینجا با مهم ترین پاک کننده، یعنی آب آشنا شدیم اما:

ای یار نیکو کلام بر تو هزاران سلام

دارم ز تو سوؤالی خواهم جواب عالی

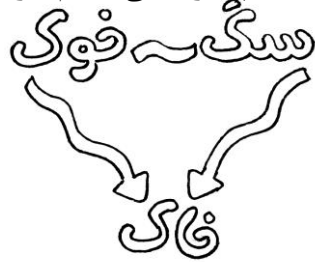
من چیستم؟

یکی از نعمت های خداوند هستم که همیشه همراه شما بوده ام. فواید زیادی برای انسان ها دارم. همه گیاهان و درختان از دل من می رویند.  $\frac{1}{3}$  کره زمین را تشکیل می دهم. بدون تعارف خاک زیر پای شما هستم.

بارک الله، زمین.

بچه ها! در سال های گذشته که شامپو وجود نداشت، بعضی از مردم با نوعی خاک مخصوص که به آن «گل سرشوی» می گفتند، سر خود را شست و شو می دادند. بنابراین زمین هم می تواند یک پاک کننده باشد.

بچه‌های عزیز! قبل از این که به سراغ ادامه برنامه برویم، می‌خواهم با شما مشورت کنم. الان که من آمدم در بین راه گوسفندی جلوی پای حاجی قربانی کرده بودند. کف کفش من خونی شد. از آن جا آمدم و الان که به کف کفشم نگاه کردم، دیدم خونی نیست. آیا پاک شده است، یا آن را بشویم؟  
درود بر شما! نیازی به شستن ندارد. چون خونی که به کفش من چسبیده بود، از بین رفته و روی زمین پاک چند قدم راه رفتم، البته روی زمینی که خاک و یا سنگفرش باشد اما اگر آسفالت باشد به فتوای بسیاری از علما پاک نمی‌شود. حالا بچه‌ها با هم بگویید: این کلمات چه ارتباطی با هم دارند.



بله، سگ و خوک هر دو نجس هستند، یعنی اگر دست خیس به آن‌ها بزنیم دستمان نجس می‌شود.  
اگر سگ از کاسه‌ای آب بخورد، آن کاسه و آب نجس می‌شود. حالا می‌توان کاسه را پاک کرد؟ چگونه؟  
ابتدا باید کاسه را مقداری خاک‌مالی کنیم و بعد با آب بشوییم تا پاک شود. تا این جا با دو پاک‌کننده، - آب و زمین - آشنا شدیم.  
در این قسمت از برنامه یک شعر زیبا می‌خوانم تا ببینم شما از آن چه می‌فهمید؟

من کودکی شادابم      از پاکی مثل آبم  
چون خورشید درخشان      در زندگی می‌تابم

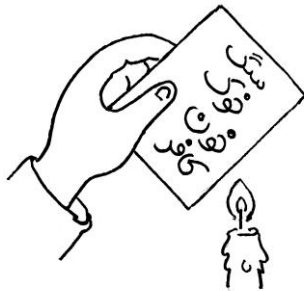
یک آزمایش ساده انجام می‌دهیم.<sup>۱</sup>

یک عدد شمع داریم.

یک ورقه نوشته شده چند دقیقه

در کنار شعله شمع و بالای آن می‌گیریم.

بعد از مدتی به خطوط ورقه نگاه می‌کنیم.



به نظر شما نوشته‌ها کم‌رنگ می‌شوند، یا پررنگ؟

بله، بر اثر گرم شدن کم‌رنگ می‌شوند. اگر به پرده‌های رنگی که جلوی

پنجره‌ها برای جلوگیری از نور آفتاب نصب می‌کنند نگاه کنید، مشاهده می‌کنید

که رنگ پرده‌ها مقداری تغییر کرده است. به نظر شما علت چیست؟

بله، بر اثر تابش نور آفتاب، رنگ پرده عوض می‌شود و کم‌رنگ خواهد شد.

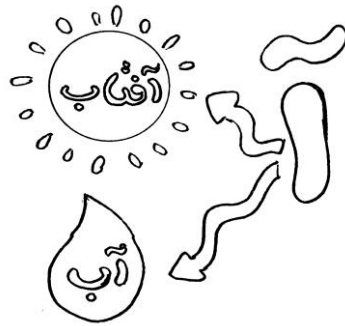
حالا اگر حیاط منزل شما، یا پشت‌بام خانه شما نجس بوده است و بعد از مدتی

دیدید که آثاری از آن نجاست باقی نمانده است و نور آفتاب هم به آن می‌رسید

بدانید که آن نجاست به واسطه تابش نور آفتاب پاک شده است. بچه‌هایی که

حواسشان جمع است شعری که خواندم چند پاک‌کننده در آن آمده بود.

۱. مربی همراه خود یک عدد شمع به کلاس بیاورد یا از بچه‌ها بخواهد تا آن را تهیه کنند.



احسنت

تاکنون با چند تا از پاک کننده‌ها، یعنی: آب، آفتاب و زمین آشنا شدیم، پاک کننده‌های دیگری هم وجود دارند که بعدها با آنها آشنا خواهید شد. در پایان شعری زیبا تقدیم خورشیدی می‌کنم که ما منتظر ظهورش هستیم.

ای گلزار زهرا(سلام الله علیها) و امامان  
میوه باغ رسولان کی می‌آیی؟  
قائم آل محمد(صلی الله علیه و آله) نور ایمان  
رهبر نیکان و پاکان کی می‌آیی؟

جهت ظهور فرجش صلوات. «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

پرسش‌ها:

۱ - کدام‌یک از موارد زیر در صورت نجس شدن، پاک می‌شود؟

- الف) لباس
- ب) دوغ
- ج) روغن مایع

۲ - کدام‌یک از موارد زیر پاک‌کننده است؟

- الف) آب
- ب) آفتاب
- ج) هر دو مورد

۳ - اگر زیر کفش نجس شود، چگونه پاک می‌شود؟

- الف) با دستمال کاغذی
- ب) با راه رفتن روی زمین
- ج) با آب پرتقال

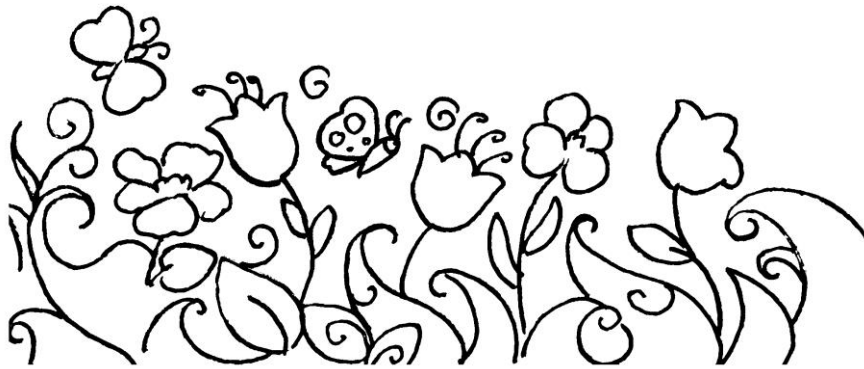
۴ - با کدام‌یک از مایعات زیر می‌توان وضو گرفت؟

- الف) آب‌لیمو
- ب) آب پرتقال
- ج) آب چاه



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رمز پاکی



در ابتدای کارم      نام تو را بیارم  
باشد که خوب گردد      پایان این بهارم

دانش‌آموزان عزیز! سلام، امیدوارم همیشه حال شما خوبِ خوب باشد.  
یک سؤال: به من بگویید با چه چیزی به سراغ برنامه برویم؟ با ماشین، یا قطار،  
یا هواپیما، یا ...

جواب صحیح «نام خدا» می‌باشد، چون نام خدا ما را زودتر به نتیجه می‌رساند.  
حالا همه با هم بسم الله الرحمن الرحيم، یعنی به نام خداوند بخشنده مهربان  
خیلی خوب، حالا برای این که مشخص شود که حواس‌ها جمع است، یا نه؛  
هرچه را گفتم با بله یا نخیر جواب دهید.<sup>۱</sup>

۱. اگر دانش‌آموزان جواب‌ها را درست گفتند توسط مربی تشویق شوند.

کوچولوهای با وفا	بله	آی بچه‌های با صفا	بله
مسلمونا رو دوست داره	بله	خدا ماها رو دوست داره	بله
پیامبرا رو دوست دارید	بله	شما خدا رو دوست دارید	بله
امام زمونو دوست دارید	بله	اماماتونو دوست دارید	بله
دوستای شیطونید شما	نخیر	بچه مسلمونید شما	بله
نماز و با ناز می‌خونه	نخیر	بچه خوب نمازخونه	بله
آیه فراوان می‌خونید	بله	شماها قرآن می‌خونید	بله

حالا که حواس‌ها را از خیابان و باغ‌ها و خونه‌ها جمع کردید و اینجا آوردید، به من بگویید که در دست من چه می‌بینید؟ بله، قرآن، کتاب آسمانی ما. دوستان خوبم! من آیه‌ای از این کتاب آسمانی را انتخاب کرده‌ام که می‌خواهم در شروع برنامه با هم بخوانیم. حالا کسانی که می‌خواهند این آیه قرآن را بخوانند دست‌های خود را بالا بگیرند.<sup>۱</sup>

اِنَّهٗ لَقُرْآنٌ کَرِیْمٌ ۷۷ فِی کِتَابٍ مَّکْنُونٍ ۷۸ لَا یَمَسُّهٗ اِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۷۹  
الحمدلله که بیش‌تر شما هم قاری قرآن هستید و هم به خواندن قرآن علاقه دارید. اما همه ما باید به یک نکته خوب دقت بکنیم آن نکته این است که اگر کسی خواست قرآن بخواند، باید رمز پاکی را بلد باشد. من این رمز را می‌نویسم که با هم بخوانیم.<sup>۲</sup>

و ۰ و

رمز چه بود؟ بله، ششصد و شش و شاید هم نهصد و نه.

و ۰ و

کدام رمز درست‌تر است؟ هیچ کدام

حالا اگر می‌خواهید به رمز پاکی برسید به تصویر

و ضو

خوب نگاه کنید.

۱. از چند نفر از دانش‌آموزان دعوت می‌شود که آیه ۷۷ و ۷۹ سوره واقعه را قرائت کنند. سپس مربی به بحث رمز پاکی می‌پردازد.

۲. قابل توجه مربی: بحث رمز پاکی به وسیله سه عدد کارت هم قابل اجراست.



۱۶۲.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

پس رمز پاکی چه شد؟ بله، «وضو» رمز پاکی است. هرکس که می‌خواهد به آیات قرآن دست بزند باید با وضو باشد.

در این قسمت از برنامه برای این که با وضو بیشتر آشنا شویم، یک شعر زیبا برای شما می‌خوانم. شما هم بعد از من آن را تکرار کنید.<sup>۱</sup>

دوستای خوب خوشرو	گل‌های شاد خوشبو
بیایید بریم به اردو	اسم قشنگش وضو
آب می‌ریزیم رو صورت	دست می‌کشیم با دقت
از پیشوونی تا چونه	شسته می‌شه با دقت
نوبت رسید به دستا	رو دست راست ابتدا
از روی آرنج بریز	به سمت پایین بیا
تا سر انگشت بشور	دست چپم همین جور
چون که خدای دانا	این طوری داده دستور
وقتی رسید به آخر	حالا به یک دست تر
قبل از مسح هر دو پا	باید کشید مسح سر
می‌شویم ما دست و رو	با آب می‌گیریم وضو
تمیز و پاکیزه باز	می‌ریم سر جا نماز

خیلی ممنون که شعر زیبای وضو را زیبا خواندید.  
من هم برای تشکر از شما می‌خواهم یک گل زیبا به شما تقدیم کنم.

۱. مربی در حال خواندن شعر، خودش نمایش وضو را متناسب با ابیات شعر اجرا کند.

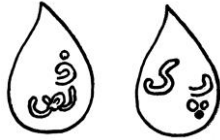
امیدوارم که قبول کنید و زحمت بکشید حروف به هم ریخته داخل گلبرگ‌ها را مرتب کنید.



حالا بگویید از گلبرگ شماره یک چه کلمه‌ای به دست آمد؟ بله، «لیوان». اما در گلبرگ شماره دوّم چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟ آفرین، «مسواک». حالا بگویید در گلبرگ شماره سه چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟ آفرین، «کلید».

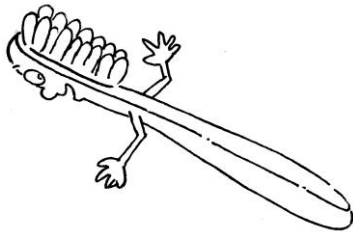
در گلبرگ چهار چیزی است که وقت را به ما نشان می‌دهد. بله، جواب «ساعت» است. حالا دوستان من بگویید که این جواب‌ها چه ربطی به وضو دارند؟ عزیزان من، ما با یک لیوان آب هم می‌توانیم وضو بگیریم. این یک‌جور اصلاح الگوی مصرف است. حالا بگویید آیا با هر آبی می‌توان وضو گرفت؟ به طور نمونه با آبی که برای دیگران است. مانند شیر آب خانه مردم که نمی‌توان بدون اجازه وضو گرفت. چون یکی از شرایط وضو این است که آب وضو برای خودمان باشد و یا اجازه آن را گرفته باشید.

البته دوستان خوبم! آب وضو دو شرط دیگر هم دارد که هر دو شرط یک حرف مشترک دارند که شما باید آن را پیدا کنید. حالا به کارتهای قطره‌ای که در دست من است خوب نگاه کنید و حرف حذف شده را حدس بزنید:



حرف حذف شده، «الف» است که قطره اولی را پاک و دومی را خالص می‌کند.  
پاک باشد، یعنی چه؟  
بله، یعنی نجس نباشد. آب وضو باید پاک باشد، یعنی آبی که با نجاست، مثل خون، ادرار و... مخلوط نشده باشد.

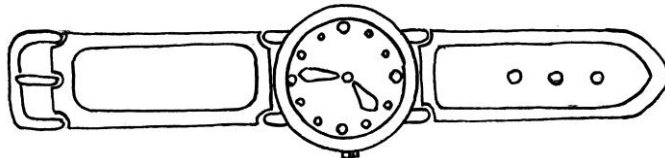
سؤال بعدی این است که آب خالص چه آبی است؟  
آری، آبی که چیزی به آن اضافه نشده باشد، مثل آب گل آلود، سیل و یا از میوه‌ای گرفته نشده باشد مثل آب پرتقال، آب انار و آب که خالص نیستند.



حالا چه کسی می‌تواند ارتباط مسواک با وضو را بگوید؟  
آفرین، خوب است که مسواک و وضو همراه هم باشند؛ یعنی موقع وضو گرفتن، مسواک هم بزنیم.

حالا یک نفر ربط کلید با وضو را بگوید؟

دوستان خوبم! کلید زمانی در خانه‌ای را باز می‌کند که همه دندان‌هایش سالم باشد، ولی اگر حتی یکی از دندان‌های کلید آسیب دیده باشد دیگر آن کلید به درد نخواهد خورد، چون قفل را باز نخواهد کرد. وضو هم مثل کلید است که اگر یک قسمت آن درست اجرا نشود، دیگر خانه پاک‌ی را باز نخواهد کرد. و نمی‌توان با آن وارد خانه پاک‌ی شد. به طور نمونه اگر یک دست خود را نشوییم و یا یکی از قسمت‌های وضو را درست انجام ندهیم، وضوی ما باطل خواهد شد.



حالا بگویید که ربط ساعت مچی با وضو چیست؟

بله، موقع وضو باید ساعت مچی را از دست باز کنیم تا آب به پوست دست برسد و اگر انگشتر هم داریم باید مراقب باشیم که آب به زیر آن برسد.



حالا خاطره‌ای می‌شنویم.

داخل وضوخانه وضو می‌گرفتم. آقا پسری کنارم آمد و شروع به گرفتن وضو کرد. صدای بند استیل ساعتش که موقع وضو به هم می‌خورد توجه مرا به خودش جلب کرد.

وقتی نگاهش کردم، دیدم اشتباه وضو می‌گیرد. به او گفتم:

«راستی تو تا حالا وضوی مچی شنیده‌ای؟» جواب داد: «نه، وضوی مچی دیگر چه وضویی است؟»

گفتم: «وضوی مچی وضویی است که آدم موقع شستن دست از آرنج تا مچ دست‌ها را بشوید.»

پسرک در حالی که خنده‌اش گرفته بود گفت: «اگر از قبل دست‌هایش را شسته باشد باز هم باید تا سر انگشت دست‌هایش را بشوید.» گفتم: «بله، چون آن شستن قبلی مستحب بود، اما این شستن تا سر انگشت واجب است.» دیگر وضو گرفتیم تمام شده بود، و وقتی از او خواستم تا به داخل مسجد برویم گفت: «شما بفرمایید. من دوباره وضو می‌گیرم.»

در این قسمت از برنامه از دانش‌آموزانی که به سؤال‌های ما جواب داده‌اند دعوت می‌کنم که تشریف بیاورند کنار بنده و رو به دوستانشان بایستند و در مسابقهٔ مجسمه بازی شرکت کنند.

۱۶۶.....ره‌توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

شما دوستان خوبیم که قرار است در مسابقه شرکت کنید، هر کاری که گفتم به صورت پانومیم انجام دهید. هر جای کار که صدای «ایست» من را شنیدید، مثل مجسمه بایستید. حالا شیر آب را باز کنید و دست‌ها را بشویید. در ضمن سعی کنید شیر آب را ببندید که اسراف نشود به ویژه امسال که سال اصلاح الگوی مصرف هم هست.<sup>۱</sup>

خیلی ممنون از عزیزانی که در مسابقه شرکت کردند. حالا اگر شما هم می‌خواهید مثل دوستانتان که در مجسمه بازی، وضوی خوبی گرفتند، درست و

صحیح وضو بگیرید باید بدانید که **مقاومت** یعنی چه؟

راستی مقاومت چه ربطی به وضو دارد؟

حالا کسانی که می‌خواهند ربط مقاومت به وضو را بدانند به کارتهایی که در

دست من است خوب نگاه کنند و روی کارتها را بخوانند.

- ④ ← موالات یعنی فاصله نینداختن بین قسمت‌های وضو.
- ③ ← قصد قربت یعنی برای وضو در نیت باید قصد قربت شود.
- ① ← اعضای وضو باید پاک باشند.

---

۱. مربی در طول مسابقه قبل از گفتن ایست، از بچه‌ها می‌خواهد قسمتی از وضو را انجام دهند به طور نمونه دست‌ها که شسته شد، حالا صورتت را بشور بشور بشور خوب بشور؛ ایست و... در پایان مسابقه نفر برتر تشویق خواهد شد.

و ← **وقت باشد** برای وضو گرفتن باید وقت باشد، اگر وقت کم باشد، باید تیمم کنیم.

م ← **مانعی نباشد** در رسیدن آب به اعضای وضو مانعی مانند چسب یا رنگ ... باید برطرف شود.

ت ← **ترتیب در وضو** ترتیب باید رعایت شود و اعضای وضو جابه‌جا شسته نشود.

حالا آن‌هایی که از برنامه امروز ما راضی‌اند و مقاومت را یاد گرفته‌اند دست‌های خود را بالا ببرند. دست‌ها بغل - دست‌ها جلو - برگردان هر دو دست‌ها به طرف بالا. حالا نوبت چیست؟ بله، نوبت دعا

خدا خدایا، دعای ما را، ثنای ما را، قبول فرما! الهی آمین (۴)

خدا خدایا، نماز ما را، نیاز ما را، قبول فرما! الهی آمین (۴)

خدا خدایا، کلاس ما را، تو درس ما را، قبول فرما! الهی آمین (۴)

پرسش:

- ۱ - رمز پاکی چیست؟
- الف. وضو
- ب. نماز
- ج. گناه نکردن
- ۲ - ترتیب در وضو یعنی چه؟
- الف. موالات
- ب. منظم بودن
- ج. جا به جا نشدن اعضای وضو
- ۳ - زمان وضو اگر کم بود چه می‌کنید؟
- الف. وضو بگیریم
- ب. تیمم
- ج. غسل کنیم
- ۴ - آب وضو پاک باشد، یعنی چه؟
- الف. غصبی نباشد
- ب. مباح باشد
- ج. نجس نباشد





# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## دست و خاک



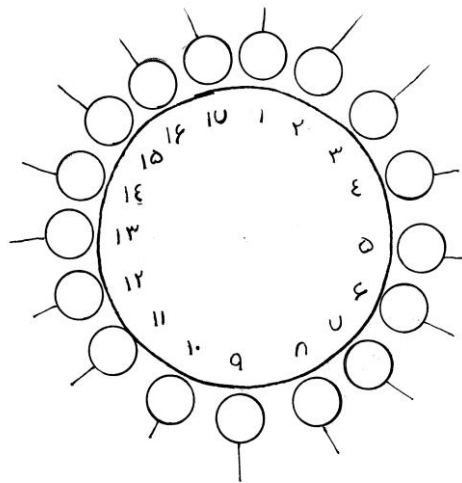
به نام خداوند زیبایی و عطر و رنگ  
خداوند پروانه‌های قشنگ  
خداوند صمیمی، خدای سلام  
خداوند غزل، قصه ناتمام  
سلام دانش‌آموزان عزیز! حال شما چطور است؟ امیدوارم همیشه سالم باشید.  
برنامه امروز را با یک داستان زیبا شروع می‌کنیم.  
کاروان در حال حرکت بود. صدای حرکت کاروان تمام صحرا را پر کرده بود.  
خورشید طلایی هم با دقت تمام کاروان را همراهی می‌کرد، ولی هرچه خورشید  
بالتر می‌آمد، حرکت کاروان کندتر می‌شد. نزدیک ظهر، رئیس کاروان که حال  
خسته کاروانیان را دید، دست‌ها را بلند کرد و فریاد زد:  
«بایستید. استراحت می‌کنیم. استراحت می‌کنیم.»  
کاروانیان هم شترها را نشانده و مشغول استراحت شدند و به خاطر گرمی هوا  
همگی به سراغ مشک‌های آب رفتند. کمی که از زمان استراحت کاروانیان

دست و خاک ..... ۱۷۱

گذشت، رییس کاروان فریاد زد: «برخیزید. برخیزید. موقع نماز است. آفتاب را نمی‌بینید؟ آماده نماز شوید.»

هنوز صحبت‌های رییس کاروان تمام نشده بود که یکی از کاروانیان فریاد زد: «چگونه وضو بگیریم؟ آب مشک‌هایمان کم است و فقط برای نوشیدنمان کفایت می‌کند.»

قرار شد دو نفر مأمور پیدا کردن آب شوند. آنان با عجله از کاروان جدا شدند تا شاید چشمه‌ای یا جوی آبی را پیدا کنند.



بعد از ساعتی خسته و با دست‌های خالی برگشتند و گفتند که آبی پیدا نکردیم. رییس کاروان با آرامش گفت: «اشکال ندارد، هر مشکلی راه‌حلی دارد و ما هم راه‌حل آن را می‌دانیم.»  
خوب بچه‌های خوب! به نظر شما چه راه‌حلی وجود دارد؟

جواب داخل اشعه‌های این خورشیدی است که موقع تعریف داستان برای شما روی تخته کشیدم.

کمک (۳، ۵ و ۴)

سبا (۷، ۱۳ و ۱۴)

نمک (۶، ۱۱ و ۱۷)

ید<sup>۱</sup> (۱۲)

۱ - به یاری رساندن می‌گویند؟

۲ - نام سرزمین بلقیس چیست؟

۳ - نام جسم سفیدرنگ، شورمه چیست؟

۴ - دست را به عربی چه می‌گویند؟

۱. دو حرف [ید] در خانه ۱۲ قرار می‌گیرد.

۱۷۲.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

- ۵ - نام عضوی که به هنگام وضو بر روی آن مسح می‌شود چیست؟ پا (۱ و ۲)
- ۶ - حرف ندا برای دور و نزدیک چیست؟ یا (۱۶ و ۱۵)
- ۷ - در آشپزی به همراه پز می‌آید؟ پخت (۹، ۸ و ۱۰)
- دوستان خوبم! رمز جدول عدد ۶ است، پس خانه‌ها را شش تا شش تا بشمارید تا به پیام جدول برسید. پیام جدول همان راه حلی است که رییس کاروان آن را می‌دانست. هرکس زودتر به راه حل برسد، برنده این مرحله است.



آفرین به شما! پیام جدول: **پس با خاک پاک تیمم کنید.**<sup>۱</sup>  
حالا که فهمیدید راه حل، تیمم کردن است به این شعر گوش کنید و با من تکرار کنید.

تیمم عین وضوست      جانشین شست‌وشوست  
دستو به خاک می‌زنه      پاکی جان و تنه

اگر می‌خواهید بدانید که در چه مواردی باید تیمم کرد، من هرچه گفتم، شما جواب بدهید: «تیمم».

اگر که آب نباشه، نوبت چیه؟ تیمم  
وقت نماز کم باشه، نوبت چیه؟ تیمم

۱. قسمتی از آیه ۴۳ سوره نساء.

تیمم ضرر داره اگر آب، نوبت چیه؟  
تیمم داره می‌خوابه آفتاب، نوبت چیه؟  
دوستان خوبم ما در چه مواردی می‌توانیم تیمم کنیم؟  
۱ - وقتی که آب نباشد، ۲ - وقتی که فرصت و وقت نماز خواندن کم باشد، ۳ -  
آب باشد، اما برای بدن مضر باشد.

گفتیم خاک باید پاک باشد، یعنی چه؟  
جواب روی این کارت نوشته شده است، ولی حروفش به هم ریخته است.<sup>۱</sup>

حالا پشت کارت را ببینیم جواب چه بود، بله  نجس درست است.  
در ضمن این خاک تیمم باید  هم نباشد.

پس بچه‌های گل من! باید دقت کنید. وقتی می‌خواهید تیمم کنید توجه نمایید  
که خاک تیمم از کجا تهیه شده است. آیا از زمین دیگران و بدون اجازه آورده شده  
است که  باشد و یا از حیاط منزل خودتان تهیه شده است؟  
تا این جا گفتیم که با چه خاکی نمی‌شود تیمم کرد. حالا شما باید بگویید با  
چه چیزهایی می‌شود تیمم کرد؟ به کارت‌ها توجه کنید.<sup>۲</sup>

سنگ	آجر	ریگ	شن	گل	خشت	خاک
-----	-----	-----	----	----	-----	-----

۱. هر دانش‌آموزی که کلمه را درست حدس زد از طرف مربی تشویق می‌شود و سپس پشت کارت که جواب صحیح است به دانش‌آموزان نشان داده می‌شود، هم در مورد کلمه نجس و هم در مورد کلمه غصبی.  
۲. مسابقه برای همه‌ی دانش‌آموزان است و کارت‌ها روی هم قرار گرفته است. یک کارت سفید هم روی کارت اول است و هر کارت پشت کارت بعدی است. مربی با کنار زدن کارت رومی و نمایش حرف اول کارت پشتی از دانش‌آموزان می‌خواهد که کلمه را حدس بزنند و برای هر کدام از کلمه‌ها توضیح لازم را بدهد. برای این‌که کلمه به ذهن بچه‌ها نرسد در بعضی کارت‌ها مثل خشت و سنگ دو حرف را نمایش می‌دهد.  
در مورد سنگ سؤال شود که آیا می‌شود به سنگ مرمر هم تیمم کرد؟ به سنگ مرمر و سنگ آپن و... می‌شود تیمم کرد.  
مرتب‌ی برای تنوع این لطیفه را مطرح کند که روزی مرتب‌ی به دانش‌آموزی گفت که با آجر جمله بساز. دانش‌آموز خندید و گفت: آقای مربی با آجر جمله نمی‌سازند بلکه خانه می‌سازند، تازه تیمم هم می‌کنند.

مرحلهٔ اوّل مسابقه به این صورت است که دوستانی که کلمه‌ها را درست حدس زدند فقط تا ده ثانیه فرصت دارند به نمونه‌هایی که روی میز گذاشته‌ایم که می‌شود به آن‌ها تیمم کرد خوب نگاه کنید و برگردید. هرکس تعداد بیش‌تری از چیزهایی که می‌شود به آن‌ها تیمم کرد را حفظ کرد و برای بچه‌ها گفت، در این مرحله برنده است.<sup>۱</sup>

فهمیدیم که باید به چه چیزهایی تیمم کنیم، نوبت به مرحلهٔ دوّم مسابقه می‌رسد.

اسم مسابقه چیست؟ مسابقهٔ حواست را جمع کن.

در این مرحله شما باید به صحبت‌های من گوش کنید و تیمم را درست انجام دهید. مواظب باشید کارهایی را که مربوط به تیمم نیست، انجام ندهید. حالا به سراغ مسابقه می‌رویم.



اوّل همه با هم رو به قبله نیت کنید. دست‌ها بالا، دست‌ها پایین، دست‌ها را به خاک بزنید. خیلی خوب است، اما چرا خاک‌بازی می‌کنید. دست‌ها را تکان بدهید و به هم بزنید که تمیز شوند. چرا دست می‌زنید؟



فقط گفتم دست‌ها را تمیز کنید، نه انگار این‌طوری تمیز نمی‌شود. حالا برای این که دست‌ها را تمیز کنید، شیر آب را باز کنید و دست‌ها را بشویید. کسانی که دست‌ها را شستند انگار حواسشان جمع جمع نبود.<sup>۲</sup> چون ما زمانی تیمم می‌کنیم که یا آب در دسترس نباشد

۱. مربی چند نمونه از چیزهایی که می‌شود و نمی‌شود با آن‌ها تیمم کرد روی میز از قبل قرار می‌دهد مثل: تکه‌ای سنگ مرمر، موزاییک، مهر، کتاب، کاغذ، سنگ‌ریزه، آجر، نمک، آهن، موکت و...  
۲. اگر همه دانش‌آموزان اشتباه کردند و دست‌ها را شستند مسابقه تمام نمی‌شود بلکه مرتبی می‌گوید: «چون خداوند بخشنده و مهربان است من هم بار اوّل را می‌بخشم ولی حواس‌ها جمع‌تر باشد که اشتباه نکنید.»

دست و خاک ..... ۱۷۵

و یا اگر هم آب باشد برای بدن ما ضرر دارد. حالا دست‌ها را از پیشانی روی صورت بگذارید، طوری که هر دو طرف پیشانی شما را بگیرد و تا وسط بینی پایین بکشید.

درست این طوری که من می‌کشم. خیلی خوب است. اما ادامه‌ی مسابقه‌ی حواست را جمع جمع کن.



حالا با دست چپ روی دست راست می‌زنیم. هرکس این کار را انجام داد، بنشیند. دست چپ را روی دست راست بکشید و پشت دست راست را با دست چپ مسح کنید. سپس پشت دست چپ را با دست راست مسح کنید.

حالا کسانی که در مرحله‌ی اوّل برنده شدند و در این مرحله هم بدون اشتباه و یا کم‌اشتباه بودند، برنده هستند. از شما می‌خواهم که با یک صلوات تشویقشان کنید.

حالا برای سلامتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) هم یک صلوات مهدی (عج الله تعالی فرجه) پسند بفرستید. امیدوارم همیشه شاداب و سرحال باشید. حالا هر دو دست بالا.

خدایا! به ما مهربانی بده

دلی ساده و آسمانی بده

الهی آمین

خدا نگهدارتان

به امید دیدارتان.

پرسش‌ها:

۱ - منظور از خاک پاک چیست؟

الف) نجس نباشد

ب) غصبی نباشد

ج) سفت یا نرم نباشد

۲ - با کدام یک از این‌ها نمی‌شود تیمم کرد؟

الف) آجر

ب) خشت خام

ج) سنگ فیروزه

۳ - در تیمم اول با کدام دست مسح می‌کنیم؟

الف) هردو دست

ب) دست راست

ج) دست چپ

۴ - در چه مواردی می‌شود تیمم کرد؟

الف) آب نباشد

ب) آب برای بدن ضرر داشته باشد

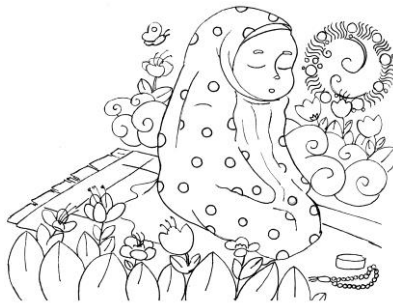
ج) هر دو مورد





# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## نماز

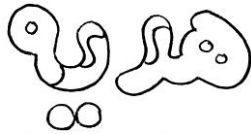


به نام خدایی که بر بندگان      ببخشاید و بس بود مهربان  
دوستان خوبم سلام! از قدیم گفتند سلام چه می آورد؟ آفرین، سلامتی.  
اگر گفتید می خواهیم درباره چه چیزی صحبت کنم؟ من این علامت ها را روی  
تابلو می نویسم تا بعد به کمک یکدیگر آن را کامل کنیم.



حالا به یک قصه کوتاه گوش کنید تا بفهمید این علامت ها چیست؟  
حامد چشم هایش را باز کرد. دید هوا روشن شده است. آمد کنار پنجره. نگاهی  
به حیاط کرد. گل ها و شکوفه ها جلوی خورشید با رنگ های قشنگ می درخشیدند  
و گنجشک ها روی شاخه ها جیک جیک می کردند. مادر توی حیاط به گل ها و  
درختان آب می داد. حامد دوان دوان پیش مادرش رفت. همان طور که دست و  
صورتش را می شست، مادر با لبخند به فرزندش گفت: «می دانی این نعمت ها

همه..... خدا به ما است.» حالا این علامت‌ها را کامل می‌کنیم. آفرین هدیه خدا به ما است.



اگر دهان بسته بود، چگونه می‌توانستیم غذا بخوریم؟<sup>۱</sup> اگر انگشت شست نداشتیم، چگونه می‌توانستیم دکمه پیراهن خود را ببندیم؟ صحبت ما در باره نعمت‌های خدا بود. حامد کنار حوض نشسته بود و گوش می‌داد. بعد مادر حامد، شعری خواند و حامد هم به او جواب داد: «خدا خدای مهربان.»

زمین و هم آسمان

تمام پرندگان

کی آفرید درختان

**خدا خدای مهربان**

دو دست و هم دوتا پا

دو چشم خیلی زیبا

کی آفرید لب‌ها را

**خدا خدای مهربان**

دندان، زبان تو دهان

بینی و ابروهایمان

کی داده است برامان

**خدا خدای مهربان**

هرچه در این جهان است


برای مؤمنان است

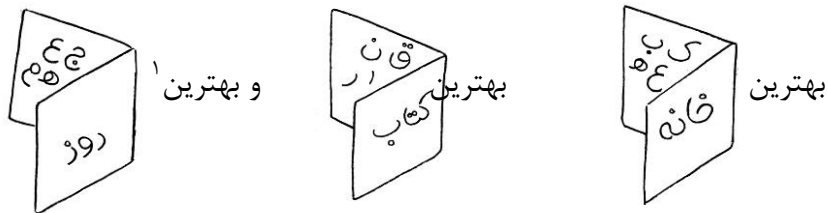
کی داده قلب مهربان

**خدا خدای مهربان**

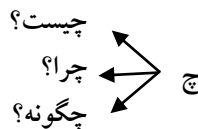
---

۱. لطیفه: چرا وقتی لقمه هنوز وارد دهان نشده است، دهان باز می‌شود؟ دومی: چون حیف است که چنین مهمان عزیزی پشت در معطل بماند.

راستی بچه‌ها! شما هم می‌توانید چند تا از نعمت‌های خدا را نام ببرید.  
در مقابل نعمت‌های زیبایی را که خدا به ما داده است، وظیفه ما چیست؟  
به تخته نگاه کنید. آفرین، باید:  کنیم. می‌دانید هر کاری بهترین دارد، به طور نمونه



اما بهترین بعدی چیست؟ ابتدا اسم چند تا از سوره‌های قرآن را می‌گوییم.  
حرف‌های اول آن‌ها را به هم وصل کنید تا جواب به دست آید.  
نمل - ماعون - آل عمران - زلزال؛  
اگر حرف‌های اول آن‌ها را به هم وصل کنید نماز می‌شود.<sup>۲</sup> پس بهترین راه  
تشکر از خدا نماز است. حالا به تخته توجه کنید. حرف چ را روی تخته نوشتیم. از  
خود بپرسید:



مثلاً از خود بپرسیم: دوستی چیست؟ چرا دوستی؟ چگونه دوستی؟  
یا نماز چیست؟ چرا نماز بخوانیم؟ چگونه نماز بخوانیم؟  
حالا در مورد چگونه نماز خواندن از یکی از دوستان شما می‌خواهیم تا نماز  
بخواند. من مکبر می‌شوم. بعضی جاها را از عمد اشتباه می‌گوییم. ببینم چه کسی

۱. مربی از کارت‌های دوطرفه استفاده کند در یک طرف کلمه‌های خانه، کتاب و روز نوشته و در طرف دوم به صورت حروف به هم ریخته و پراکنده بنویسد تا بچه‌ها کامل کنند: ۱ - کعبه، ۲ - قرآن، ۳ - جمعه.  
۲. مربی می‌تواند هم چهار نیک مثل: نظم، مادر، ایشار، زبان یا چهار نفر از بچه‌ها را از قبل شناسایی کند.  
حرف‌های اول اسم یا فامیل آن‌ها نماز شود. (نادر، محمود، احسان، زمانی)

حواسش جمع است! پس با صدای من شما آماده و مرتب رو به قبله برای نماز بایست. آفرین.



**دانش آموز:** الله اکبر و پس از آن حمد و سوره را می‌خواند.

مربی: قنوت.

بچه‌ها: غلطه آی غلطه.

**مربی:** چرا؟ چون رکعت اول قنوت نداریم. آفرین، پس الله اکبر سبحان الله. سمع الله لمن حمده. دانش آموز به سجده می‌رود. الله اکبر - الله اکبر - سجده دوم. الله اکبر. الحمدلله.

**بچه‌ها:** غلطه آی غلطه. چرا چون تشهد در رکعت اول نداریم. آفرین، بحول الله. رکعت دوم: حمد و سوره، بعد رکوع، نه چرا؟ آفرین، قنوت باید خوانده شود. ذکر قنوت را با هم تکرار کنیم... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. ادامه می‌دهیم. الله اکبر - سبحان الله - رکوع - سمع الله لمن حمده - الله اکبر - سجده - الله اکبر - سجده دوم.

**مربی:** الله اکبر. سجده سوم.

**دانش آموزان:** غلطه، آی غلطه.

**مربی:** چرا؟ آفرین. سجده سوم نداریم. بحول الله بلند می‌شویم. رکعت سوم: تسبیحات اربعه - بعد رکوع - سمع الله لمن حمده - سجده اول و دوم بحول الله.<sup>۱</sup>



نه، پس چه کار کنیم؟ چون نیت ما یک نماز سه رکعتی بوده است؛ باید تشهد بخواند. آفرین، ذکر تشهد را بگویید. حالا بحول الله: نه، نماز سه رکعتی است بعد از تشهد باید سلام نماز خوانده شود. آفرین.

۱. مربی همین‌طور نماز را ادامه دهد تا یک نماز کامل را بچه‌ها انجام دهند.

از این دوست خوب تشکر می کنیم و هدیه ای به رسم یادبود به او می دهیم. حالا نوبت خواندن شعر نماز است. من این شعر را می خوانم. شما جواب بدهید.

«صلی علی محمد صلوات بر محمد»

نماز رکن دین است      مونس مؤمنین است  
نماز خواندن ما      چه خوب و دلنشین است  
صلی علی محمد صلوات بر محمد  
نماز ما مرتب      تو صبح و ظهر و هرشب  
خدا از ما راضیه      نمره همامون عالییه  
صلی علی محمد صلوات بر محمد  
دلهره دشمن از      نماز خواندن ماست  
نماز خواندن ما      ضامن ماندن ماست  
صلی علی محمد صلوات بر محمد  
نماز اساس دین است      مسلمانی در این است  
با خدا صحبت کنیم      به هم محبت کنیم  
صلی علی محمد صلوات بر محمد

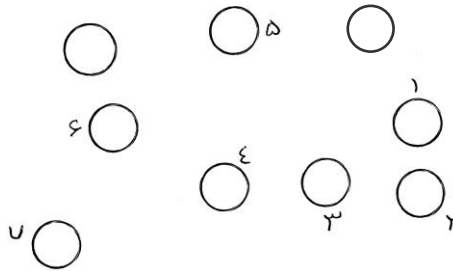
آفرین، تشکر از شما دوستان عزیز که خیلی زیبا و خوب با ما همراه بودید. حالا تصور کنید کنار استخر ایستاده ایم و می خواهیم شیرجه بزنییم. وسایل شنا با خود آورده اید. راستی چرا حمام می رویم و دست های خود را با صابون می شوئیم؟ آفرین، برای پاکیزگی و نظافت و سلامتی. حالا برای پاکیزگی روح خود چه کنیم؟ به این حکایت گوش دهید. روزی عده ای از یاران پیامبر اسلام، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) از ایشان پرسیدند: «نماز چه فایده ای دارد؟» حضرت فرمود: «نمازهای پنج گانه مانند نهر آب است که بر در خانه ها روان است و نماز گزار هر روز ۵ نوبت خود را در آب زلال آن شست و شو می دهد. دیگر هیچ آلودگی باقی نمی ماند.»

حالا یک جمله می نویسم. چه کسی می تواند آن را کامل کند و بقیه جمله را بگوید. می توانید به صورت گروهی هم جواب دهید. یعنی هر پنج نفر یک گروه بشوند و زیباترین جمله را انتخاب کنند.

من نماز را دوست دارم، زیرا

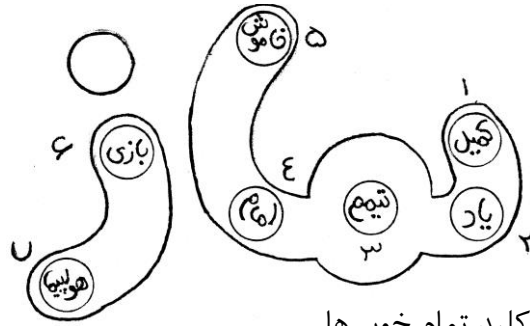
با خدا صحبت می کنیم  
 آفرین ← دستور او را اجرا می کنیم  
 راه رسیدن به سعادت و خوشبختی است

حالا ما چند دایره در این جا داریم که رازی دارند. برای پیدا کردن راز دایره ها به چند سؤال جواب دهید. من پاسخ شما را در داخل دایره ها به ترتیب می نویسم.



- ۱ - چه دعایی در شب های جمعه خوانده می شود؟ «کمیل»
- ۲ - همه کارها را با نام و..... خدای بزرگ آغاز می کنیم. «یاد»
- ۳ - اگر آب پیدا نکنیم، برای خواندن نماز چه کار می کنیم «تیمم»
- ۴ - به کسی که در نماز جماعت جلوتر از همه می ایستد، چه می گویند؟ «امام»
- ۵ - آن چیست که هنوز خاموش نشده است؟ «خامو»
- ۶ - آن چیست که خیلی دوستش داریم، اما اگر در نماز انجام بدهیم، نمازمان باطل است «بازی»
- ۷ - وسیله مسافرت در آسمان؟ «هواپیما»

حالا حروف اول و آخر این کلمه‌ها را کنار هم قرار دهید تا راز دایره‌ها را پیدا کنید.



آفرین بر شما! کلید تمام خوبی‌ها.

حالا کلید تمام خوبی‌ها چیست؟ من این دایره‌ها را به هم وصل می‌کنیم تا جوابش مشخص شود. بله، «نماز» کلید تمام خوبی‌هاست.

آفرین دوستان خوبم! حالا دعا می‌کنم و شما آمین بگویید.

ای مهربان‌تر از مادر، ما را موفق کن تا به دیگران خدمت کنیم!

ای خدایی که باغ و باغچه را در بهار زنده می‌کنی، دل و جان ما را با بهار قرآن زنده کن!

ای خدایی که گل‌های سرخ و محمدی را عطراگین آفریدی، ما را با عطر خوبی‌ها خوشبو کن!

خدایا، به ما تندرستی و سلامتی ده تا بهتر بتوانیم تو را عبادت کنیم!

پرسش‌ها:

۱ - در حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمازهای پنج‌گانه به چه

چیزی تشبیه شده است؟

الف) نهر آب

ب) شکوفه گل‌ها

ج) آسمان ابری

۲ - کدام رکن نماز نقطه ندارد؟

الف) سوره حمد

ب) لا اله الا الله

ج) رکوع

۳ - در رکعت سوم بعد از سجده دوم چه می‌خوانیم؟

الف) تشهد

ب) سلام

ج) سوره حمد

۴ - بهترین خانه و بهترین روز کدام‌ها هستند؟

الف) خانه بزرگ، روز جمعه

ب) کعبه، روز جمعه

ج) کعبه، روز شنبه



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صدف



به نام خدایی که بر بندگان ببخشايد و بس بود مهربان

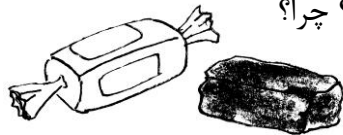
بچه‌های خوب سلام! امیدوارم که حالتان بهتر از دیروز باشد.<sup>۱</sup>

بچه‌ها در داستان من چه می‌بینید؟

کدام یک تمیزتر و بهداشتی‌تر است؟

شما کدام یک را برای خوردن انتخاب می‌کنید؟ چرا؟

این دو چه تفاوتی با هم دارند؟



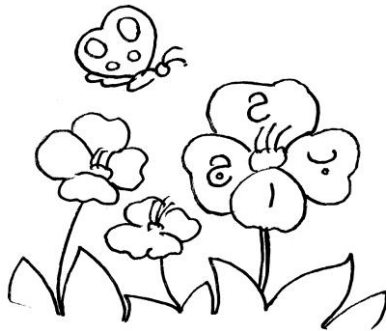
۱. مربی از قبل دو عدد شکلات، یکی با پوشش و دیگری بدون پوشش تهیه و آماده کند و همراه خود به کلاس بیاورد.

کدام زودتر فاسد می‌شود؟

اگر این دو را به همین صورت (با پوشش و بدون پوشش) در فضای باز قرار دهیم، حشراتی مانند مورچه، سوسک و... به سراغ کدام یک زودتر می‌روند؟ آیا می‌دانید چرا اطراف باغ‌ها و مکان‌های زیبا را دیوار و حفاظ درست می‌کنند؟ آیا این کار لازم است؟

آیا می‌دانید که گل‌های زیبا نیاز به حفاظت دارند تا چیده نشوند. خانه‌ها نیاز به دیوارکشی دارد تا کسی به درون آن نگاه نکند و وارد آن نشود. همچنین اشیای باارزش را در مکان مخصوص قرار می‌دهند تا از دسترس دزدان در امان باشد.

حالا ارزش این چیزها بالاتر است یا وجود خودتان؟



آفرین، وجود شما با ارزش‌تر از هزاران شاخه گل و اشیای گران‌قیمت است. برای این که بدانید که چگونه گل وجودتان را از بیگانگان و غریبه‌ها حفظ کنید با حروف به هم ریخته این گل یک کلمه مناسب بسازید

کلمه مورد نظر **حجاب** است.

آیا می‌دانید خداوند به شما علاقه فراوانی دارد به گونه‌ای که یک سوره قرآن به نام شما است. می‌دانید کدام سوره؟ آفرین بر شما! سوره مبارکه (نساء) علاوه بر آن آیات زیادی در قرآن، کتاب آسمانی ما وجود دارد که به زنان دستور داده است که چه کارهایی را انجام بدهند و چه کارهایی را انجام ندهند. در این قسمت از برنامه «نظر شما را به یک آیه از قرآن جلب می‌کنم که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای رسول ما (پیامبر) به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو تا خود را بیوشانند.»<sup>۱</sup>

در این آیه خداوند به زنان مؤمن دستور داده است که حجاب را رعایت کنند، یعنی این که خود را از نامحرم بپوشانند. پوشیدن بدن به نفع خود زن می‌باشد، چون با رعایت کردن حجاب دیگر افراد شیطان صفت نمی‌توانند مزاحمت برای زنان ایجاد کنند. حالا بچه‌های خوب بعد از این که همه با هم سه مرتبه یا زهرا(سلام الله علیها) گفتیم. یک قصه‌ی جالبی درباره‌ی حجاب برایتان نقل می‌کنم. خوب توجه کنید:



راضیه دختر ۱۰ ساله‌ای است که با خواهرش از مدرسه‌ایی در فرانسه به جهت رعایت حجاب اخراج شده‌اند. وی در نامه‌ای این چنین می‌نویسد:

روزها می‌گذشت و من به مدرسه می‌رفتم. هر روز مدیر مدرسه برای پدرم نامه می‌نوشت و از او درخواست می‌کرد که اجازه دهد تا من بی‌حجاب به مدرسه بروم. فکر می‌کرد که من حجاب را به اجبار پدرم رعایت می‌کنم. در آخرین نامه‌اش برای پدرم چنین نوشت: اگر راضیه روسری‌اش را در نیاورد، دیگر حق به مدرسه آمدن را ندارد. این نامه را صبح به من داده بودند. بعد از ظهر وقتی برای آوردن کتاب‌ها به مدرسه رفتم، دیدم که مدیر مدرسه مثل فرمانده پادگان همراه چندتا از معلمان جلوی در ایستاده بود. او به خیال این که من می‌خواهم به کلاس بروم با عصبانیت و خشونت گفت: no no raziye.

من در آن موقع ناراحت شدم. بغض گلویم را فشار داد، ولی با این حال به او گفتم که من برای برداشتن کیفم آمده‌ام.

من از آن روز دیگر به مدرسه نمی‌روم و در خانه درس‌های خود را ادامه می‌دهم، اما این برخورد بی‌ادبانه مدیر را هرگز فراموش نمی‌کنم.

خبرنگار شبکه سه تلویزیون فرانسه که پرسیده بود: آیا حجاب خود را ادامه می‌دهی یا نه؟! گفت: حجاب در اسلام از ۹ سالگی برای ما دختران واجب است. من از نه سالگی چادر به سر کرده‌ام و تا آخر عمر هم آن را رعایت خواهم کرد. من بازی با بچه‌ها و رفتن به مدرسه را دوست دارم، ولی دینم و حجابم را از همه چیز بیش‌تر دوست دارم و حاضرم در خانه تنها باشم، ولی خدا از من راضی باشد...<sup>۱</sup>

بچه‌ها! این داستان یک دختر مسلمان در یک کشور خارجی بود. حالا شما دخترهای بایمان در این کشور امام زمان (عج) زندگی می‌کنید چگونه باید باشید؟ باید از این دختر ۱۰ ساله یاد بگیرید که برای رضایت خداوند و خشنودی قلب امامان (علیهم السلام) به ویژه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حجاب و پوشش دینی خود را رعایت کنیم تا دارای جامعه‌ای خوب و نمونه باشیم.

در این قسمت از برنامه یک مسابقه اجرا می‌کنیم. دو مسأله از شما سؤال می‌کنم. هر که زودتر پاسخ صحیح را بدهد در مسابقه شرکت می‌کند.

۱ - در آیه سوره احزاب خداوند به زنان و دختران چه گفته بود؟ بله درود بر شما! خداوند فرمود: «که پوششی برای خودتان قرار دهید.»

۲ - بیرون بودن مو چه حکمی دارد؟ حرام است.

حالا از دو نفری که جواب صحیح را دادند، می‌خواهم در مسابقه شرکت کنند. مسابقه ما در سه مرحله برگزار می‌شود.

مرحله اول: از دوستان شما می‌خواهم که کلمه «حجاب» را با یک نفس بگویند. هر کدام دارای نفس زیاده‌تری باشد، امتیاز این مرحله را خواهد گرفت.

۱. اسدالله محمدی‌نیا، بهشت جوانان، نصاب قم، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۲۲۷. (راضیه نادران، ۱۰ ساله از کلرمون فرانسه)

۱۹۰.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

(حجاب را به صورت کشیده بیان کنید) با تشویق نفر برتر این مرحله، سراغ مرحله دوم می‌رویم.

از شما دو نفر می‌خواهم که به ما بگویید نامحرم چه کسی است؟<sup>۱</sup>

به هر یک از شما کارتی می‌دهم. شما باید ابتدا به شعری که می‌خوانم گوش کنید. هرگاه من از شما پرسیدم جواب را با کارتی که مربوط به آن است بدهید.

حجابش ناتمامه

اشکال داره حرامه

آماده هستید؟!

صورت و دست تا مچها	حد حجاب شرعی
حرامه باشه پیدا	غیر از دو دست و صورت
ای دخترهای باهوش	حضرت زهرا فرمود
حجاب نشه فراموش	در پیش نامحرم‌ها
روسری شو نبسته	یه دختری بچه‌ها
تو کوچه‌شون نشسته	بدون کفش و جوراب
حجاب او کامله؟	می‌خوام بدونم آیا
وقتی که بیرون می‌ره	تو تفریح و زیارت
می‌شه وضو بگیره؟	در پیش نامحرم‌ها
یه دختر دیگری	تو کوچه و تو بازار
از گوشه روسری <sup>۲</sup>	موهش که مونده بیرون

۱. مربی دو عدد کارت آماده می‌کند و به هر دو شرکت‌کننده می‌دهد. باید به موقع آنچه روی کارت‌ها نوشته شده است را بیان کنند. بعد از دریافت جواب از این دو نفر، جواب را کامل کند و بگوید که نامحرم مردان یا پسرانی هستند که باید در مقابل آن‌ها دارای پوشش کافی باشیم.

۲. محمد گرمابدشتی، جشن تکلیف، عصمت قم، ۱۳۸۸، ص ۷۰.

بچه‌های خوب! این دو نفر را تشویق کنید تا سراغ مرحله سوم مسابقه برویم. چادر خوب چه نوع چادری است؟ (گران قیمت باشد، یا همه بدن را بپوشاند) آفرین، همه بدن را بپوشاند.

من چند کارت آماده کرده‌ام. آن‌ها را به تابلو نصب می‌کنم. نفر اول محرم‌ها و نفر دوم نامحرم‌ها را از تابلو جدا کند. بعد از اتمام کارت‌ها دوباره هر نفر کارت‌های خود را در یک گوشه‌ی تابلو نصب نماید. مدت این مسابقه هم ۵ دقیقه است. با تشویق شما دانش‌آموزان خوب و هدیه صلوات بر محمد و آل محمد مسابقه را شروع می‌کنیم.<sup>۱</sup>

شوهرخواهر	برادر	پسرخاله	پسردایی	شوهر عمه	دایی
پسرعمو	بابا بزرگ	پسرخواهر	بابا	عمو	دوست بابا

حالا امتیاز دوستان شما را با هم جمع می‌کنیم تا نفر برتر مشخص شود. خوب بچه‌ها! برنامه را با یک شعار ادامه می‌دهیم. همه با هم آن را تکرار کنید. حفظ چادر حفظ دین و مذهب است

شیوه زهرا و درس زینب است

به این نکته هم توجه کنید:

حضرت زهرا(س) هیچ وقت بدون چادر از خانه بیرون نمی‌رفت. حضرت زینب(س) حتی در میدان جنگ در روز عاشورا حجاب خود را حفظ می‌کرد. پس شما دختران مذهبی و مسلمان از این دو بانوی نمونه یاد بگیرید و حجاب خود را رعایت کنید و با این کار خود، خدای مهربان را راضی کنید.

خدایا، به آبروی زهرا(سلام الله علیها) به زنان کشور ما عفت و پاکدامنی عنایت بفرما!

دختران ما را از شر آدم‌های بد و شیطان صفت دور بگردان!  
بحق محمد و آل محمد.

۱. هرکدام زودتر و به طور صحیح جابه‌جایی کارت‌ها را انجام دهد، به عنوان برنده این مرحله محسوب می‌گردد.

پرسش‌ها:

۱ - نام کدام سوره به معنای زنان است؟

الف) مریم

ب) نساء

ج) کوثر

۲ - چرا راضیه را از مدرسه اخراج کردند؟

الف) غیبت زیاد داشت

ب) باحجاب بود

ج) بی‌حجاب بود

۳ - کدام‌یک از افراد زیر محرم است؟

الف) پسر خاله

ب) پسر دایی

ج) عمو

۴ - چادر خوب چه چادری است؟

الف) رنگی باشد

ب) ارزان قیمت باشد

ج) همه بدن را بپوشاند



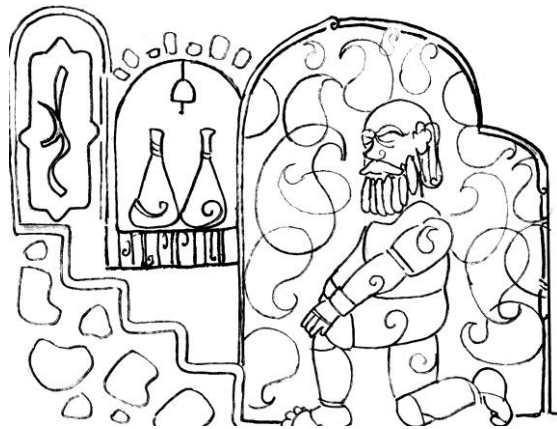


اجتماعی



# بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پهلوانان



دل آرام گیرد به یاد خدا  
خدایی که پشت و پناه تو است  
خدایی که از کودکی یار تو  
و در بی کسی تکیه گاه تو است

با سلام به شما دانش آموزان پرشور و ورزش کار!  
سه ورزش را نام ببرید که «بال» دارد؟ فوتبال، بسکتبال، والیبال  
ورزشی را نام ببرید که در آن از وزنه های سنگین استفاده می کنند؟ وزنه برداری  
به مسابقات علمی در زمینه های گوناگون، مثل ریاضی، علوم و... چه می گویند؟

المپیاد

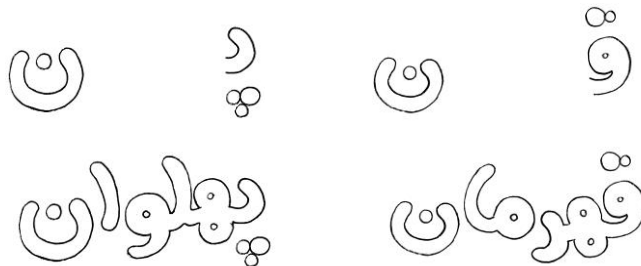
افراد برگزیده در مسابقات ورزشی و علمی چگونه به این مقام‌ها رسیده‌اند؟ بله، آنان با استفاده از تمامی توانایی علمی، بدنی و هوش خود از سایر افراد سبقت گرفته‌اند.

حالا از شما می‌خواهم هر یک خودتان را در هر زمینه‌ای (علمی، ورزشی، فنی و...) که احساس می‌کنید توانایی لازم را در انجام آن دارید معرفی کنید تا آن‌ها را روی تخته بنویسم.<sup>۱</sup>

از همه شما متشکرم، از این نمودار معلوم می‌شود که افراد این کلاس دارای چه توانایی‌هایی هستند، مانند دروازه‌بانی فوتبال، شنا، خوشنویسی، نقاشی، کاردستی، ریاضی، انشا، شعر گفتن، صوت خوب برای قرائت قرآن، خیاطی و... هم‌چنین هر کسی دارای توانایی خاصی است و یک نفر دارای همه توانایی‌ها نیست. بچه‌ها! دقت کنید چرا به این توانایی‌ها باید توجه کنیم؟

بلی، چون آشنایی با آن‌ها موجب می‌شود تا با استفاده خوب به اهداف خود برسیم.

بچه‌ها به این دو کلمه توجه کنید. چه کسی می‌تواند این کلمه‌ها را حدس بزند.



کدام مهم‌تر است؟ قهرمان یا پهلوان.

۱. مربی کلمه‌ها را به صورت نمودار بر روی تخته بنویسد، مثل توانایی‌های ورزشی، علمی، فنی

احسنت، پهلوان، چون کسی است که مثل همه قهرمان‌ها از تمامی توانایی‌هایش استفاده می‌کند، اما یک ویژگی خاص دارد. به دیگران فخر نمی‌فروشد. مانند چه کسی؟ بله، مثل جهان پهلوان تختی که شما داستان زندگی او را خوانده‌اید، اما من امروز می‌خواهم یک جهان پهلوان دیگر را به شما معرفی کنم. پس به این داستان خوب گوش کنید.

در هفتصد سال پیش، مسابقه‌ای برگزار شد بین دو قهرمان؛ یکی قهرمان ایران و دیگری قهرمان هندوستان، اما شب قبل از مسابقه یک حادثه اتفاق افتاد، قهرمان ایرانی آن شب در تاریکی، از جایی عبور می‌کرد که صدای زنی را شنید که با خدا مناجات می‌کرد: «خدایا، از تو می‌خواهم که فردا او در این مسابقه پیروز شود!»

قهرمان ایرانی از او پرسید که برای چه کسی دعا می‌کند؟



او گفت: «فردا قرار است پسر من با قهرمان ایرانی مبارزه کند. من جز او کسی را ندارم. از خدا می‌خواهم که او پشت قهرمان ایرانی را به خاک بمالد و قهرمان شود و ما را از تنگدستی و فقر نجات دهد.»

فردا به هنگام مبارزه، پس از حرکتهای مختلف، پهلوان ایرانی اجازه داد تا قهرمان هندی کمر او را بگیرد و بر سر دست بلند کند و پشتش را به زمین بزند. تماشاگران با حیرت به این کشتی نگاه می‌کردند و از شکست پهلوان ایرانی ناراحت شدند، اما او پیش خودش احساس خوبی داشت.

نام پهلوان ایرانی چه بود؟ احسنت، پوریای ولی.<sup>۱</sup>

۱. پهلوان محمود خوارزمی ملقب به پوریای ولی. نیز ملقب به قتالی. اصل او از مردم گنجه است. شجاعی عارف بود. او را مثنوی به نام کنزالحقایق است. وی به سال ۷۲۲ هجری در خیوق درگذشته است. از اوست: افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

آیا او شکست خورد؟ بلی، او به قهرمانی نرسید، اما پهلوان نام گرفت، چون با این که می توانست به راحتی حریفش را شکست دهد، اجازه داد که او قهرمان بشود. او با گذشت و از خودگذشتگی، پهلوان شد و از آن زمان به بعد، همه قهرمانان او را سرمشق و الگوی خود قرار داده اند.

اگر کسی قدرت خود را به رخ دیگران نکشد و در مقابل دیگران فخرفروشی نکند به او چه می گویند؟ انسان متواضع و فروتن.

حالا مسابقه ای برگزار می کنیم که نیاز به دو گروه سه نفره دارد. نام یک گروه متواضع است و گروه دیگر فروتن.

مسابقه در سه مرحله انجام می شود. سؤال ها درون این پاکت ها است. نوبت هر گروه که شد، یکی از پاکت ها را باز کرده و سؤال را از آنان می پرسم، هر گروه پس از مشورت به سؤال پاسخ می دهد.<sup>۱</sup>

### مرحله اول

با کلمه های پراکنده جمله بسازید. شما یک دقیقه فرصت دارید تا جمله را کامل بر روی تخته بنویسید.<sup>۲</sup>

### گروه متواضع:

موجب، می شود، فروتنی، انتشار، فضیلت ها.

### گروه فروتن:

تکبر، پستی، می شود، موجب، آشکار شدن.<sup>۳</sup>

---

درباره پوریای ولی افسانه هایی در میان پهلوانان رایج است. (لغت نامه دهخدا، ج ۱۳)  
۱. در مرحله اول، سه پاکت وجود دارد که برای هر گروه یک سؤال طرح شده است.  
۲. درون پاکت، دو برگه سؤال وجود دارد که در اختیار گروه مربوطه قرار می دهید.  
۳. قال علی (علیه السلام): التواضع ينشر الفضيلة، التكبر يظهر الرذيلة. (غررالحکم)

۲۰۰.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

با تشکر از هر دو گروه که به سؤال اول پاسخ دادند، اما از هر کدام می‌خواهم که درباره جمله خود توضیحی بدهند.

حالا نوبت سؤال دوم است. آماده هستید. پس پاکت دوم را باز می‌کنم.  
جای خالی را با کلمه‌های هم‌معنا پر کنید. این کلمه‌ها سه حرفی است.  
**گروه متواضع:**

نتیجه، تکبر، ..... و دشنام است.

**گروه فروتن:**

نتیجه، تواضع، ..... و محبت است.<sup>۱</sup>

احسنت، نتیجه تکبر، فحش و دشنام و نتیجه تواضع، مهر و محبت است. آیا می‌توانید درباره نتیجه این رفتارها توضیح دهید؟

با تشکر از توضیح خوبی که ازایه کردید. خیلی سریع به سراغ پاکت سوم می‌رویم. شما هم سریع با حروف پراکنده، کلمه مناسب را درست کنید و جمله را بر روی تخته بنویسید.

**گروه متواضع:**

آن که از خود [ا - ر - ض - ی] است، [ش - ش - د - ن - ن - م - ا] فراوان شوند.

**گروه فروتن:**

آن که [خ - د - ا - و - ز] راضی است [ای - ی - ا - ع - ب - ه - ش] آشکار شود.<sup>۲</sup>

**مرحله دوم:**

با تشکر از هر دو گروه که به خوبی به سؤال‌های مرحله اول پاسخ دادند. در این مرحله باید از اطلاعات قرآنی استفاده کنید. برای هر گروه یک سؤال داریم که با

۱. قال علی (علیه السلام): ثمرة التواضع المحبة، ثمرة التكبر المسبة. (غررالحکم)

۲. قال علی (علیه السلام): من رضى عن نفسه كثر الساخط عليه - من رضى عن نفسه ظهرت عليه المعاتب.

پهلوانان ..... ۲۰۱

عنوان «من کیستم؟» می باشد. هر گروه عبارت را می خواند و گروه مقابل، پاسخ آن را می دهد.

آماده هستید. گروه متواضع پاکت را باز کند و سؤال را مطرح کند:

در اعتراض به خداوند گفتم: من از او برترم، چون من از آتش هستم و او از خاک.

پاسخ گروه فروتن: شیطان است.

احسنت به گروه فروتن، این شیطان است که وقتی خداوند از شیطان پرسید:

«چرا به آدم سجده نکردی و به دستور من عمل نکردی؟» شیطان گفت: «من از

او برترم.»<sup>۱</sup>

حالا نوبت گروه فروتن است که سؤالش را مطرح کند.

پیامبری هستم که در کودکی بعد از دوری از پدر و مادر و زندانی شدن در بزرگ سالی به قدرت و حکومت رسیدم.

پاسخ گروه متواضع: حضرت یوسف (علیه السلام).

بارک الله به گروه متواضع که خیلی سریع پاسخ دادند. بلی، حضرت یوسف

وقتی به دیدار پدر و مادرش رسید، خدا را شکر کرد و همه خوبی ها را از خداوند

دانست.<sup>۱</sup>

۱. قال ما منعك الا تسجد اذ امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين. (سوره اعراف، ۱۲)



### مرحله سوم:



با تشکر از هر دو گروه. در این مرحله هر گروه باید آن‌چه را که در پاکت مربوط به آن گروه آمده است را به نمایش بگذارد و گروه مقابل موضوع را تشخیص دهد. **گروه متواضع:** دانش‌آموزی که وضع مالی او خوب است و لوازم‌التحریر، کیف و یا ساعت جدیدی خریده است و آن را به رخ دیگران می‌کشد.

**گروه فروتن:** دانش‌آموزی که بلد نیست کاردستی درست کند، ولی از دیگران می‌پرسد و از آن‌ها می‌خواهد که به او کمک کنند و در پایان از آن‌ها تشکر می‌کند.

با تشکر از هر دو گروه که توانستند موضوع را به نمایش بگذارند و گروه مقابل هم خوب تشخیص داد.

در نمایش گروه متواضع، یک شخص متکبر معرفی شد و در نمایش دوم معلوم شد کسی که توانایی انجام کاری را ندارد می‌تواند از دیگران کمک بگیرد و از این همکاری تشکر نماید که این نشانه‌ی یک انسان متواضع است.



در پایان می‌خواهم شما را با عده‌ای از کسانی که همسن و سال شما بودند، آشنا کنم که از توانایی‌های خود استفاده کردند و کاری انجام دادند که همه دنیا را به شگفت آوردند، اما زندگی خیلی ساده‌ای داشتند و هرگز مغرور و خودخواه نبودند. پس به این شعر توجه کنید.

کسی ز راز رفتنش خبر نداشت	سیزده بهار بیش تر نداشت
در شناسنامه دست برده بود	یعنی این که چاره‌ای دگر نداشت
هیچ بچه‌ای به سنّ و سال او	زین میانه جرأت سفر نداشت
عزم، جزم کرده بود - می‌رود	ذره‌ای گمان در او اثر نداشت
آن چنان یقین در او شکفته بود	آن چنان که شاید و اگر نداشت <sup>۱</sup>

این دانش آموز سیزده ساله عزم چه سفری کرده بود؟ بلی، جبهه.

بسیجیان در جبهه بسیار ساده زندگی می‌کردند، حالا نوبت شماست که به دیدار خانواده شهدا، جانبازان و بسیجی‌های محل زندگی خودتان بروید و خاطره‌های آن‌ها را درباره رفتارهای خوب عزیزانشان جمع‌آوری کنید تا در زمان مناسبی به عنوان شب خاطره‌ها از آن‌ها استفاده کنیم. هم‌چنین خودتان تلاش کنید که این کارهای زیبا را انجام دهید.

---

۱. عبدالحسین رحمتی، مجموعه برگزیده چهاردهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس به کوشش علیرضا قزوه، ناشر لوح زرین، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۴، ص ۱۳۲.

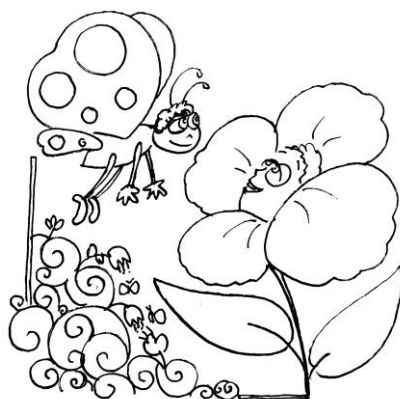
پرسش‌ها:

- ۱ - نتیجه تواضع چه چیزی است؟
  - الف) خواری و ذلت است
  - ب) دشنام و نفرین است
  - ج) محبت و دوستی است
- ۲ - عیب‌های چه کسی آشکار می‌شود؟
  - الف) از خود راضی
  - ب) دروغ‌گو
  - ج) دزد
- ۳ - حضرت یوسف (علیه السلام) به حکومت رسیدن را از چه کسی می‌دانست؟
  - الف) توانایی‌ها و قدرت خودش
  - ب) از حاکم مصر
  - ج) از خداوند



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گل و پروانه



به نام خدا

خدایی که با یاد او

دلَم می شود مهربان

خدایی که در هر کجاست

زمین، توی دل، آسمان

با سلام به شما بچه‌های خوب! امروز می‌خواهم برای شما یک کاردستی زیبا درست کنم که همه شما تا به حال آن را درست کرده‌اید. پس خوب به دست‌هایم نگاه کنید. نه، به شعری که می‌خوانم خوب توجه کنید تا نام وسیله مورد نظرت را به دست آورید.

من دارم	هم زیبا	می‌گیرم	می‌ریزم
می‌سازم	هم خوش‌رنگ	از صحرا	در موشک
در ذهنم	هم ساده	یک عالم	هم گل، هم
یک موشک	هم کوچک	پروانه	پروانه

خوب، وسیله‌ای که ساخته شد چه بود؟ احسنت، موشک.  
درون آن چه ریختم؟ گل و پروانه. با آنها چه می‌خواهم بکنم؟ به بقیه‌ی شعر  
توجه کنید:

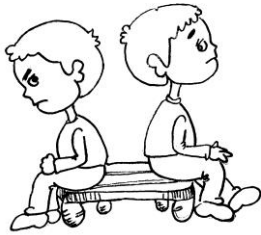
می‌افتد  
آن موشک  
بر بام  
هر خانه  
می‌بارد  
بر هر جا  
هم‌گل، هم  
پروانه  
آن موشک  
دنیا را  
گل‌باران  
خواهد کرد  
شادی را  
در دل‌ها  
صدچندان  
خواهد کرد<sup>۱</sup>

ان‌شاءالله همه‌ی شما از کسانی هستید که موشک‌های گل و پروانه‌ای به پرواز در  
می‌آورید، اما نه از آن کسانی که با پرتاب سنگ، شیشه‌های خانه‌ها را می‌شکنند.  
بچه‌ها! آیا می‌دانید که اگر کسی به دیگران ضرر بزند، در صورتی که پدر او  
خسارت ندهد، سال‌ها بعد که او بزرگ شد، خودش باید جبران کند و خسارت

۲۰۸.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

بدهد. حالا از چهار نفر از دوستان می‌خواهم تا تجربه‌ای را برای شما به نمایش درآورند. چه کار باید انجام دهند؟

نفر اول شروع به صحبت کند، اما سه نفر دیگر با صدای بلند شلوغ کنند. متشکرم، از نفر اول سؤالی دارم. احساس تو در این موقع چه بود؟ بلی، از این که دوستان به حرف تو توجه نکردند، بسیار ناراحت شدی. حالا تجربه دیگر، به دو گروه دونفره تقسیم شوید. حالا هر کدام جمله‌ای بگویند و نفر بعدی خوب گوش کند و جمله دوستش را تکرار کند.



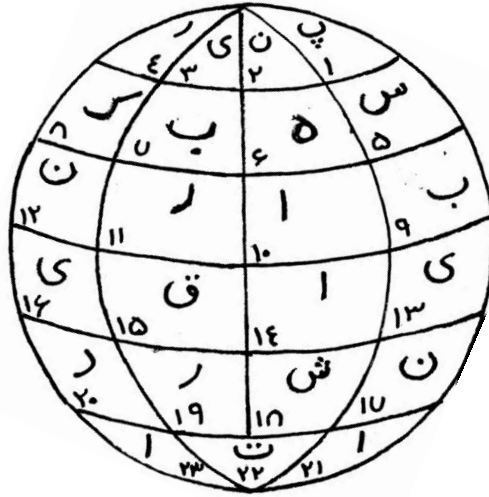
با تشکر از دوستان! حالا شما بین این دو تجربه مقایسه کنید و بگویید چه تفاوتی بین تجربه اول با دوم، مشاهده کردید؟

بلی در تجربه دوم چون هر کدام به صحبت دوستشان توجه کردند، توانستند جمله او را خوب بفهمند و صحیح و کامل تکرار کنند. در ضمن دوستشان از آن‌ها ناراحت نشد.

اگر بین دوستانتان اختلافی پیش بیاید و آن‌ها با هم درگیر شوند، شما چه می‌کنید؟

بهتر است بیاپید این جدول را حل کنیم تا معلوم شود چه باید کرد؟<sup>۱</sup>  
جدول یک پیام جهانی دارد. برای همین تصویر دایره‌ای را می‌کشیم که نماد کره زمین است. شما حرف اول جدول «پ» را بنویسید و چهارتا چهارتا بشمارید.

۱. مربی هنگام رسم جدول، ضمن پر کردن حروف خانه‌های جدول ارتباطش را با دانش‌آموزان قطع نکند. مثل این که بپرسد بچه‌ها دقت کنید چه خوردنی خوشمزه‌ای در این جدول آمده است: پنیر و...



بلی، پیام عبارت است از «پس بین آنها آشتی برقرار کنید.» این جمله برگرفته از ترجمه این آیه شریفه است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ»<sup>۱</sup> همانا مؤمنان برادر یکدیگرند. پس بین برادرانتان آشتی برقرار کنید. در این آیه بین افراد چه رابطه‌ای وجود دارد؟ بلی، آنها با هم برادر هستند. اگر بین آنها درگیری شد، وظیفه ما چیست؟ احسنت، باید بین آنها صلح و دوستی برقرار کنیم.

حالا به این حکایت گوش کنید.



شخصی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! کاری یادم بده تا آن را انجام دهم.» حضرت (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: «خشمگین مشو.» آن مرد پیش خودش گفت:

۱. حجات، ۱۰.



«عجب کار ساده‌ای، همین جمله مرا کافی است. به آن عمل خواهیم کرد.»

بعد از آن به سمت شهر و دیار خودش برگشت، هنگامی که به قبیله خودش رسید، متوجه شد که بین افراد قبیله او با قبیله درگیری شده است و آن‌ها به جان هم افتاده‌اند. او برای دفاع از نزدیکانش دست به اسلحه برد تا با بقیه بجنگد، اما یک لحظه به خودش آمد و گفت: «مگر تو به پیامبر(صلی الله علیه و آله) قول ندادی که خشمگین نشوی.» کمی با خودش فکر کرد و نقشه‌ای کشید. او اسلحه‌اش را به کناری نهاد و به نزد سران گروه مقابل رفت و آن‌ها را دعوت به آشتی کرد. او پیشنهاد کرد که اگر خسارتی به آن‌ها وارد شده است، همه خسارات را بپردازد.

سران قبیله مقابل، وقتی پیشنهاد او را شنیدند، گفتند که نه تنها دست از دعوا و درگیری بر می‌دارند، بلکه خودشان به افرادی که ضرر و زبانی به آن‌ها وارد شده خسارت خواهند داد. در نتیجه نزاع خاتمه یافت.<sup>۱</sup>

خوب بچه‌ها! یک سؤال دارم: اگر کسی خواست با شما دعوا کند چه می‌کنید؟ اگر به شما گفت: «ترسو و یا بی‌عرضه» چه می‌کنید؟ آیا با او درگیر می‌شوید؟<sup>۲</sup> احسنت به شما! به او خواهید گفت: «من نمی‌ترسم و بی‌عرضه هم نیستم، اما دوست ندارم با تو دعوا کنم.»

حالا نوبت یک بازی است. هر کدام از شما روی یک کاغذ (۱۰×۱۰) کاری که او را خوشحال می‌کند و روی کاغذ دیگر (۱۰×۱۰) کاری که او را ناراحت می‌کند، بنویسید.<sup>۳</sup>

روش بازی به این صورت است که این کاغذها را از پشت کنار هم به صورت قطار، روی زمین می‌گذاریم. بعد از هر دو کارت، یک کارت که روی آن کلمه

۱. محمد بن یعقوب الكلینی، الاصول من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۱۱.

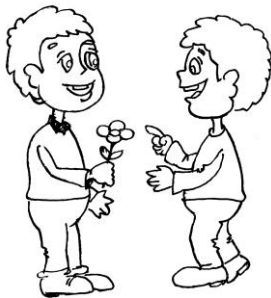
۲. پاسخ دانش‌آموزان را گوش کنید.

۳. کارت‌های نوشته شده را بررسی کنید و موارد تکراری را کنار بگذارید.

پروانه نوشته شده است، قرار می‌دهیم که هرکس به آن برسد می‌تواند چهار خانه جلو برود.

برای شروع بازی، من چهارتا کارت دارم که اعداد یک تا چهار روی آن نوشته شده است. هرکدام از شما یکی از این کارت‌ها را انتخاب کند و مطابق شماره جلو برود. اگر به کارتی رسید که کار خوب و پسندیده بود، باید احساسش را بیان کند و یا آن را انجام دهد و اگر به کارتی رسید که کار بد ناراحت‌کننده بود باید یک راه حل بیان کند. بعد نوبت نفر بعدی است. هر که زودتر به پایان برسد، برنده مسابقه است. آماده هستید. پس شروع می‌کنیم.<sup>۱</sup>

نفر اول، شماره کارت شما چیست؟ ۴، پس چهار خانه جلو بروید. بر روی آن چه نوشته شده است؟  هدیه.



اگر کسی به من هدیه بدهد از او تشکر می‌کنم. حالا نوبت نفر بعدی است. یکی از این کارت‌هایی را که در دست من است، انتخاب کن چه شماره‌ای آمد؟ شماره ۳

خوب، شما سه خانه جلو برو. روی آن چه نوشته شده است؟ چه عالی  پروانه. پس شما حق دارید که چهار خانه جلو بروید. حالا روی کارت چه نوشته شده است؟  فحش.

اگر کسی به شما فحش بدهد چه می‌کنید؟

---

۱. بازی بین دو نفر انجام گیرد. در صورت اضافه آوردن وقت یا در فرصت دیگر می‌توانید بین سایر افراد هم بازی را ادامه دهید.

آفرین، اول جلوی خشم خود را می گیرید و به او می گوئید خداوند کسی را که فحش بدهد، دوست ندارد. در ادامه به او می گوئید که به جای این کار زشت اگر از من ناراحتی، بهتر است که علت آن را بگویی تا من هم متوجه بشوم که نسبت به تو چه کرده‌ام؟

احسنت به این دوست خوبمان که چه زیبا جلوی ناراحتی خودش را گرفت. حالا نوبت نفر اول است که بار دیگر شماره‌ای دیگر انتخاب کند. کدام کارت را انتخاب کردید؟<sup>۱</sup> بلی، شماره دو را انتخاب کردید، شما حق دارید دو خانه به جلو بروید.<sup>۲</sup>

با تشکر از شما که خیلی خوب احساساتان را بیان کردید و گفتید که چگونه با مشکل روبه‌رو شوید بدون این که دچار دردسر و ناراحتی خود و دیگران گردید. یک سؤال دیگر باقی مانده است. اگر شما از کسی ناراحت شدید و خشم شما را فرا گرفت چه می کنید؟ آیا دعوا می کنید یا کار دیگری انجام می دهید؟ به این کارت‌ها توجه کنید:

خشم قطعه‌ای از آتش شیطان است که در قلب انسان شعله‌ور می شود. برای خاموش کردن آن باید از هر تصمیم و انجام کاری پرهیز کرد. اگر در حال ایستاده هستیم باید بنشینیم و خشم خود را فرو خوریم. همچنین یاد خدا کنیم و وضو بگیریم یا حداقل صورت را بشست و شو دهیم و صلوات بفرستیم و دعا بخوانیم و از خدا بخواهیم که خشم را از ما دور سازد. باید بدانیم که پاداش این کار دوستی خداوند است و این شخص نه تنها ترسو نیست و خوار نمی شود، بلکه خدا به او عزت و بزرگی خواهد داد.<sup>۳</sup>

۱. کارت‌های شماره‌دار را هر بار به هم بزنید تا به صورت اتفاقی شماره‌ها مشخص شود.

۲. بازی به همین صورت ادامه پیدا می کند. هر کس زودتر به خانه پایان برسد، برنده بازی خواهد بود.

۳. موارد ذکر شده در کارت‌ها برگرفته از این احادیث است:

۱ - ذکر الغضب عند ابی جعفر (علیه السلام) فقال: ان الرجل لیغضب فما یرضی ابدأ حتی یدخل النار، فایما رجل غضب علی قوم و هو قائم فلیجلس من فوره ذلک، فانه سیدهب عنه رجز الشیطان.

حالا همه دست به کار شوید. هریک از شما جمله‌ای زیبا، دوباره دوستی و آشتی و دوری از قهر و دعوا بنویسید و یا با همکاری افراد خانواده حدیث و یا آیه و یا نکته‌های جالبی در این باره بنویسید، و آن را در خانه و یا مسجد و مکان‌های دیگر نصب کنید.

اگر در بین افراد خانواده‌تان خبر دارید که خدای ناکرده کسی با دیگری قهر است تلاش کنید با تماس تلفنی و یا صحبت کردن، بین آن‌ها آشتی برقرار کنید تا به این دستور قرآن عمل کرده باشیم که «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ».

خدایا، قلب‌های ما را به همدیگر مهربان ساز!

خدایا، خشم و کینه‌های ما را بر علیه دشمنان دین قرار بده!

- 
- ۲ - عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: من كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
- ۳ - عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: انَّ هَذَا الْغَضَبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَوْقِدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ وَ انَّ أَحَدَكُمْ إِذَا غَضِبَ أَحْمَرَتْ عَيْنَاهُ وَ انْتَفَخَتْ أَوْدَاجُهُ وَ دَخَلَ الشَّيْطَانُ فِيهِ؛ فَإِذَا خَافَ أَحَدَكُمْ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِهِ فَلْيَلْزِمِ الْأَرْضَ، فَانَّ رَجَزَ الشَّيْطَانِ لِيَذْهَبَ عَنْهُ عِنْدَ ذَلِكَ. (كافی، ج ۲، باب الغضب، ص ۳۰۲، احادیث ۲، ۱۵ و ۱۲)
- ۴ - عن الصادق (علیه السلام) انه قال قل عند الغضب اللهم اذهب عني غيظ قلبي واغفر لي ذنبي و... تصلى على النبي و آله و تقول... اجرني من الشيطان الرجيم و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵، ح ۳)
- ۵ - قال رسول الله ﷺ: إذا غضب احدكم فليتوضأ و ليغتسل فان الغضب من النار و قال ابن عباس قال رسول الله ﷺ: إذا غضبت فاسكت. (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۷۲)
- ۶ - عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: ثلاث لا يزيد الله بهن المرء المسلم الا عزاً الصّبح عن ظلمه و اعطاء من حرمه و الصلّة لمن قطع. (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۰۳، ح ۱۰)
- ۷ - الذين ينفقون في السراء و الضراء و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس و الله يحب المحسنين. (آل عمران، آیه ۱۳۴)

**پرسش‌ها:**

- ۱ - اگر بین افراد دعوا و اختلاف پیش آمد، چه باید کرد؟
- الف) از دوست خود دفاع کنیم
  - ب) بین آن‌ها آشتی برقرار کنیم
  - ج) کاری به هیچ کدام نداشته باشیم
- ۲ - سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن شخص که درخواست نصیحت کرد چه بود؟
- الف) دروغ نگوید
  - ب) حسادت نورزد
  - ج) خشمگین نشود
- ۳ - اگر از کسی ناراحت شدید، چه می‌کنید؟
- الف) جلوی خشم را گرفته و تصمیمی نمی‌گیریم و اگر ایستاده‌ایم می‌نشینیم.
  - ب) وضو گرفته یاد خدا می‌کنیم و صلوات می‌فرستیم.
  - ج) الف و ب صحیح است
- ۴ - طبق آیه ۱۳۴ سوره آل عمران خداوند چه کسانی را دوست دارد؟
- الف) کسانی که خشم خود را فرو برده و از خطای دیگران درگذرند
  - ب) نمازگزاران
  - ج) راستگویان و مؤمنان





حالا چه کسی می‌تواند بگوید راه درست چه چیزی؟  
 برای این که به کلمه بعدی برسیم باید دو نفر به نزد من بیایند تا پرسش‌هایی  
 را از آن‌ها بپرسم. از هر کدام دو سؤال می‌پرسم.  
 آماده‌اید: (این جا جای تلاشه فکرت از هم نپاشه اول فکر کن با دقت  
 جواب بده با سرعت)

- ۱ - کدام واژه به معنای پیشوا و رهبر یک جامعه است؟ **امام**  
 ۲ - کدام دستور قرآن به معنای آشتی است؟ **صلح**  
 ۳ - پدران برای به دست آوردن پول به چه مشغولند؟ **کار**  
 ۴ - کدام کلمه به معنای خویشاوند، نزدیکان و بستگان است؟ **فامیل**  
 حالا از میان این واژه‌ها کلمه مورد نظر را پیدا کنید.

چگونه؟ به صورت زیگزاگ، از آخرین حرف کلمه اول شروع می‌کنیم. پس خیلی  
 سریع کلمه را حدس بزنید. بله، متشکرم. «مصرف» کلمه مورد نظر ما بود. بله.

## راه درست مصرف

حالا به کارت‌هایی که در دست من است، توجه کنید. من کارت‌ها را یک به  
 یک به شما نشان می‌دهم. شما پس از خواندن این کارت‌ها با بلند کردن دست  
 «راه درست مصرف» و «راه اشتباه مصرف» را بیان کنید تا من بر روی تابلو  
 بنویسم.

راه اشتباه مصرف	راه درست مصرف
۱,	۱.
۲,	۲,
۳,	۳,
۴,	۴,
۵,	۵.
۶.	۶.



اولین کارت را نشان می‌دهم.  بله، ممنون. گاهی اوقات با این‌که چندین دست لباس مناسب داریم، ولی باز هم از پدر و مادر می‌خواهیم تا برای ما لباس دیگری خریداری کنند. تازه خیلی وقت‌ها با لباس مخصوص میهمانی بازی‌هایی را که نیاز به لباس مخصوص ورزشی دارد، انجام می‌دهیم. در نتیجه لباس زود خراب می‌شود.

کارت بعدی را بخوانید.  بله، بعضی‌ها آن‌قدر در مصرف کاغذ و دفتر بی‌دقتی می‌کنند که  مقدار زیادی از آن‌ها حیف و میل می‌شود. یکی از نعمت‌های خوب خداوند است که راه صحیح استفاده از آن به اندازه نیاز، خرید کردن و نگهداری صحیح از آن می‌باشد.

کارت بعدی  است. بعضی‌ها متأسفانه با استفاده از لامپ‌های پرمصرف موجب می‌شوند تا دیگران در استفادهٔ برق دچار مشکل شوند.

نیز از نعمت‌های خوب خداوند است که در همین رابطه خداوند در قرآن می‌فرماید: «و هرچیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.»<sup>۱</sup> در جای دیگر می‌فرماید: «از آسمان آبی فرو فرستاد، و به وسیلهٔ آن میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد.»<sup>۲</sup> بله، راه درست مصرف آن هم زیاد باز نکردن شیر آب هنگام استفاده‌ی از آب است.

آفرین، کارت آخری در مورد میوه‌های خوش‌مزه و آبدار است که از نعمت‌های الهی است و با درست مصرف کردن آن، شکر آن را به جا آوریم. بچه‌ها گلم! من یک سؤال از شما دارم. اگر ما از این نعمت‌های خوب خداوند، خوب استفاده نکنیم چه کاری را انجام داده‌ایم که خداوند در قرآن از انجام دادن آن ما را منع کرده است؟ بله، متشکرم.

## اسراف

۱. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ». (انبیاء، ۳۰)

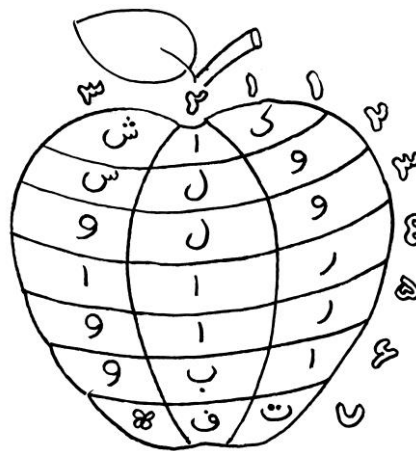
۲. «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ...». (بقره، ۲۲)

امیدوارم در تمام مراحل زندگی خودتان هم هوشیار باشید و هم بیدار و مثل بعضی نباشید که هر چقدر به آنها می‌گویید، حرف گوش نمی‌دهند. حالا کسانی که هوشیار هستند، دست بلند کنند؟ حالا چه کسانی همیشه بیدار هستند و دقت خوب دارند؟

حالا که همه شما هم هوشیار هستید و هم بیدار با یکدیگر این شعار را تکرار می‌کنیم. آماده‌اید؟

هوشیاریم و بیداریم ما از اسراف بیزاریم  
 بچه‌های خوب! قرآن درباره اسراف آیه‌ای دارد که به وسیله یک جدول آن آیه را به دست می‌آوریم.

برای این که به آیه مورد نظر برسیم ابتدا باید رمز جدول را پیدا کنیم.  
 به نظر شما رمز جدول چه عددی است؟ هفت



ابتدا باید حرف اول «ک» را بنویسیم، بعد هفت تا هفت تا بشماریم تا یک جمله بیست حرفی را، به دست آوریم.

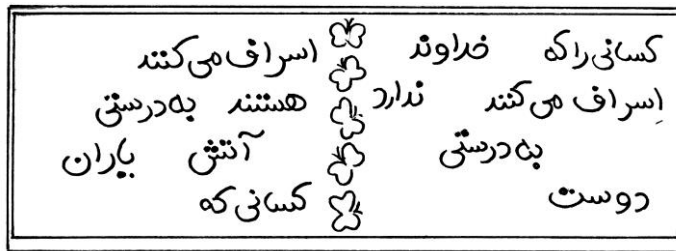
از تلاش شما برای به دست آوردن آیه شریفه قرآن ممنونم. آن آیه این است.  
 «كُلُوا و اشْرَبُوا و لَا تُسْرِفُوا...» یعنی: «بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.»<sup>۱</sup>

۲۲۰.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

آیا آیه دیگری هم درباره اسراف می‌دانید؟ برای آشنایی با این آیه‌ها به سراغ یک مسابقه می‌رویم.<sup>۱</sup>

من تخته را با خطی به دو نیم تقسیم می‌کنم که یک طرف آن برای یک نفر و طرف دیگر برای نفر دیگر باشد. شما باید این کلمه‌های درهم را مرتب و در کنار

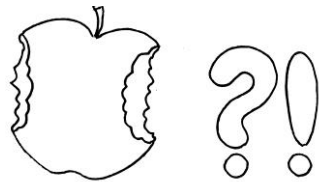
هم قرار دهید.



احسن بر شما که خیلی خوب و زیبا این واژه‌های الهی را در کنار هم قرار دادید.

حالا تا این دو نفر در جای خود بنشینند آنان را با این شعار تشویق کنید. هوشیاریم و بی‌داریم حرف حق و دوست داریم. بله بچه‌های خوب! همان طوری که می‌دانید اسراف کار بسیار بدی است. بگذارید در همین رابطه برای شما داستانی را تعریف کنم.

روزی امام صادق (علیه السلام) از جایی عبور می‌کرد. میوه نیم‌خورده‌ای را دید که در بیرون منزل افتاده است. امام (علیه السلام) به شدت ناراحت شدند و فرمود: «این چه کاری است که کردید؟ اگر شما سیر شدید بسیاری از مردم هستند که سیر نشده‌اند. پس به آن‌هایی که نیازمند هستند، بدهید.»<sup>۲</sup>



۱. آیه لا یحبّ المرفین... انعام، ۴۱. ان المرفین هم اصحاب النار... غافر، ۴۲.  
۲. سید عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، کانون ابلاغ اندیشه‌های اسلامی، ج ۲، ص ۸۵ با کمی تصرف در متن.

اگر دوست دارید داستان دیگری برای شما تعریف می‌کنم. پس صلوات با «و عجل فرجهم» بفرستید. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.



روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از راهی عبور می‌کرد. یکی از یارانش به نام «سعد» مشغول وضو گرفتن بود. او آب زیادی می‌ریخت. حضرت (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: «چرا اسراف می‌کنی ای سعد!» وی گفت: «آیا در آب وضو نیز اسراف است؟» حضرت (ص) فرمود: «آری هرچند در کنار نهر جاری باشی.»<sup>۱</sup>

بچه‌های عزیز! با شنیدن این حرف‌ها و داستان‌ها وظیفه ما بیش‌تر می‌شود. در نتیجه از این به بعد باید در مصرف نعمت‌های الهی دقت بیش‌تری بکنیم. ان شاء الله که همیشه مراقب هستید؟

آفرین بر شما! حالا برای این که بینم دقت شما چقدر است، داستانی را برای شما نقل می‌کنم. شما با دقت به این داستان، باید بگویید چند خطا از «مریم» اتفاق افتاده است.

روزی پدر و مادر مریم از او خواستند تا موقع برگشتن آن‌ها از بازار در منزل



بماند و به وسایل خطرناک دست نزند. مریم برای این که حوصله‌اش سر نرود، شروع به کشیدن نقاشی کرد. مقداری که نقاشی کشید، کاغذ را پاره کرد و در سطل زباله ریخت. او پیش خود می‌گفت: «این که قشنگ نشد.» مدتی گذشت تا این که

گرسنه‌اش شد. تصمیم گرفت مقداری نان و پنیر بخورد. پس از خوردن غذا سفره را جمع کرد و تکه‌ها و خُرده‌های نان را در میان سطل زباله ریخت. طولی نکشید

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۸۷.

که تشنه‌اش شد. بنابراین به سراغ یخچال رفت. لیوان را پر از آب کرد. مقداری از آن را نوشید و بقیه آن را دور ریخت. می‌خواست به طرف اتاق برگردد که در میان آشپزخانه ظرف‌های نشسته را دید و گفت: «بهتر است به مادرم کمک کنم و ظرف‌ها را تمیز کنم.» شیر آب را تا آخر باز کرد و شروع به شستن ظرف‌ها کرد. پس از شستن ظرف‌ها از ظرفشویی آشپزخانه صدایی به گوش می‌رسید. بله، صدای قطرات آب بود قطره قطره در میان ظرفشویی می‌ریخت.<sup>۱</sup>

احسنت بر شما! می‌دانستم که شما باهوش و زرنگ هستید و خیلی سریع متوجه اشتباهات مریم می‌شوید. در پایان برنامه از شما می‌خواهم که از اکنون تا سه روز آینده مواردی را که با چشم‌های خود می‌بینید و به نظر شما اسراف است - چه در خانه و چه در بیرون خانه - برای من بنویسید و بیاورید.<sup>۲</sup> هم‌چنین بنویسید که راه صحیح مصرف آن موردی که در آن اسراف شده است، چیست؟

اکنون برای شما شعری می‌خوانم. و بعد از آن شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

آی بچـــه مهربـــون	امسال چی گفت آقامون؟
اسراف تو کار نباشه	دقت بکن همیشه
چراغ اگه زیاد	روشن باشه اضافی
پاشو برو خاموش کن	حرف حق و تو گوش کن
یه چیز بگم خلاصه	که هرکسی بشناسه
مصرف بکن میانه	خیال نکن زیانه

۱. ۶ خطا در داستان وجود دارد. بنابراین در صورتی که دانش‌آموزان اشاره به تعداد خطاها نمودند مورد تشویق قرار می‌گیرند. در نهایت مربی خطاها را یک بار دیگر می‌گوید و یا از دانش‌آموزان برای بیان اشکالات استفاده می‌شود.

۲. مربی پس از سه روز مهلت به کسانی که بهترین تکلیف را آورده‌اند، جایزه‌ای بدهد.

حالا دست‌ها را بالا بیاورید تا با همدیگر دعا کنیم.

پروردگارا!

بخشنده پاک

سازنده جان

از گوهر خاک

ما را نیرومند

در جان و تن کن

دل‌های ما را

شاد و روشن کن<sup>۱</sup>

همه شما را تا برنامه‌ای دیگر به خدای بزرگ و مهربان می‌سپارم.

خدانگهدار

---

۱. نان و پروانه، به کوشش حسین حداد، چاپ سوره، چاپ اول. سال ۱۳۷۷، ص ۱۴۰

پرسش‌ها:

۱ - آیه‌ی شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ خداوند چه کسانی را دوست ندارد؟

(الف) دروغ‌گویان

(ب) حرف زشت‌زندگان

(ج) اسراف‌کنندگان

۲ - عاقبت اسراف‌کنندگان چه می‌شود؟

(الف) وارد آتش جهنم می‌شوند

(ب) از آن‌ها تشکر می‌شود

(ج) آن‌ها خوشحال هستند

۳ - در داستان مریم به کدام موارد اسراف اشاره شد؟

(الف) پاره کردن کاغذها و زیاد باز کردن شیر آب

(ب) دور ریختن نان و هدر رفتن آب

(ج) همهٔ موارد

۴ - کدام گزینه راه درست مصرف کردن لباس نیست؟

(الف) پس از شستن آن را اتو کنیم

(ب) در ورزش از لباس میهمانی استفاده کنیم

(ج) الف و ب صحیح است





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برترین هدیه



سخن بگویم به احترامش

آغاز گردد به ذکر نامش

بچه‌ها سلام! حال شما خوب است؟ می‌خواهم با یک دعا و آمین بلند شما، درس را شروع کنم. آماده آمین گفتن هستید.

«خدایا! به احترام خوبانت، فرج خوب‌ترین انسان روی کره زمین را برسان.»  
چند نفر از شما دعا کنند تا آمین بگوییم، چه کسانی حاضرند که دعا کنند؟<sup>۱</sup>

---

۱. مربی فقط به شش نفر اجازه دعا کردن بدهد. اگر کسی داوطلب برای دعا کردن نبود، خود مربی از شش نفر بخواهد تا دعا کنند. پس در هر دو صورت (داوطلبانه یا انتخابی) تعداد دعاکنندگان فقط شش نفر باشد.

آفرین به دوستان خوبتان که دعاهای خوبی کردند. همان شش نفری که دعا کردند برای انجام مسابقه تشریف بیاورند. مسابقه از سه گروه دونفره تشکیل می‌شود. پس شما شش نفر، دو به دو سه گروه تشکیل دهید.<sup>۱</sup>

مسابقه بین این سه گروه، در چهار مرحله انجام می‌شود که در هر مرحله مسابقه، تمامی گروه‌ها شرکت می‌کنند. اگر در هر مرحله، گروهی نتوانست پاسخ صحیح بدهد ما پاسخ آن سؤال را از سایر دانش‌آموزان می‌پرسیم، نه از دو گروه دیگر شرکت‌کننده در مسابقه. پس شما هم که در مسابقه شرکت نکرده‌اید با دقت به سوال‌های هر مرحله از مسابقه گوش کنید.

#### مرحله اول

در این مرحله، از هر گروه دو سؤال پرسیده می‌شود. این دو سوال روی برگه کاغذی نوشته شده است. به هر گروه یک برگه سؤال که در آن فقط دو سؤال نوشته شده است، می‌دهم که در مجموع از همه گروه‌ها در این مرحله شش سؤال پرسیده خواهد شد. هر گروه بعد از گرفتن برگه سؤال خود فقط دو دقیقه فرصت دارد تا به دو سوال خود پاسخ دهد.<sup>۲</sup>

من سوال‌های گروه‌ها را نمی‌خوانم. گروه‌ها هم پس از پایان دو دقیقه، پاسخ سوال‌های خود را بیان نمی‌کنند و برگه سؤال‌ها را پیش خودشان نگه می‌دارند تا در مرحله دوم مسابقه به وسیله پاسخ‌های مرحله اول، رمز را به دست آورند تا برنده مرحله دوم مسابقه شوند.

---

۱. مربی می‌تواند از هر گروه بخواهد برای گروه خود نامی انتخاب کنند، یا خود مربی برایشان نامی انتخاب کند. ما در این جا آن‌ها را به گروه اول، دوم و سوم معرفی کرده‌ایم.

۲. مربی سؤال‌ها را قبل از کلاس روی سه برگه کاغذ یادداشت می‌کند. سؤال‌ها به همان ترتیبی که در بالا آمده است از یک تا شش شماره‌گذاری شود، یعنی سوال ۱ و ۲ مخصوص گروه اول، سوال ۳ و ۴ مخصوص گروه دوم و سوال ۵ و ۶ مخصوص گروه سوم است.

۲۲۸.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

### پرسش‌های گروه اول

۱ - با گزینه صحیح جای خالی را پر کنید.

هیچ پدری هدیه‌ای بهتر از ..... به فرزندش نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

الف. ادب       ب. ارث

۲ - با به هم وصل کردن حروف درهم و درست کردن کلمه مناسب، جای

خالی جمله زیر را پر کنید؟ (ح ا س ن ا)

انسان بزرگوار و محترم کسی است که بدی دیگران را با ..... پاسخ دهد.<sup>۲</sup>

### پرسش‌های گروه دوم

۳ - جای خالی را با انتخاب گزینه صحیح پر کنید.

کسی که وارد مجلس و مکانی می‌شود، دچار نوعی سردرگمی و سرگشتگی

است. پس با خوش‌آمدگویی از او .....<sup>۳</sup>

الف) انتقام گیرید       ب) استقبال کنید

۴ - با به هم وصل کردن حروف درهم و تشکیل کلمه مناسب، جای خالی

جمله زیر را پر کنید؟ (ه ت ب ر ی ن)

---

۱. ابراهیم احمدیان، رهگشای انسانیت (نهج‌الفصاحه)، گلستان ادب، قم، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۱. قال رسول الله(ص):

مَا نَخَلَ وَالِدٌ وَوَلَدًا نُحَلًّا أَفْضَلَ مِنْ آدَبٍ حَسَنٍ

۲. محمد محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۸۷۵.

۳. قال رسول الله(ص): بداخل دهشة فتلقوه بمرحبا، محمد محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، دارالحدیث،

قمریال ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۸۷۷، ح ۵۵۱۴.

اگر کسی به شما هدیه داد از او بپذیرید و قبول کنید و بدانید که .....  
هدیه، عطر است؛ هم سبک‌ترین و هم خوشبوترین است.<sup>۱</sup>

### پرسش‌های گروه سوم

۵ - پاسخ سؤال زیر را با انتخاب گزینه صحیح مشخص کنید.

کدام سرزمین است که به احترام محلّ شهادت و قبر مطهر یکی از امامان  
معصوم در آن سرزمین، استفاده از خاک آن جا برای مهر نماز ثواب دارد؟

الف) سامرا                       ب) کربلا

۶ - پاسخ سؤال زیر را با وصل کردن حروف درهم و تشکیل کلمه مناسب،

مشخص کنید. (ت م ق س م ی)

در آیه پنجم سوره حمد، از خداوند متعال می‌خواهیم تا ما را به آن راه هدایت  
کند، آن چه راهی است؟

فرصت دو دقیقه‌ای گروه‌ها تمام شد.<sup>۲</sup> از هر سه گروه متشکریم. ببینم کدام  
گروه جواب صحیح به سوال‌ها را داده است.

ابتدا هر گروه، یک سؤال از دو سوال خود را می‌خواند و جواب می‌دهد. گروه  
اول سوال اول خود را بلند و واضح برای همه بچه‌ها بخواند و جواب صحیح خود را

۱. همان ص ۸۷۷، قال رسول الله(ص): اقبلوا الكرامة و افضل الكرامة الطيب، اخفه محملا و اطيبه ريحاً.

۲. مربی، در مدتی که گروه‌ها به سؤال‌ها جواب می‌دهند، روی تابلو به این صورت (-----) شش خط کوتاه کنار هم می‌کشد و زیر آن‌ها را از راست به چپ شماره‌گذاری می‌کند تا بعد از پاسخ گروه‌ها به سوال‌ها، یک حرف از جواب صحیح پرسش‌ها را روی خط‌ها بنویسد و کلمه شش حرفی «احترام» به دست آید.

۲۳۰.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

هم بگوید. احسنت، همان طور که پیامبر اکرم(ص) فرموده است «ادب بهترین هدیه پدر به فرزندش است.» حالا من حرف اول جواب اولین سؤال را (ادب) روی خط شماره یک تابلو می نویسم. نوبت گروه دوم است که سوال سوم را برایمان بخواند و جواب دهد. آفرین، پیامبر فرموده است از او «استقبال» کنید نه انتقام بگیرید. من حرف سوم جواب سوم را (استقبال) روی خط شماره سه می نویسم. نوبت گروه سوم است تا سؤال اول خود، یعنی پنجمین سوال را برایمان بخواند. درست جواب دادند. آن سرزمین «کربلا» است. حرف پنجم کربلا را روی خط پنجم می نویسم. حالا نوبت سوال دوم گروه هاست، یعنی سوال های دوم و چهارم و ششم. پس سوال و جواب گروه اول را می شنویم. آفرین، جواب سوال دوم، «احسان» بود. حرف دوم آن را روی خط شماره دوم می نویسم. جواب سوال چهارم هم کلمه «بهترین» است که حرف چهارم آن را روی خط چهارم می نویسم. جواب سوال آخر هم «مستقیم» است که حرف آخر آن را روی خط آخر تابلو می نویسم. بله، همان طور که بعضی ها زودتر گفته بودند کلمه مورد نظر ما «احترام» بود که با جواب دادن به سؤال ها مشخص شد. گروه هایی که به هر دو سؤال خود پاسخ صحیح دادند، ده امتیاز می گیرند. هر سؤال پنج امتیاز دارد.

مرحله اول تمام شد. اما سه مرحله دیگر مانده است که تمامی پرسش ها در مراحل بعدی درباره «احترام» است. کسی که زودتر از بقیه کلمه احترام را حدس زد آن را معنا کند.

آفرین، احترام به معنای بزرگ و گرامی داشتن و عزیز شمردن است. حالا که معنای احترام را همگی فهمیدیم، وارد مرحله دوم مسابقه می‌شویم.

### مرحله دوم مسابقه

در این مرحله به هریک از سه گروه، یک کارت می‌دهم که روی آن دو کلمه نوشته شده است. بعد سؤالی را که مربوط به احترام گذاشتن است از گروه‌ها می‌پرسم. گروه‌ها باید با توجه به نوشته روی کارت خود پاسخ دهند. اما سوال این است:

ما باید به برخی افراد یا انسان‌ها احترام بگذاریم و احترام ما برای بزرگی آن‌ها است، اما بزرگی و عظمت آن‌ها براساس نوشته روی کارت‌ها فرق می‌کند. به طور نمونه براساس کارت علم و دانش، علم آن‌ها از ما بزرگ‌تر و بیش‌تر است. آنان چه کسانی هستند؟ هر گروه باید به دو مورد از افرادی که بزرگی آن‌ها براساس نوشته روی کارت آن‌ها است، اشاره کنند.<sup>۱</sup> هر گروه جواب صحیح و کامل بدهد، پنج امتیاز می‌گیرد.<sup>۲</sup>

ابتدا از گروهی که کارت سن و سال را در اختیار دارد، شروع می‌کنیم. از آن‌ها می‌پرسیم چه افرادی هستند که احترام آن‌ها برای بزرگی و زیادی سن و

---

۱. مربی کارت علم ورزش و بعد سن و سال به گروه‌هایی که امتیازشان کم‌تر و ضعیف‌ترند، بدهد و به گروهی که به نظر زرتنگ‌تر و دارای امتیاز بیش‌تری هستند، کارت مقام و رتبه را بدهد.

۲. از ابتدای مسابقه، مربی می‌تواند در گوشه‌ای از تابلو، شماره هریک از گروه‌ها را بنویسد و امتیاز آن‌ها را زیر آن یادداشت نماید. اگر گروهی در جواب خود به موردی اشاره کرد، گروه دیگر نمی‌تواند آن مورد ذکر شده را در جواب خود بیاورد، مثل پدر و مادر.

۲۳۲.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

سال آن‌ها است. آفرین، پیرمردها و پیرزن‌ها. همان‌طور که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «هرکس فضیلت و ارزش پیرمرد و پیرزن‌ها را بداند و بشناسد و آن‌ها را برای زیادی سن و سال آنان احترام کند، خداوند او را از ترس و وحشت روز قیامت دور می‌کند.»<sup>۱</sup> دیگر چه کسانی؟ احسنت، خواهر و برادر بزرگترمان و دوست و رفیقی که از ما بزرگ‌ترند.

حالا نوبت گروهی است که کارت 

علم و دانش
------------

 را دارند. به چه کسانی جهت علم و دانش باید احترام گذاریم؟ بله، معلم یا استاد، احترامش واجب است. آن قدر احترام به آنان اهمیت دارد که حضرت علی (علیه السلام) درباره آن به ما فرموده است: «در برابر معلم و استاد خود از جا بلند شو، اگرچه تو فرمانروا و امیر باشی.»<sup>۲</sup>

همین‌طور عالم و دانشمند احترامش واجب است و برای احترام به او حضرت علی (علیه السلام) فرموده است: «هرکه دانشمندی را احترام کند، پروردگارش را احترام کرده است.»<sup>۳</sup>

گروه آخر بگویند چه افرادی به جهت بزرگی 

مقام و رتبه
-------------

 آن‌ها، احترامشان واجب و لازم است؟

چه کسی در این عالم جایگاه و مقام او از همه برتر و بالاتر است؟ بله، الله اکبر؛ خداوند متعال و بزرگ از همه برتر و بالاتر است و احترام او به هر طریقی واجب

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج اول، ج ۱۲، ص ۹۹. (من عرف فضل شیخ کبیر فوقره لسنه، آمنه الله من فزع یوم القیامه).

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، محمدعلی انصاری قمی، ج ۸، ج ۲، ص ۱۹ (قم من مجلسک لابیگ و معلّمک و ان کنت امیرا).

۳. همان، ص ۶۷۵. قال علی(ع): من وقرّ عالماً فقد وقرّ ربه.

است. آفرین، پیامبران و امامان معصوم(علیهم السلام)؛ در زمان حیات و حتی وقتی که در میان ما نیستند آن‌ها احترامشان برای جایگاه و مقامشان نزد خداوند لازم است. چه کسانی جایگاه و رتبه و مقام آن‌ها نزد خداوند زیاد است؟

می‌توان به رهبر و حاکم عادل و نیز حافظ قرآن اشاره کرد که پیامبر هم احترام به آن‌ها را از بزرگداشت و احترام به خداوند دانسته است.<sup>۱</sup>

علاوه بر پدر و مادر که شما اشاره کردید، می‌توان به پدر و مادر شهید هم اشاره کرد. از افراد دیگری هم که نزد خداوند دارای جایگاه و مقام ویژه هستند، می‌توان به همسایه و یتیم نیز اشاره کرد.<sup>۲</sup> مهمان هم که حبیب و دوست خداوند لقب گرفته است و احترامش واجب است.<sup>۳</sup>

یکی از کسانی که امامان ما به یاد داده‌اند تا احترامش را حفظ کنیم، خودمان هستیم. یعنی هر کسی باید ارزش خودش را بشناسد و به خود بی‌احترامی و اهانت نکند تا دیگران نیز به او احترام بگذارند و بگویند او انسانی است که امیدواریم کارهای خوب و پر خیر و برکتی انجام دهد.<sup>۴</sup> نه این که با اهانت او به خودش و بی‌احترامی و ارزش قایل نبودن برای خودش دیگران هم از شرّ و بدی او احساس امنیت و آرامش نکنند.<sup>۵</sup> زیرا وقتی مردم ببینند او برای خودش احترام

---

۱. منتخب میزان الحکمه، ص ۸۷۷. قال رسول الله(ص): انّ من اعظم جلال الله اکرام ثلاثه: ذی الشّیبه فی الاسلام و امام الحارل و ما من القرآن غیر الغالی و لالجانہ عنہ.  
۲. همان، ص ۸۷۷. عنہ: اکرم الیتیم و احسن الی جارک.  
۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹. قال علی(ع): اکرم ضیفک و ان کان حقیراً.  
۴. همان، ص ۵۰۱. قال علی(ع): من هانت علیه نفسه فلا ترج خیره.  
۵. شیخ ابومحمد حرانی، تحف العقول، صادق حسن‌زاده، آل علی، قم، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۸۸۰. قال ابوالحسن الثانی: من هانت علیه نفسه فلا تأمن شرّه.



۲۳۴.....ره توشه راهیان نور مقطع ابتدایی

قایل نیست چطور می تواند برای دیگران ارزش و احترام قایل باشد و امید کار خوب و مفید از او داشته باشند. بلکه برعکس، احساس ناامنی و انجام کارهای بد و منفی را از او خواهند داشت.

### مرحله سوم مسابقه

در این مرحله هر گروه باید یک نمایش درباره احترام اجرا نماید. من یکی از موارد احترام گذاشتن را به هر گروه می گویم. آن گروه به صورت دونفره شیوه و روش احترام را به صورت عملی برایمان به نمایش درمی آورند. هر گروه مثال زیبا و جالبی را انتخاب کند و خوب اجرا نماید، پنج امتیاز می گیرد.

موضوع گروه اول، احترام گذاشتن به پدر و مادر است. شما باید یک نمونه عملی از احترام به پدر یا مادر را نمایش دهید. آفرین به گروه اول، حالا نوبت گروه دوم است. موضوع آن ها احترام به معلم و استاد است.

از گروه دوم هم تشکر می کنیم. اما موضوع گروه سوم، احترام به مهمان است که الان برایمان اجرا می کنند.

خیلی خوب بود. از هر سه گروه ممنونیم. در مورد احترام به مهمان این را هم بگویم که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر بالشی تکیه زده بود. سلمان وارد شد. حضرت بالش خود را به او داد و فرمود: «ای سلمان! هیچ مسلمانی نیست که به دیدار برادر مسلمانش برود و میزبان برای احترامش بالش گذارد، مگر این که خداوند او را (میزبان را) بیامرزد.»<sup>۱</sup>

۱. منتخب میزان الحکمه، ص ۸۷۷.

### مرحله چهارم مسابقه

در مرحله چهارم مسابقه، هر گروه باید به یک مورد از اشیا و چیزهایی غیر از انسان اشاره کند که ما باید به آن‌ها احترام بگذاریم. برای این که هر گروه بتواند به آن موارد اشاره کند، من دربارهٔ یک مورد از آن‌ها توضیحاتی می‌دهم تا گروه‌ها به موارد دیگر اشاره کنند. یکی از چیزهایی که ما به آن احترام می‌گذاریم، حرم مطهر امامان معصوم (علیهم السلام) به ویژه ضریح و قبر مطهر آنهاست و هر شیء و چیز دیگری که مربوط و منسوب به امامان (علیهم السلام) ما باشد، برایمان مورد احترام است، مثل منزل آن‌ها، منبر آن‌ها، مسجد آن‌ها و... پس تمامی این اشیا خودشان به تنهایی مورد احترام ما نیستند، ولی چون با امامان (علیهم السلام) ما نسبت دارند، برایمان قابل احترام و ارزش هستند. حالا هر گروه به یک مورد از این موارد که به بزرگان منسوب و مربوط می‌شوند، اشاره کنند. ابتدا گروهی که کم‌ترین امتیاز را دارد، به یک مورد اشاره کند و اگر امتیازها یکسان بود به ترتیب شمارهٔ گروه‌ها شروع می‌کنیم.<sup>۱</sup> در انتها بقیه دانش‌آموزان به مواردی که به ذهنشان رسیده است و گروه‌ها به آن اشاره نکرده‌اند، اشاره کنند.

مسابقه در این جا به پایان می‌رسد. حالا امتیاز گروه‌ها را بررسی می‌کنیم و از همهٔ گروه‌ها متشکریم به ویژه از گروه برتر مسابقه که با دقت بیش‌تری امتیاز بیش‌تری به دست آورد. امیدوارم همیشه در پناه آقا امام زمان (عجل الله تعالی

---

۱. در صورتی که هر گروهی نتوانست به موردی اشاره کند، مربی جهت راهنمایی آن‌ها می‌تواند به مواردی به صورت سؤال اشاره کند مانند: آن چیست که سخن خداوند است؟ «قرآن کریم» ما روبه‌روی چه چیزی به نماز می‌ایستیم؟ «خانهٔ خدا» و به این صورت در مورد آن‌ها توضیح دهد. علت احترام به این‌ها، منسوب و مربوط بودن به خداوند کریم است و احترام به آن‌ها احترام به خدا است. می‌توان به همین صورت و با چنین توضیحاتی به موارد دیگر، مثل مهر نماز، قبر مطهر شهدا، علما، پدر و مادر، نان، قانون، حیوانات و... اشاره کرد.

فرجه) موفق باشید. از همه بچه‌ها می‌خواهم برای سلامتی خودشان به ویژه گروه برتر و نیز سلامتی آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) صلوات بلندی بفرستند.<sup>۱</sup> حالا که مسابقه تمام شد و بچه‌های هر گروه سر جای خودشان نشستند، می‌خواهم برایتان داستان «مهمان علی (علیه السلام)» را تعریف کنم. خوب به این داستان توجه کنید. چون بعد از آن می‌خواهم بدانم چه کسی می‌تواند هم از این داستان نتیجه‌گیری کند و هم می‌تواند بگوید در «داستان مهمان علی (علیه السلام)» چند بار کلمه «مهمان» تکرار شده بود. همچنین بعد از گفتن تعداد صحیح تکرار کلمه «مهمان» در «داستان مهمان علی (علیه السلام)» نتیجه‌گیری از داستان هم بکند.

مردی با پسرش، مهمان حضرت علی (علیه السلام) شدند. حضرت علی (علیه السلام) با اکرام و احترام زیاد دو مهمان خود را بالای اتاق نشاند و خود امام (علیه السلام) روبه‌روی آنها نشست. بعد از مدتی موقع غذا رسید. حضرت (علیه السلام) غذا آورد و مهمان‌ها غذا خوردند. بعد از غذا، قنبر، غلام معروف حضرت علی (علیه السلام) طشت و پارچ آبی برای شستن دست و حوله‌ای برای خشک کردن دست مهمان‌ها آورد. همین که خواست روی دست‌های مهمان آب بریزد، حضرت علی (علیه السلام) آن‌ها را از دست قنبر گرفت تا خودش دست مهمان را بشوید. مهمان دست خود را عقب کشید و گفت: «ای امیرالمؤمنین (علیه السلام)! مگر چنین چیزی ممکن است که خداوند ببیند من دست‌هایم را گرفته باشم و شما آب روی دست‌های من

---

۱. در صورت امکان مربی می‌تواند به گروه برتر جایزه بدهد. برای تشویق دانش‌آموزان در طول تابستان بهتر است به جای هربار جایزه دادن به آن‌ها، کارت امتیاز بدهیم و به آن‌ها بگوییم در اختتامیه کلاس‌ها براساس امتیازشان به آن‌ها جایزه می‌دهیم و آن را عملی کنیم. در هر حال در بعضی موارد به صورت نامنظم به جای امتیاز، جایزه دادن هم مناسب است.

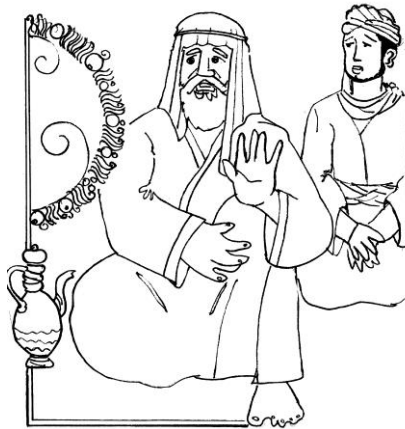
بریزید.» حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «هیچ اشکالی ندارد. بنشین و دست‌هایت را بشوی تا خداوند ببیند برادرت، خودش را برتر از تو نمی‌داند و بین تو و خودش فرق نمی‌گذارد و به برادرش خدمت می‌کند و خداوند در عوض خدمتش، به او پاداش می‌دهد. چرا می‌خواهی مانع کار ثوابی بشوی؟»

مهمان نشست، اما هنوز به خودش اجازه نمی‌داد که دستانش را بگیرد تا حضرت (علیه السلام)، روی آن‌ها آب بریزد تا حضرت (علیه السلام) آن‌ها را بشوید. آخر حضرت (علیه السلام) او را چندبار قسم داد که من می‌خواهم به برادر مؤمن خود خدمت کنم و به ثواب آن برسم. خواهش می‌کنم که دست‌های خود را درست و کامل بشوی همان‌طور که اگر قنبر می‌خواست دستانت را بشوید، می‌شستی. خجالت و تعارف را کنار بگذار. مهمان هم راضی شد و دستانش را شست. بعد از آن حضرت (علیه السلام) پارچ آب را به پسر خود محمد بن حنیفه داد و گفت: «پسر! اگر پدر این پسر این‌جا نبود و تنها خود این پسر مهمان ما بود من خود آب روی دستانش می‌ریختم، اما خداوند دوست دارد اگر پدر و پسری هر دو یکجا حاضر باشند بین آن‌ها فرق گذاشته شود و به هر دو مثل یکدیگر احترام گذاشته نشود. پدر روی دستان پدر و پسر روی دستان پسر آب بریزد، پس تو روی دستان پسر مهمان آب بریز.» محمد نیز روی دستان پسر آب ریخت. بعد از آن که امام حسن عسکری (ع) داستان را تعریف کرد، فرمود: «شیعه حقیقی باید این‌طور باشد.»<sup>۱</sup>

آفرین به آن‌هایی که گفتند کلمه مهمان یکبار بیش‌تر در «داستان مهمان علی (علیه السلام)» تکرار نشده است. زیرا در این جمله «داستان مهمان علی (علیه السلام)» یکبار کلمه مهمان آمده است و تکرار نشد. اما آن

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۴۱، ص ۵۶.

دانش‌آموزانی هم که گفتند در متن و توضیح داستان یازده بار کلمه مهمان تکرار شده است، درست گفته‌اند. حالا آن‌هایی که تعداد درست را اشاره کرده‌اند برایمان از داستان نتیجه خوبی را هم ذکر کنند.



احسنت به همه شما که به موارد زیبا و خوبی درباره احترام گذاشتن به مهمان، پدر و بزرگ‌تر در این داستان اشاره کردید حالا مثل همیشه که نام مبارک پیامبر آورده می‌شود، شما هم به احترام بهترین انسان، یعنی حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) صلوات بفرستید. تا من هم به احترام ایشان و برای یاد گرفتن از رفتار محترمانه ایشان با دیگران، شعری در این باره برایتان بخوانم.

هر کجا که نشسته بود  
پیامبر عزیز ما  
هر کسی پیشش می‌آمد  
فوری می‌ایستاد سرپا  
با صورت خندان و شاد  
به دوست خود سلام می‌کرد  
با مهربانی دست می‌داد

به خوبی احترام می‌کرد  
بعد می‌نشستند دوتایی  
کنار هم روی زمین  
پیامبر خدا می‌گفت  
حرف‌های خوب و دلنشین  
ماه قشنگ صورتش  
شبیه ماه آسمان  
گرمی و روشنی می‌داد  
به دوستان مهربان<sup>۱</sup>

بچه‌ها! من از شما می‌خواهم از همین الان تا جلسه بعد هرکدام از شما با خداوند عهد ببندد که به یکی از مواردی که امروز یاد گرفتید، عمل کند. جلسه بعد من از شما می‌پرسم شما کدام مورد را انتخاب کرده بودید و آیا موفق به انجام آن و احترام گذاشتن به آن شدید یا نه. حالا همگی دست‌های خودمان را بالا می‌آوریم. من دعا می‌کنم و شما هم آمین بگویید.

خدایا، به احترام پیامبر عزیز و مهربانمان، ما را هم مانند او عزیز و مهربان قرار بده!

خدایا، به احترام بهترین پدر و مادر، ما را جزو بهترین فرزندان برای پدر و مادر خود قرار بده!

خدایا، به احترام خوبانت، فرج بهترین انسان روی کره زمین را برسان!  
«آمین یا رب العالمین»

---

۱. سیدمحمد مهاجرانی، میهمان دخترک، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳.

**پرسش‌ها:**

- ۱ - کدام یک از موارد زیر یک نوع احترام به بزرگ‌تر می‌باشد؟
- الف) به همراه پدر و مادر یا بزرگ‌تر، جلوتر از آن‌ها حرکت کنیم
- ب) در هنگامی که از دری وارد می‌شویم، جلوتر از بزرگ‌تر وارد شویم
- ج) در هنگامی که نشسته یا خوابیده‌ایم در مقابل بزرگ‌تر از جای خود برخیزیم
- ۲ - به چه کسی اگر بی‌احترامی کنیم، دیگران امید کار خوب از او ندارند، بلکه از بدی او احساس آرامش نخواهند کرد؟
- الف) پدر و مادر
- ب) خودمان
- ج) مهمان
- ۳ - مطابق آن چه در درس گفته‌ایم وقتی مسلمان بر پیامبر اکرم(ص) وارد شد، پیامبر(ص) برای احترام به او چه کار کرد؟
- الف) از جای خود به احترام ورود مهمان بلند شد
- ب) بالشی را که پشت خود گذاشته بود، برای سلمان گذاشت
- ج) به احترام او، میوه و غذا آورد
- ۴ - در داستان مهمان علی(علیه السلام) چرا حضرت علی(علیه السلام) فقط دستان مهمان را شستند، ولی دستان پسر مهمان را پسر حضرت علی(علیه السلام) شستند؟
- الف) خدا دوست داشت در احترام گذاشتن بین پدر و پسر، فرق گذاشته شود
- ب) حضرت علی(ع) از پسر مهمان بزرگ‌تر بود
- ج) حضرت علی(ع) خسته شده بود